



جندهش‌های

سازمان فرهنگ نشر انسانی

مخفی در اروپا



شورای نویسندهان

زیر نظر

دکتر محسن هشتروودی

خو آنندۀ عزیز!

سازمان نشر فرهنگ انسانی، بمنظور بالا بردن سطح اطلاعات عمومی و علمی خوانندگان خود، تصمیم به ترجمه و انتشار یک سلسله کتابهای گرفته است که با چنان هدف وغایتی تالیف و تصنیف شده‌اند.

مراد از انتشار این مجموعه‌های علمی، ادبی، هنری و اجتماعی که در آنها مطالب بیشتری باحداقل کلمات ممکن بیان شده و بصورت کتابهای کوچکی در آمده و نتیجتاً غناء محتویات بر ارزش واقعی آنها می‌افزاید، اینست که قابل استفاده همگان بوده بتواند اطلاعات جامع و مفیدی در رشته‌های مختلف علوم که معرفت جمعی و جهانی انسانهاست، در دسترس طالبین و جویندگانش قرار بدهد.

سازمان ما برای نیل بمقصود، توجهش معطوف به انتشار اطلاعات علمی می‌باشد که دوراز هر گونه شائبه، غرض و نظر خاصی باشد، بنا بر این مقصود اصلی نشر علم و فرهنگ با جنبه‌های گوناگون است بدون آنکه عقیده خاصی مطمح نظر باشد. انتظار ما اینست که خوانندگان عزیز با مطالعه این نشریات که با جمیع آوری آنها مجموعه‌ای از فرهنگ انسانی را در دسترس خود خواهند داشت، در سیر تحول علوم به استنتاج منطقی از آگاهی‌های خود موفق گردند.

ما بسیار خوش وقت و سپاس گزار خواهیم شد که خوانندگان عزیز نظر خود را در مورد انتشار این مجموعه و مطالب آن بنویسند و مارا راهنمایی کنند.

آرزوی ما اینست که در انجام خدمات بر جسته فرهنگی بتوفيق خدمتگزاری نایل گردیم.

ناشر

چه می دانم؟

جندهش های مخفی در اروپا

تأثیف

هانری میشل

(ذبیر کل کمیته تاریخ جنگ دوم جهانی)

ترجمه :

مصطفی موسوی

حق چاپ محفوظ

ناشر : موسسه مطبوعاتی فریدون علمی

ناصر خسرو - تلفن ۰۱۶۵۰۶

خواننده محترم

گرچه بلحاظ اجباری که در حفظ اصل متن
و ذکر اسامی مختلف داشتم، ترجمه روانی تقدیم نشده...
اما، با اینهمه چون کتاب حاضر نهاده از وقایع
مستند و تلاش مبارزان مؤمنی میباشد، امیدمیر و دمطالب
آن برای همگان ... آموزنده و ثمر بخش باشد.
(مترجم)

توضیحات مختصر حواشی کتاب باعلامت ✕ از مترجم است

مقدمه مؤلف

به نشريات پنهانی ، عملیات زیرزمینی و رزمندگانی که لباس او نیفودم بر تن ندارند ، در هر یک از کشورها نام خاصی داده شده است .

انگلیس ها آنها را ، اندر گروند (۱) (سازمان زیرزمینی) هلنديها که پيوسته در ترس و وحشت شکستن سدها و فرورفتگی در زير آبها بسرمیبرند ، اندردویکر (۲) (كسانی که در زير آب زندگی میکنند) ، وبالاخره آلمانها تحت تأثیر خشونت توأم با ترس خود ، آنها را ترویست میناميدند .

از کرانه های فنی نیستر (۳) (غربی ترین استان فرانسه) تاسواحل ولگاهمه جا زیر فشار بیداد سیاسی و نظامی ، و شکنجه های غیر انسانی خورده شدند ، معهذا ملت های دست نخوردگانی تحت تأثیر نیروی باطنی و اعتقاد به ناپايدار بودن سالهای جنگ ،

Onderduikers — ۲

Underground — ۱

Finistére — ۳

در اروپا

۶

این دوران شوم راطی و جان بدر بر دند و اینک بعلت در دسترس نبودن اسناد کامل شرح و توصیف و قایع آن پایداریها بسهولت میسر نمیباشد زیرا :

در این زمینه مدارکی از آلمانها باقی است، اما این مدارک صرفنظر از پراکندگی وابهام، چون تقریباً همگی درباره عملیاتی است که علیه مبارزات مخفی انجام گرفته نه خود مبارزات، لذا آنطوریکه باید برای شناسائی سبک و روش این نوع مبارزات کافی نیستند،

اسناد متفقین هم که اکثرآ حاوی دستورات و ارسال پول و وسائل واعظام مأمورین است، با وجودیکه این کمکها در موقع خود کمال اهمیت داداشت و بی آنها بادر نظر آوردن بازداشتگاههای تغیر بوخنوالد (۱) مسلمان هر نوع مبارزه مخالفت آمیز پایه و اساسی نمیگرفت، معهدها امروز به عنوان دور ما، که شناسائی خصوصیات مقاومت هاست کمک زیادی نمیکند زیرا:

روسها که تا کنون جز داستانهای در مرور دعملیات قهرمانی و زندگی پاره تیز انها چیزی منتشر نساخته اند، وزارت خارجه امریکا (۲) هم در برسرویهای مخصوص خود را بر روی همه بسته و جز برای محققین نیمه بازنمی نماید، و تازه نسبت به آنها هم دریغ دارند که پرونده هارا عرضه نمایند.

آرشیوهای وزارت خارجه انگلستان هم مطلقاً قابل

دسترسی نیستند.

به مین ترتیب مدارک و اسنادی هم که از آلمانها و متحدین اورد با راه نهضت های مقاومت بدست آمده بسیار محدود و ناچیز

هستند. بالاخره آخرين وسیله که باقی میماند مدارک خود مقاومت کنندگان است که آنهم بعلل مختلفی بسیار کم و محدود میباشد، زیرا مقررات شدیدی که براین سازمان‌ها حکم‌فرما بوده اجازه نمی‌داده است، که نکمترین اثر و مدرک کتبی از آنها بجا ماند، مقاومین موظف بودند تمام دستورها و اسنادی را که ردو بدل میکردند بخطاطر اینکه خطرات را بحدائق کاهش دهند، پس از بخطاطر سپردن مفاد آنها، معذوم سازند زیرادر غیر اینصورت افشاء و کشف هر قسم سندی موجب میشد که اشغالگر بی‌رحم از طریق تقاطع اطلاعات و تسلی به شکنجه‌دادن افراد را بسط، مقاومین را بطور زنجیری بازداشت و همگی رامعذوم سازد. به این نقص مدارک و عدم دسترسی به پروندها، بایستی اشکالات و موانع ناشی از موقعیت و محل مناطقی که میدان پیکارها بوده، اضافه گردد. بعلاوه باید دانستکه این مبارزات تنها علیه دشمن جریان نداشت، بلکه علیه افراد یادستجاتی که باشمن همکاری میکردند بنویسند، موجب جنگ داخلی و ظهور رژیم‌های جدیدی گردید. وبالاخره پس از پیروزی متفقین آن اقامه دعاوی و محاکمات پرهیجان و غمانگیزی که تحت تأثیر خشم انتقام جویانه علیه شکست خوردگان انجام و منجر به اعدام‌های پی در پی محکومین شد، همه‌این عوامل موجب گردیدند تا همان نظروریکه امروزه قدرت دوبلوک بزرگ به رقا بتوصیت باهم برخاسته‌اند مقاومت هم در داخل ملت‌ها متولی به جنگهای پار تیزانی گردد.

مسئله غیرقابل احتراز دیگری که وجود دارد، اینستکه شخص نمیتواند در بررسی جنبه‌های مختلف مبارزات و مطالعه

وتحقیق هدفهای آن ، اصول بی طرفی را حفظ نماید ، و پس از همه اشکالات باید در نظر گرفت که مطالعه ماروی اموری است که هنوز نکات مبهم زیادی در آنها وجود دارد ، ازاین قبیل که مثلا مقاومت یوگوسلاوی چگونه شروع شده است ؟ – روابط بین مبارزین مخفی لهستان با رسیه شوروی بهچه نحو بوده است ؟ نحوه مقاومت مردم خود آلمان در برابر هیتلر و علل تصمیم به تسلیم بلاشرط آلمان – وبالآخره وضع حکومتویی و دلیل همکاری آنها با آلمان چه بوده است ؟

با اینکه خاطرات و بیوگرافی های زیادی درباره مبارزات مخفی منتشر شده ، ولی هیچیک از آنها درجهت مورد نظر مورخین نبوده است ، زیرا اولاً اکثر آنها ، از حدود واقعیت تجاوز ، وسوزه داستانهای ادبی گشته اند . ثانیاً از بسیاری عملیات وابسته به این قبیل مبارزات حتی اسمی برده نشده است ، زیرا یا هنوز موقع ابراز آنها نرسیده و یا انتشار آنها مخالفت قانون بوده و یا اینکه اعضاء سرویسهای مخصوص حق افشاء آنها را ندارند (۱)

مدارک رسمی ، خیلی بندرت چاپ و منتشر شده اند ، زیرا ، از یکطرف وجود اسامی مستعار و علائم قراردادی ، استفاده ازاين مدارک را مشغل ، از طرف دیگر جون این گونه مدارک بصورت پراکنده و سیله صاحبای آنها حفظ می شود بنا بر این جمع آوری

(۱) تذکر – در این کتاب سرویس های مخصوص سایق یعنی سرویس جاسوسی و ضد جاسوسی مورد بحث قرار نمیگیرند بلکه در هواردی که ارتباطی با مقاومت مبارزات مخفی پیدا میکند بدانها اشاره ای می شود .

جنبهای مخفی

۹

وچاپ آنها بسهولت میسر نمیگردد . تنها دولت یوسوگو سلاوی درمورد مبارزات مخفی کتب زیادی منتشر ساخته که امیدواریم دولتهای دیگر نیز بدان تأسی نمایند .

در خاتمه باید این مورد راهم بعنوان یک مشکل دیگر اضافه نمود ، که فرضاً مطلبی هم در باره این واقعیع منتشر گردید ، کمتر اتفاق میافتد که این انتشارات توأم با تبلیغاتی بنفع و در راه افتخارات رژیم سیاسی که هوردقبول نهضتی بوده است ، نباشد ، و یا اینکه بخاطر برائت ملتی که تحمل حکومت دیکتاتوری رانموده است بکار نرود . گاه مقاومت را برای جلوگیری از تجدید سلاح آلمان توجیه کرده اند و گاه بمنظور تحصیل آزادی ملی ، چنانکه شورش‌های برلین و بوداپست نمونه‌هایی از آنها بشمار میروند .

بنا بر این می‌توان گفت که فعلاً فقط تاریخ مبارزات مخفی اروپا باید نگاشته شود و برای اینکار در حقیقت بایستی جنگ دوم جهانی را از کلیه جنبه‌های وجوهات بررسی نمود ، و برای وصول باین هدف هم که کاری بس مشکل است ، جز تجزیه و تحلیل مطبوعات وسیله دیگری در دسترس نمیباشد ، زیرا اولاً کسب اطلاع از افراد وابسته به جنبش‌های مخفی ممکن نیست ، چون رازداری و عدم تفاهمی که این مبارزان نسبت بدیگران داشته‌اند باعث گردیده‌تا معاصرین آنها از اوضاع وحوادث مخفی همیشه‌بی اطلاع بمانند تا درمورد کسب اطلاع از مبارزه کنندگانی که اکنون در قید حیات اند هر چند گفته‌انها واجد اصلت است ، اما چون در آن ایام بکمک مهارت و تجری به بطریزی کاملاً طبیعی اعمالی را انجام

در اروپا

میداده‌اند امروز دیگر قادر نیستند توالی حوادث و
وقایع را بخاطر آورده عملیات و مشاهدات خود را بطور روشن
توصیف نمایند.

باتمام این اشکالات و علی رقم همه آنها ، سعی شد که
به رسمیت ، تاریخ مبارزات مخفی اروپا را بین سالهای ۱۹۳۸
تا ۱۹۴۵ تهیه و تقدیم خواهند گان دارم .

فصل یکم

خصائص عمومی مقاومت

« همانطوریکه موقعيت‌های سیاسی و بدنیال آن پیشرفت‌هایی »
 « نظامی هیتلر تسلط نازیها بر اروپا گسترش میداد، پس از یک
 دوره سکون و سرخوردگی ایمان عمومی و علیرغم تبلیغات «
 اشنا لگران و تبلیغات دولت‌ها و احزاب طرفدار آنها، بتدریج »
 مقابله و مخافف با فاتح وقت، آغاز و توسعه یافت. این
 « مخالفت‌ها گاه علني و آشکارا بود و قبل از آنکه شراره این »
 « طغیان‌ها در اردو گاههای کار اجباری خاموش گردد به عملیات »
 « و مبارزات زین زمینی کشانده میشد، و مبارزان در تاریکی
 و خفا شمشیرها را صیقل داده، اراده‌ها را که از امید بپروری
 « متفقین سیر اب میشد، فیروزه‌داند و از طریق تهدید مداوم و
 « ایندیع دشمن، بانتظار لحظه پیروزی و وارد کردن آخرین ضربت »
 « قطعی میمانند »
 « هنگامی که ارتش کشورهای مفتوحه مغلوب و سازمانهایی »

« اجرائی آنها قهرآ باختیار فاتح درآمد . یک خواسته و اراده »
 « استقلال طلبی به اشکال مختلف در میان ملل زجر دیده شروع »
 « به نشو و نمای کرد . ولی اشغالگران نه تنها نیرو و قدرت را در »
 « دست داشتند ، بلکه معتقد بودند که نظم نوینی را برای ساختمان »
 « یک اروپایی جدید را نجات دادند که انقلاب سیاسی و اجتماعی بهار مغان »
 « آورده اند . آنها طریق سهل و آسانی را ارائه داده بودند : »
 « قبولاً ندین یک عمل انعام شده ، تکیه به قوی تراز خود و واگذاری »
 « سر نوشته به او و امید به تحصیل یک موقیت در میان خیل فرمانبران »
 « به تدبیر اطاعتی که از خود نشان دهنده ، صدقیق بودن به کسانی »
 « که علی رغم وظیفه ملی ، یوغ بر دگی شان را بگردان گرفته اند . »
 « از طرف دیگر نسبت به تمدن دین رفتار و حشیانه ای داشتند که از شکنجه »
 « زندانیان شروع و به اعدام گروکانها ، تخریب دهکده ها ، و کشتار »
 « دسته جمعی اسیران در زندانهای گمنام ختم می شد . وضعی که »
 « پیش آمده بود تازگی نداشت ، همه ملل اروپائی بارها در تابع خود »
 « با این قبیل حوادث مواجه شده بودند و میتوانستند آنها را بیاد »
 « آورند : گربلاهای اسپانیولی علیه ارش نایل شون ، مبارزات فاطع »
 « ایتالیائیها علیه ریز و رجمینتو (۱) و کاربوناری (۲) ، اعمال افتخار »
 « آمیز رو شاه در جنگهای ملی ۱۸۱۲ ، و حوادث اوائل ۱۹۳۵ در »
 « اسپانیا ، و کمکهایی که هنگام فتح مسکو مردم روسیه به کوتوزف (۳) »
 « نمودند . خاطرات مردم هلند از (گو) (۴) ها ، و مردم لهستان »

Risorgimento - ۱

Carbonari - ۲ کابوناری ، نام انجمن سری بود که در

اوائل قرن ۱۹ در ایتالیا علیه افکار آزادی خواهی و اتحاد ایتالیا وجود آمد . X

Koutosof - ۳ ژنرال معروف فزوی که در سال ۱۸۱۲

بکمک مردم روسیه نایل شون راشکست داده که اسنوا را فتح نمود X

Gueux - ۴ نام شورشیان هلند علیه فیلیپ دوم شاه

فرانسه که در سال ۱۸۰۰ برای کسب استقلال خود قیام کردند X

- « از روزهای افتخار آمیز سال ۱۸۳۰ و ۱۸۶۳ ، خاطره صربها »
- « از جنگهای استقلال طلبانه علیه امپراتوری عثمانی ، و فرانسویها »
- « از جنگهای صد ساله و زاندارک و از (گزاندفره) (۱) یا از »
- « (فرانک تیرورها) (۲) در سال ۱۸۷۱ . همه اینها خاطراتی »
- « بود از قیام مردم علیه زور و تسلط اجانب »
- « در واقع همه چنین کرده بودند : گاهی جنبش مقاومت »
- « فرانسویها در شمال کشور بنام ، تیر اندازان (۳) زاندارک و دفعه »
- « دیگر در جنوب کشور بصورت (فرانک تیرورها) . گاهی »
- « نهضت مردم هلند بنام (گوها) و زمانی (میخائولویچ) (۴) که »
- « پارتیزانهای را بنام پارتیزانهای قدیم صرب که علیه عثمانیها »
- « قیام کرده بودند (چتنیگ) (۵) نامیده بود . و صدها نظایر دیگر »
- « این قیامها ... تجلی مینمود . »

در این موقع یادآوری خاطرات گذشته میتوانست تاحدی تقویت کننده روحیه ها باشد ولی حاوی آموخته دستور نبود . زیرا هنوز طرح ریزی نشده بود و ناچار هنگام اجرا ، با شکست های هولناکی مواجه میگردید .

گروههای افسران و مأمورین ادارات اطلاعات نظامی بواسطه تجربه ورزیدگی فنی که در کار خود داشتند اغلب اوقات وظیفه هسته اصلی را عهده دار بوده کادر و آموزگارانی برای دسته های جدید تربیت و فراغم مینمودند . نهضت مقاومت وظیفه

Grand - Ferré - ۱

Franc-Tireur - ۲

در جنگ گذشته X

Archers - ۳

Mihailovitch - ۴

در جنگ های پارتیزانی بر علیه هیتلر همکاری داشت X

Tchetniks - ۵

نام پارتیزانهای صربی در قیام علیه ترکها X

مامورین مخفی را بفتح متفقین بعده گرفت . مقاومت کنندگان نه فقط حاضر به قبول اتفاقی از عنوان جاسوسی میشدند بلکه اکثریت قریب با تفاق آنها . بدون هیچگونه چشم داشتی داطلب مبارزه‌ای بس مشکل و وحشتناک گشته در واقع نوعی سازمان ستون پنجم را برای خدمت به متفقین تشکیل دادند .

جنبش مقاومت نخست بصورت یک مبارزه میهنی برای فجات وطن جلوه گردید . و برای خیلی‌ها این فکر ، نخستین و تنها هدف بود . اما چون اشغالگران نازی هدف شان تنها اشغال نظامی کشور نبود بلکه آورده‌یک دکترین و رژیم سیاسی بودند که در آن تمدن غرب نفی و انکار میشد . از این‌رو بود که جنبش مقاومت رنگ مبارزه برای آزادی و ارزش عالی انسانی را در مقابل دیکتاتوری و استبداد بخود گرفت .

با اینکه در اغلب کشورها مقاومت با اشغال آن کشور شروع و توام میشد ولی در خیلی از کشورها قبل از آنکه بجنگ کشانده شوند مقاومت آغاز شده بود ، چنانکه در ایتالیا از سال ۱۹۲۳ همزمان با شروع بقدرت رسیدن حزب نازی در آلمان ، این مقاومت آغاز گردید . بنا بر این میتوان نتیجه گرفت که جنگجویان مقاومت ، اولین نبردهای خود را در جریان جنگ‌های داخلی اسپانیا یعنی از هنگامیکه ستون پنجم طرفداران فاشیست ، اولین فالانژهای (۱) همکاری و کمک را تشکیل دادند ، شروع گردید . و مهمترین نقشی که کمو نیستها ایفاء کردند آن بود

۱ - Phalange - حزب فاشیست اسپانیا که در ۱۹۳۳

تشکیل و نام قدیمی واحدهای نظامی نظیر هنگ است .

که خواص سیاسی این قسم جنگهای مقاومتی را افزایش دادند.

پیکار پنهانی

مقاومت سازمانی نیست که فرد بخصوصی عضویت آنرا داشته و سایرین را مؤمن و معتقد نمایند تا درجر که مقاومین در آیند « بلکه یک حالت روانی است که شخص را علاقه‌مند با نجام یک عمل خاص، و مواجه شدن با خطر مینماید. این حالت روانی متواالیاً و یاد آن واحد اشکال مختلفی بخود می‌گیرد که ما آن حالت روحی را بتر تیب اهمیت و نه بتر تیب روز و تاریخ مورد بررسی قرار خواهیم داد:

- « کمترین درجه مقاومت عبارت از آن نوعی است که آنرا « مقاومت منفی) مینامند. که این نوع مقاومت حتی در رژیم هائی « که از نازیسم الهامیگرفتن وجود داشت بدین توضیح که این رژیم ها، « حالت و طبیعت خاصی را در مورد روش سیاسی خود ابراز میداشتند»
- « که در حقیقت یک نوع مقاومت منفی ملایم محسوب می‌شد . یعنی» « میتوان گفت ، رژیم هائی که با تهدید و ترور بعیات خود ادامه « میدادند به تناسب موفقیت های خود ، تغییر حالت داده و مقاومت» « میکردند - تعیین میزان و اندازه دقیق این نوع مقابله و مخالفت» « مشکل میباشد فقط باید داشت که هبنا و پایه این نوع مقاومت» « متکی بر تشخیص موقعیت است تا حداقل خطر را در برداشته باشد.» « بدین جهت آنرا نمیتوان ارزیابی کرد مگر اینکه این طرز» « مقاومت به مقایسه بین مقاومت مثبت و منفی تشبیه گردد ، مثلاً» « برای اینکه امکان مقاومت منفی داشته باشند ، ظاهراً در نظر » « اشغالگران حالت خصماء ای نسبت به متفقین از خود نشان»

« میدادند : عزل لاوال (۱) در ابتدای کار بوسیله پتن و انتصاب « دارلان (۲) برای « استقرار نظام » ، تشکیل نیروهای مسلح در « الجزائر توسط ویگان (۳) و بکار بردن آن نیروهادر نوامبر » ۱۹۴۲ علیه امریکا ، کوشش حکومت ویشی برای برقراری « ارتباط با لندن و پیشنهاد فوریه ۱۹۴۲ آلمان بهمنظور اعلان « جنگ فرانسه به انگلیس، ویا اجازه آزادی عمل گشتاپو (۴) » در منطقه غیر اشغالی فرانسه از اول بهار ۱۹۴۲ ». « این گونه فعالیت‌هاهم در چارچوب مقاومت منفی قرار » دارند . البته نمیشود از این نوع مقاومت صرفنظر و آنرا « نادیده گرفت چنانچه امریکائیها توجه وابراز علاقه زیادی باشند » نوع مقاومت داشتند . نکته دقیقی که این نوع مقابله و مقاومت « را دچار بطوع وضعف هینما ید عبارت از اقدامات مقابله و « ترک کننده، یادوپهلو بازی کردن و بدتر از آن توطئه چینی‌های » دشمن میباشد ».

مقاومت منفی ملی ابتدا خود بخود ظاهر گشت و سپس صورتهای مختلفی را بخود گرفت . تشکیل مقاومت ابتدا با اشتباهاتی توأم بوده یا به آهستگی پیش میرفت، در نتیجه آلمانها

-
- ۱ - **Laval** — رئیس وزراء و معاون رئیس جمهور و مارشال پتن در زمان اشغال فرانسه و مسئول اصلی سیاست‌همکاری با آلمان که در ۱۹۴۵ پس از محاکمه و تیرباران شد ×
- ۲ - **Darlan** — دریادار فرانسوی فرانمانده نیروهای مسلح در زمان اشغال که در ۱۹۵۲ در الجزیره کشته شد ×
- ۳ - **Weigand** — وزیر فرانسوی که در زمان اشغال وزیر دفاع پتن شد و چندی بعد وسیله آلمانها بازداشت گردید — عضو آکادمی فرانسه ×
- ۱ - **Gestapo** — یکی از دو سازمان پلیس مخفی آلمان هیتلری ×

روز بروز بنا به خواسته‌های خود موافع ازیادی را در مقابل آن میگسترند و اقدامات متقابله ناروا و غیر عملی را پیشنهاد میکرند. این روح مقاومت منفی فقط از یک روح مقاوم الهام میگرفت. بسیاری از افراد مقاومت کننده و مخالف در منطقه اشغالی فقط بفکر آن بودند که خود را مخفی کنندتا از خطر بمبارانهای متفقین درآمان باشند.

وقتی که مقاومت منفی در مقیاس بزرگی عمل شود گردش چرخهای ماشین جنگی دشمن را کند و متوقف می‌سازد، مانند مواردی که (خرابکاری تدریجی) (۱) نموده و یا اینکه اعتصابهای را برآورده ندازند. اسرائیل‌جنگی و تبعیدش گان هم، مقاومت نوع اول را عمل میکرند در صورتیکه اجرای نوع دوم علامت آنست که مقاومت یک‌ملت بسیار اوج خود رسانیده است. بالاخره برای اینکه وسعت اعمال خصمانه نسبت به دشمن ارزیابی گردد باستی همت و شجاعت افراد، فعالیت هرچه بیشتر مردم هم بحساب آورده شود.

واضح است که این نوع مقابله تنها طریقه مقاومتی است که اکثریت کارمندان و کارگران میتوانند اجرا کنند. این نوع مقاومت ناچار بود که در یک حد قبل قبولی متوقف گردد زیرا در غیر اینصورت خطر آنرا داشت که بزیان کشور تمام شده حتی خود نهضت مقاومت راهم فلجه نماید. وقتی که مخالفت‌ها با تمام خطرات ممکنه منتهی به (اعتصاب) میگردید در حقیقت موقع عمل فرا رسیده بود، ولی اینکه در ابتدای کار اعتصاب از طرف سازمان مقاومت رهبری و هدایت نشده بود. ولی این سازمان مقاومت بود که روح مبارزه را در میان توده عظیمی رسوخ داده و حفظ میکرد تا بعد از

در اروپا

بتواند این روح مبارز را برای عمل مستقیم و قاطع تحریک کند.

این ارشاد و هدایت روح مقاومت و مبارزه و استفاده از آن، نشانه آنست که توده مردم از لحاظ روانی، مقاعده و آماده عمل گردیده است. به تجری ثابت شد که در اینه وقوع مبارزه هنفی بدون اینکه زیاد معلوم باشد دو باره ظاهر شده و جنگ روانی با دو منظور اصلی خود : یکی بخدمت گرفتن و تشویق کردن پارتیزانها و دیگر ما یوس و دلسرد نمودن حریف، آغاز میگردید:

انتشار تراکتها و روزنامه‌های مخفی در هر چند روز یک مرتبه در دوران مقاومت، مسلماً مسئله تازه وجودی نبود ولی آنچه که تا کنون سابقه و نظری نداشت عبارت از فرو ریختن مقدار زیادی مطبوعات بوسیله هواپیما، وسعت فعالیت‌های مطبوعاتی، پخش امواج رادیوئی شامل دستور العملها و پیام‌های امیدبخش بود. هر اندازه که بمنظور پیشگیری مقاومت ادارات و سازمان‌های عملی توسط متفقین ایجاد و تأسیس میگردید بهمان اندازه هم نهضت‌های مخفی سازمان یافته و گسترش پیدا میکرد.

« آثار و نتایج همه این تبلیغات مؤید روز بزرگ آمید» و موقیت نهائی نبود : گویندگان رادیوها و نویسنده‌گان مقالات، «نمیدانستند که گفته‌ها و نوشته‌های آنان چه آثاری روی شنوگان و، «خوانندگان خواهد داشت ولی برای اکثر (مردمی) که کشورشان، « تحت اشغال بود) گوش کردن به رادیو BBC، یارادیو بوستون و « یارادیو مسکو بمنزله اولین سرنیچی از اواخر دستورات مقامات « اشغالگر بود. آنها با استفاده از گفتارهای رادیوئی و تراکت‌ها نه تنها « از اخبار جدید مطلع شده و دلائلی برای امیدواری مییافتند، »

« بلکه ایدمان و اعتقاد پیدا میکردند که تنها نیستند و فراموش « نشده‌اند. »

« توزیع مطبوعات، بطور دست‌بدهت و طبق اصول منبوطه »
 « به اداره شبکه‌ها و جنبش‌های مخفی انجام میگرفت. در مردم « دشمن روزبروز دلائل زیادی بنخراپ شدن وضعف روحی وی »
 « مشاهده میگردید زیرا وجود تبلیغات مخالف از قبیل نجومی‌ها، »
 « مطبوعات مخفی، شعارهایی که روی دیوارها نوشته میشد ، ۵۵ »
 « نشانه آن بودند که مبارزات مخفی و عملیات آن‌ها را بازیابی
 « بوده و عدم امنیت بر محیط حکمفرماست. »
 « سپس آذار ۵۶ این جریان‌ها بصورت حوادث بزرگی »
 « بروز میگردید که ظاهرا هیچگونه ارتباط مستقیم با مقاومت »
 « نداشت. »

در این حوادث هر چند چاپ و انتشار یک روزنامه عمل
 مؤثر و محركی بود و خیلی‌ها هم در این راه آزادی و حتی
 جان خود را از دست دادند اما اعمال مؤثر و مستقیم بطرق دیگری
 انجام گردید:

« اولین عملی که بموقیع و مستقیماً موثر واقع شد »
 « عبارت بود از کمک بفراریان و زندانیان جنگی و سپس کمک »
 « به خلبانانی که در حین مأموریت در آسمان اروپای اشغال شده »
 « هواپیماهای آنها سقوط میگردیدند ترتیب (سیلی از فراریان) »
 « برآء افتاد که از لهستان بسوی هیجارستان، از یوگسلاوی بسوی »
 « ایتالیا، از فرانسه از راه کوههای پیرنه (۱) و گاهی از یوگسلاوی »
 « بسوی اسپانی و افریقا فراری کردند. بدنبال این (سیل فراریان) »
 « افراد مبارزه‌منصفی که مجبور به ترک کشور بودند خواه از لحاظ »
 « رعایت احتیاط و خواه بامید اینکه هنگام پیروزی متغیر، جنک »

«را ادامه دهنده، برای افتادن، اغلب اعمال مقاومت بصورت «فکاهی اجرامی شدمثلاً سازمان بورگونی (۱) در فرانسه ظاهرآ برای، نشان دادن وسعت کار و فعالیت خود فیلمی خطاب به متفقین تهیه نمود» که یک قسمت آن خلبانان امریکائی را نشان میداد که بالباس «غیر نظامی در پاریس و در میان سر بازان آلمانی گردش میکنند» و اعلامیه های را روی دیوارها می خوانند که در آنها اخطار» شده بود: «هر کس به خلبانانی که هواپیماهای آنها سرنگون شده، کمک نماید محکوم باعدام خواهد شد»

(شبکه های اطلاعات) نیز بوضعی تقریباً نظیر آنچه در باره مقاومت گفتیم بوجود آمد، درخیلی از موارد ممکن همان سازمان اطلاعات و ضد جاسوسی زمان قبل از جنگ ارتشها بفعالیت خود ادامه میدادند، و در موادر دیگر فعالیت آنها با همکاری سازمان (انتلیجنت سرویس) انگلستان و یا بعداً با سازمان OSS (۲) امریکا پیش میرفت. دولت های آزاد اروپا هم برای خود سازمان های اطلاعاتی خاصی بوجود آورده اند که چندان اصولی نبودند زیرا اختیارات کمتری داشته و امکان ازبین بردن آنها برای حریف زیاد بود، این دولت ها بجا عده زیادی خیرخواه احتیاج به مقدار زیادتری وسائل و امکانات داشتند. بدین ترتیب تعداد زیادی شبکه های ضعیف و ناپایدار و روی هم بوجود آمد و تمام اروپا را با یک تارو پود - کم و بیش فشرده فرا گرفت، و بطور خلاصه نه فقط

Bourgogne- ۱

Office Of Service Secete ۲ — سازمان اطلاعاتی و

هدایت و اداره عملیات مخفی که توسط امریکائی ها تشکیل و مورد آن در لندن بود X

جنیشورهای مخفی

۳۱

مختصصین بلکه تمام ساکنین یک منطقه اشغال شده هستند تبدیل به مأمورین اطلاعات گشته و سازمانهای مبارزه مخفی را از مقاصد و اقدامات دشمن مشترک آگاه و باخبر سازند.

مسئله (خرابکاری) بطور دقیق جزو تاکتیک عمومی متفقین درآمد و با آن منطبق گردیده، سازمان آن تحت نظر یک نفر وزیر متخصص در لندن ایجاد و توسعه مأمورینی که در مناطق اشغالی با چن فرود می‌آمدند بمورد اجرا گذارده می‌شد، سپس این مأمورین گروههایی را در محل جمع‌آوری و آموزش داده و مجهز مینمودند، اما اغلب اوقات گروههای منفردی هم که فقط از شور باطنی خود الهام می‌گرفتند اقدام به خرابکاری می‌کردند، تحریب‌های انفرادی که بین گونه انجام می‌گرفت گرچه خارج از برنامه مبارزه بود ولی مسلم است که این خرابکاریها مردم را تشجیع و تحریک می‌کرد، اضطراب و نگرانی در خاطر دشمن تولید مینمود و خیلی ارزانتر و مؤثرتر از بمبارانهای متراکم تمام می‌شد.

بموازات این خرابکاریها، (سوء‌قصد و ترور) نسبت به کسانی که با دشمن همکاری می‌کردند یا نسبت به افراد و سر بازهان منفرد دشمن نیز انجام می‌گرفت ولی در این مورد بین مقاومت کنندگان اختلاف نظرها و مجادلاتی وجود داشت و جمیع بعلت انتقام سختی که دشمن بدنبال اعمال مزبور می‌گرفت و بردم را تحت شکنجه در می‌آورد این روش را مردود می‌شمردند.

دیگر از آثار سوء‌قصد و ترور مأیوس کردن کسانی بود که با دشمن همکاری می‌کردند و به این ترتیب سوء‌قصد کنندگان در یک دوره آشوب و نگرانی، از یک طرف بردم می‌آموختند که از

در اروپا

آنها تقليد کنند و از طرف دیگر به کسانی که خود را در اختیار دشمن قرار داده بودند می‌فهمند که طبق مقررات مقاومت، آنها اولین کسانی خواهند بود که بعلت خیانت محکوم هستند.

این عملیات منفرد و متفرق بالآخره منتهی به آن می‌گردد. که مبارزه مسلحانه آغاز گردد، چنانکه این مبارزه حتی در زمان اشغال هم وسیله هاگی نه^(۱) و گریلاها^(۲) آغاز شد. اگر چهماکی‌ها الهام بخش مبارزات مخفی بودند ولنی خود آنها نمیتوانستند در همه جا تشکیل شده و عرض اندام کنند، زیرا احتیاج به مناطق کوهستانی و سیع و جنگلهای ابیوه و صعب الوصول داشتند، و پشتیبانی تدارکاتی آنها اشکالات فراوانی را برای مردم بومی بوجود می‌آورد. تهیه نیرو، دریافت اسلحه و تجهیزات و پول وسیله‌چتر از هوا، وبالاخره دوام و احتیاج آنها به سختی وزورمندی عواملی بودند که کار آنها را مشکل می‌کرد.

چون گریلاها مجبور به زندگی در کشور خود بودند، لذبن بردن آنها جزو کارهای اضافی اشغالگر بوده و بار اورا سنگین تر می‌گردد، با این ترتیب دشمن را تاحدی از آزادی عمل می‌حروم ساخته او را از نظر مادی و معنوی فرسوده مینمود و در عین حال روح استحکام ملی یا ایدئولوژی را در میان ملت شکوفان و زنده نگاه میداشت، عملیات گریلائی با اینکه اشغالگران

۱ - Maquis - بطور استعاره به مجموعه میهن پرستانی گفته می‌شود که بطور مخفی با اشغالگران می‌جنگیدند و جزو سازمان مقاومت بودند. ×

۲ - Guerilla - دسته جات پارتیزان نیمه منظم که جنگهای نامنظمی را برای هدف خاصی انجام میدهند. ×

راتحریک و وادار به انتقامجوئی های خونین میکرد اما از طرف دیگر این عکس العمل آنها بطور کامل انجام نمیگرفت زیرا میترسیدند که تمام مردم باحالت نفرت و انزعجار و در میان غم و آندوه، علیه دشمن یکدل و یکچان و متفق گردند درحالی که اشغالگر همیشه بیک حداقل همکاری احتیاج داشت و هر گاه همه چیز را منهدم و نابود میکرد زندگی موجودیت خود او نیز غیر ممکن میگردید. اشغالگر میتوانست مثلاً تمام دهکده های را که گریلاها از آنجا تغذیه میکنند آتش زده و منهدم نماید و از این راه دیشه آنها را خشک کند اما بسختی از این کار اجتناب نموده و تنها انتقام او توده کردن کشته ها و ایجاد خرابه ها بود، با این اعمال حتی حق انتخاب اسلحه و فرستاخ اخذ تصمیم را هم نامردانه از مقاومت کنند. سلب مینمود. هجموئه این کنش و واکنش ها موجب شدند که جنبش مبارزات مخفی بتدریج جنگ دیده و کارآمد شده و قدرت آنرا بیا بد که در نجات و رهائی ملت شرکت جوید. مسلمًا جنبش مقاومت به تنهائی قادر نبود که فقط باوسائل خود بزنندگی ادامه داده نجات و رهائی ملت را تأمین نماید، هرگز در شرائط روزهای کهورها خات (۱) در مقابل متفقین حالت دفاعی بخود گرفت و سپس شکست خورد، آنوقت موقع مناسب فرار سید و مقاومت کنندگان سرزمین های خود را نجات دادند، والبته این موقوفیت بدان جهت بود که مقاومت کنندگان نسبت به دشمنی که در حال عقب نشینی بود فقط مبادرت به رزم ها و عملیات ایدائی مینمودند.

۱ - Wehrmacht - کلمه آلمانی بمعنی نیروهای دفاعی،
وجنگی آلمان. X

بهر حال روز (ر) (۱) - فرا رسید و قیام ملی در سرتاسر اروپا ظاهر شد که تنها نقطه ضعف آن نداشتن اسلحه بود، در این موقع مقاومت کنندگان با توجه ملت هایکی شدند. کمک هائی که به ارش های آزادی پیشنهاد میکردند بسیار عظیم ولی نظامیها بدان اهمیتی نمیدادند. مقاومت کنندگان در همه جا پیشروی متفقین را تسهیل میکردند ولی همیشه ابتکار و اختیار عملیات در دست ارش ها بود، در نتیجه، از این واحدهای بدون از نیفورم ارش هائی بوجود آمد که در میان صفوی متفقین جای خود را باز کردند، و همین ارش ها بودند که برای مللی که در حال اغماء و بیهوشی بس ریزند پیام آوران رستاخیز عمومی گردیدند.

رشد و توسعه مبارزات مخفی

پیروزی آلمانها در همه جا ناگهانی و کلی بود، هم‌مییدیدند که تمام واقعیت هائی که تا کنون بدانها ایمان داشته‌اند از قبیل جاودانی بودن وطن، مجموعه ارزش‌های موروثی، و اعتماد به آینده و سایر چیزها، بایک ضربت منهدم و نابود میگردد، و مشاهده میکردن که علاقه تاریخی، سیاسی و محبت و حتی رشته‌های خانوادگی از هم گسیخته و فرو میریزد، در این موقع تمام بحث‌ها و مجادلات عقیدتی گذشته‌آنها، فقط بصورت یک نظریه بی تفاوت در آمده در عرض همبستگی و روابط غیرمنتظره جدیدی ظاهر میگشت.

(۱) - در اصلاح نظامی روز شروع حمله را روز (ر) و روزهای بعد را ر+۱ و ۲ و ۳... مینامند X

« مخالفت و مقابله در برای این حوادث در مرافق « اولیه بصورت یک (عکس العمل غریزی انفرادی) پدیدار گشت » و اغلب با کلمات طعن، آمیز ، بصورت تنقید وبا استهزاء » فاتح شروع شده و به توزیع تراکت های کم و بیش ساده و نوشتہ » « های دستی که طبق روش دست بدست تکثیر و پخش هیشد مبدل » گشت »

« اولین (گزوه مقاومت) در اثر تصادف و انفاق بوجود آمد » بی تجزیگی های زیاد وجود داشت، بحث و پر گوئی بیش » از اندازه هیشد، اولین کنایه ها و گفتگوها ضمن بیم و ملاحظه » موقعیت اشغالگر ظاهر میگشت . این گروهها هر قدر بیشتر » بی اختیاطی بخرج میدادند همانقدر هم ناپایدار و کم دوام تر میشدند » « اعمالی از قبیل فریاد های اعتراض آمیز بی نتیجه ، که فقط » اعصاب را تسکین میداد با طرح ریزی ناشیانه خرابکاری عا، » موجب توقیفها و بازداشت های محدودی میگردید، آنها ائی که » نمیتوانستند خویشتن را از توقیف ها بر کنار نگاهدارند باشند » « گروهها می بیوستند و وسیله ارتباط این گروهها اغلب روزنامه » « هائی بود که دست بدست میگشت . فعالیت و دقت کار و تامین » « این گروهها هنگامی بنحو صحیح و کامل انجام میگردید که » اداره و ابتکار عملیات در دست یکنفر از اعضاء قدیمی و با تجریبه » « با سرویسهای مخصوص ارتشی که حضو گروه بودند قرار گرفته » « و هدایت میگردید. در این میان تنها کمو نیستها در زمینه های » « اعمالی که قانونامنع شده بود تجزیات زیادی داشتند و بخوبی » « می دانستند که چگونه طرح توطئه برینند و چگونه اجر اکنند، » چگونه مخفی شوند و سکوت نمایند » « اکثر اbullet فقد اطلاع دقیق از یک مورد مخصوص باد آوری »

در اروپا

« عملیاتی که در ابتدا انجام گرفته است مشکل میباشد، زیرا « تحولات بقدرتی سریع انجام میشده که حتی ناظرین اوضاع هم اسامی و تاریخ حوادث را اشتباه و فراموش نموده‌اند »

این (هسته‌های اصلی) مقاومت که ابتدا کوچک و ناپایدار بودند دائماً در صد آن بر میآمدند که برای یک منبه هم که شده با متفقین خارجی تماس پذیر نداشتاید بتوانند به تنها ای (شبکه‌هایی) را با وسائل کافی تشکیل و بوجود آورند. معرفی و قبول عضو داوطلب بادقت شروع میشد. شبکه اطلاعاتی این سازمانها به اعضا ایاحتیاج داشت که در انبارهای مهمات شاغل باشند. شبکه کمک به فراریان میباشد افراد فراری راجمع آوری و جا و منزل دهند. خلاصه اینکه ارشاد سری مقاومت در جستجوی افسران قادر و احتیاط بود.

« شبکه‌های مذکور طبق اصول نظامی سازمان داده میشده، « یعنی دارای یک فرمانده و رئیس بوده سلسله مراتب در آن، « رعایت میشده، وظایف هر گروه و دسته‌ای مشخص گردیده و تعداد « افراد آن هر گز از عده محدودی تجاوز نمیکرد. این شبکه‌ها »

(۱) تاریخ این نوع مامورین باشیستی جداگانه نوشته شود داستانهای زیادی از حوادث شخصی آنها نگاشته شده که اغلب اوقات اقدامات خشن و ناراحت کننده‌تر، نتایج بزرگتری بیمار آورده است. حوادث و وقایعی که برای یک مأمور دوچانبه (مأموری که ظاهرآ برای هر دو طرف مخالف کار میکند) فرانسوی بنام (Lachatte) بیش آمد الهام بخش دو کتاب بزرگ و دوفیلم گردید، درست است که این زن بدام عشق یک افسر آلمانی افتاده بود ولی این عشق ما نندیک (ینشی) بود که در تمام زندگی رفت انگیزش او را آزار میداد.

- « از مرکزی که آنها را رهبری میکرد تبعیت مینمودند و بمحض «قطع رابطه تابع و متبع، وجود شبکه‌های مزبور بی‌اثر و فلچ»
- « میگردیده هر شبکه نه بعلت تعداد زیاد رزمنده، بلکه با حافظ تعداده»
- « هاموزین و خدمتکدارانی که در همه‌جا جلب و بخدمت خوده»
- « می‌آوردند یک نوع افتخار قهرمانی برای مقاومت فراهم »
- « مینمودند »

درحالی که تشکیل احزاب سیاسی و اتحادیه‌های صنفی و سندیکاهای منوع شده بود، این شبکه‌های مختصین امور مختلف را بخدمت خود می‌اورند و این عمل در واقع به مثابه یک پسیج عمومی بود که جنبه‌های مقاومت اروپای غربی مخصوصاً کشور فرانسه انجام دادند، وهم آنها بودند که در این موقع احتیاجات روحی و عقیدتی کادرها را فراهم و در عین حال عمل آنها را با اوضاع واحوال تطبیق دادند.

- « نهضت متوجه چیز و همه طبقات بود ولی قبول »
- « عضور اعمالاً محدود کرده بود. اغلب این جنبش‌ها بصورت یک »
- « اداره واقعی بود که سرویسهای متعددی با منظم و هر یک از »
- « این سرویسهای دارای یک هیئت مدیره مرکزی و یک قسمت »
- « منطقه‌ای بود که سازمانش با اداره مرکزی تطابق داشت. »
- « رؤسای سازمانهای نهضت کلیه اعضاء و طرفداران خود را نمی‌»
- « شناختند و قادر نبودند که یک دستوری را برای اجراسریعآ بانان »
- « ابلاغ کنند. بعلاوه سازمانهای مزبور نمی‌توانستند بدون کمک از »
- « خارج بحیات خود ادامه دهند. فعالیت آنها بایک تحول و بیش »
- « رفت متناسب با اوضاع سیاسی، و منطبق با یک طرح و دکترین برای »
- « آمادگی بعد از جنگ توجیه و تنظیم میگردیده »

جنبشهای مقاومت ملی چون قصد آنرا داشتند که واسطه تغییر افکار و عقاید گردند، ناچار با احزاب قدیمی برخودرهایی پیدا میکردند، درست است که گاهی جنبش مقاومت ماسکی بود تا احزابی بتواند در زیر نام آن، خود را مخفی نگاهدارد، ولی اغلب اوقات اتفاق میافتد که مجبور به مقابله با سایر احزاب گردد.

در کشورهایی که خاطرات تلحی از یک یا چند حزب داشتند و آنها را باعث ویا شریک مسئولیت شکست کشود میدانستند مقابله و مخالفت جنبش مقاومت با احزاب مزبور منتهی به روابط های شدیدی میگردید، اما اکثرآ تمایل جنبش های مقاومت براین بود که نیروی جدیدی به احزاب قدیمی داده در صورت امکان جای آنها را بگیرد. در کشورهایی که احزاب سیاسی، قبل از شروع جنگ در جبهه مخالف دولت ها قرار داشتند، در زمان جنگ کمترین ناراحتی برای اینکه جزو جنبش های مقاومت شده و تسلیم آنها گردند نداشتند و بجای پیش کشیدن بحث ها وارائه دلایل و مجادلات تنها کاری که میکردند این بود که ستادهای خود را با تعداد محدودی تشکیل دهند. از آن پس جنبش های مقاومت دیگر کاری نداشتند، جز آنکه با احزاب مزبور متحدوی کی شده یا از آنها چشم بپوشند. و سپس نسبت به دولتها آزاد یا دولتها که از کشور اخراج شده بودند بیشتر ابراز علاوه کردند تا نسبت به دولتها بزرگ متفق. زیرا متفقین هزبور بیشتر از لحاظ طرحهای نظامی و غیر سیاسی خود به جنبش های مقاومت توجه داشتند نه از نظر عقاید و ایمان آنها. گاه در موقعی که مقاومت کشورها بنابراین خود میخواست وارد عمل شود، طبق

جنبشهای مخفی

۴۹

طرحهای نظامی از خارج به جنبش‌های مقاومت توصیه می‌شد که در اظهار وجود خود تا فرار سیدن موقع آزادی ونجات تأمل نماید. اجرای این قبیل توصیه‌ها موجب می‌شدن دکمه مقاومت افرادی را که بدشواری جمع آوری نموده بود بدون اینکه آنها را در گیر یک رزم واقعی نماید از دست بدهد، این امر موجب شد که :
 تقریباً در همه جا رژیمندگان مقاومت شروع به تشکیل یک (ارتش ملی) واقعی بنمایند.

« این ارتش ملی ندرتاً دارای کادر افسران حرفه‌ای »
 « بود . در شروع کار درجهات همه افراد مساوی بودو امتیازات »
 « در مراحل بعدی بر اساس شجاعت‌های قهرمانی که از افراد »
 « سرمیزده یا بنیانای لیاقت رهبری و فرماندهی آنها، اعطائی می‌شده »
 « ارتش مذبور دکترین جنگی خود را بنا به تجربیات عملی تهیه »
 « و تعیین می‌کردمانند : وارد جنگ قاطع نشدن، حمله نکردن بدشمن »
 « مگر به جناح یا عقب او، حفظ و تامین راه عقب نشینی »
 « این تجربیات منجر بدان شد که در یو گسلاوی دستورات »
 « بسیار دقیق و جامعی برای پارهیز انها صادر گردد . چنانکه »
 « جزئیات طرز عمل در: کمین گاهها ، راه پیمایی‌ها، بسترهای کردن »
 « بیماران و زخمی‌ها ، طرز تبلیغات و حتی شکل ظاهری و »
 « لباس پارهیز انها وغیره نیز تعیین و بموزد اجرا در می‌آمد. »
 « من باب مثال حتی در یکی از دستوات ذکر شده بود که افراد سه »
 « روز یکمرتبه باید ریش خود را بتراشند. خلاصه برای توصیف »
 « و تشریح این نوع جنگ، جدید فرهنگ نوینی بوجود آمد و »
 « بتدریج داخل زبان توده مردم شد. »

از نظر سیاسی در تمام کشورهای مقاومت گرایشی بسوی یک اشتراك و اتحاد ایدولوژی داشت و این نظریه‌های ایدولوژی

تقریباً در همه جا بـشکل یک حقیقت مسلمی که توسط (ما ئوتـسـهـ توـنـکـ) (۱) بیان شده مورد قبول واقع گردیده است، مثلاً «اگر هدف گـرـیـلاـ با هدف هـای سـیـاسـتـ توـدـهـ مرـدمـ منـطـقـ وـمـوـافـقـ نـیـاشـدـ منـتهـیـ بهـ شـکـسـتـ خـواـهـدـشـدـ»، وـبـهـمـینـ جـهـتـ مقـاـومـتـهـاـ (برـنـامـهـهـایـ) خـودـ رـاـ مـتـکـیـ برـایـنـ اـصـلـ تـهـیـهـ مـیـنـمـانـدـ . اـمـاـ هـمـچـنـاـنـکـهـ اـرـتشـهـایـ بـدـونـ اوـنـیـفـورـمـ اـزـبـینـ رـفـتـهـ یـاـ جـزـوـ اـرـتشـهـایـ مـنـظـمـ گـشـتـهـ وـمـسـتـحـیـلـ شـدـنـدـ ، هـسـتـهـهـایـ سـازـمـانـهـایـ زـیرـزمـینـیـ هـمـ جـایـ خـودـراـ بـدـولـتـهـایـ آـزـادـ وـ یـاـ تـبـعـیـدـیـ دـادـنـدـ وـ یـاـ بـاـ آـنـهاـ مـتـحـدـ وـ تـرـکـیـبـشـدـنـدـ، (بـاستـثـنـایـ یـوـ گـوـسـلـاوـیـ) .

مـبارـزـاتـ بـخـفـیـ درـایـنـ مـرـحلـهـ اـزـمـوـجـوـدـیـتـ خـودـ بـودـ کـهـ بـصـورـتـ یـکـ نـیـروـیـ مـلـیـ شـناـختـهـ شـدـ ، وـحتـیـ جـایـ خـودـراـ درـ دـنـیـاـیـ پـسـ اـزـجـنـگـ هـمـ باـزـ کـرـدـ – درـعـینـ حـالـ کـهـایـنـ نـیـروـ ، قـدرـتـ وـاسـتـحـکـامـ بـیـشـترـیـ پـیـداـ مـیـکـرـدـ اـدـرـاـکـاتـ وـاـظـهـارـاتـ سـیـاسـیـ مقـاـومـتـهـمـ تـحـوـلـیـافـتـهـ وـپـیـشـرـفـتـ مـیـنـمـودـ.

تحولات سیاسی

مقـاـومـتـ درـابـتدـایـ اـمـرـ انـعـکـاسـیـ اـزـروحـ : مـیـهنـ پـرـستـیـ ، بـیـزارـیـ اـزاـجـانـبـ ، اـحسـاسـ سـرـشـکـسـتـگـیـ ، خـشـمـ فـرـوـخـورـدـهـ وـ اـنـدـیـشـهـ اـنـقـاصـ استـ کـهـ باـسـیـاسـتـ آـمـیـخـتـهـ مـیـگـرـدـ

اـگـرـ اـیـنـ مقـاـومـتـهـاـ اـغـلـبـ دـارـایـ رـنـگـهـایـ سـیـاسـیـ استـ بـدانـ جـهـتـ استـ کـهـ نـسـبـتـ بـهـرـثـیـمـیـ کـهـ نـتوـانـتـهـ استـ مـوـجـبـاتـ پـیـروـزـیـ رـاـتـمـیـنـ وـکـشـورـ رـاـزـ اـشـغالـ بـیـگـانـگـانـ حـفـظـ نـمـایـدـ اـحسـاسـ

جنبهای مخفی

۳۱

فریب خوردگی و غصب مینمایند.

ابتدار و سیه شود روی با عقد پیمان اتحاد با آلمان باعث شد که در کشورهای اروپائی بغض و کینه شدیدی نسبت به کمونیستها اوج بگیرد و هنگام اشتغال جنگ آنها را مته بخیانت نمایند. موقعیت آنها هنگامی کاملاً بخطر افتاد که عوض اینکه توسط هم هیهمان خود به اتهام خیانت تعقیب و زندانی گردند توسط مقامات آلمانی بازداشت و زندانی میشند. اگر ظاهراً ارتباط دستجات مختلف کشورها با (بین الملل سوم مسکو (۱)) حفظ شده بود ولی در داخله کشورها روابط بین آنها وضع سختی پیدا کرده حتی این روابط گسته بود. حزب کمونیست در مطبوعات خود رسماً از صلح صحبت نمیکرد و کسانی را که برای افپریالیسم مبارزه میکردند حکوم مینمود. اما بطور انفرادی خیلی از افراد مقاومت و بطرق مختلف یا آلمان ها مبارزه میکردند. خلاصه دستگاه حزب کمونیست بسختی متزلزل شد ولی از بین فرق. در این موقع مقاومت ملی بطور کلی نهاد کمونیستها الهام میگرفت و نه (با قوی دلیل) بوسیله آنها هدایت میشد. بلکه سازمان مقاومت ملت هارا علیه اشغالگر و علیه نازیسم و اقمار او که زائیده (نظم نوین) بودند هدایت و رهبری میکرد. مقاومت در این موقع هنوز دارای سیاست مشخص نبود فقط یک حالت روانی خصمانه داشت. بطور کلی روح مبارزات مخفی علیه رژیم های دیکتاتوری، برتری نژادی، شخص دیکتاتور، و حکومت های یک حزبی بود و برای آزادی فردی و ملی و تساوی افراد و ملیت ها مبارزه میکرد. با این چنین احساسات مبهم و در عین

— Internationale — سازمان سندیکاهای کمونیستها
که در سال ۱۹۲۱ در مسکو ایجاد گردید ×

حال جوانمردانه کلیه کسانیکه قبل از جنگ وابسته به دستجات و عقاید سیاسی مختلف بودند موقتاً در یک نوع اتحاد مقدس شرکت نمودند.

در اثر حادثه هم‌ویز رگه حمله آلمان بر سیاه‌شوری در ژوئن ۱۹۱۶ بود که کمونیست‌های تمام اروپا رسماً و بطور دسته جمعی داخل سازمان‌های مقاومت گردیدند ولی هنچار ورق تار سیاسی آنان همچنان در یک وضع کاملاً احتیاط‌آمیز و موقع شناسی باقی‌ماند. آنها از اینکه برنامه‌های خود را بادیگران مطرح و در میان بگذارند احتراز داشتند و اعلام میکردند که فعلاً با استی همه نیروهای ملی در جنگ علیه اشغالگر متحد و متفق گردند، و در مواردی که به عناصر (بورژوا) (۱) بر میخورند توصیه میکردند که یک (جبهه ملی) تشکیل داده شود.

تقسیم نهضت مبارزات مخفی اروپا بدو قسمت آغاز شد. در اروپای شرقی و مرکزی‌مانند، کشورهای یوگوسلاوی، لهستان یونان و رومانی دوچندان مقاومت بوجود آمد که در ابتدای امر بی‌آنکه در مقابل یکدیگر بمقابله برخیزند، در کنار هم قرار گرفتند، و در اروپای غربی کمونیست‌ها بطور دسته جمعی داخل سازمان‌های مقاومت گردیدند. عادت آنها بعملیات زیر زمینی، شبوه سازمان و جنب‌جوش خاص شان، آنها راجزو مؤثرترین عناصر نیروهای مخفی قرار داد. آنها حالت انتظار کشیدن سایرین را مورد ملامت قرار داده و خود وارد (عمل فوری) میگردیدند.

تبلیغات دشمن که برای تضعیف و بدئنام کردن آنها انجام

جنگشای مخفی

۳۳

میشد اغلب در عملیات وسیع خرابکاری و سوء قصدهائی که انجام دادند نتیجه معکوس داده باعث افزاید داوطلبان حزب و بالارفتن اعتبار مؤثر آنان میگردید.

انگلو ساکسونها خواستند در این مورد تعادلی ایجاد کنند، مقاومت اروپای غربی بعلت مبارزه‌ای که بارژیم‌های جاصله ازشکست دموکراسی مینمود و بعلت تشویق و ترغیبی که توسط متفقین غربی میگردید هر روز بیش از بیش خواهی نخواهی گراشی بسوی قبول رژیمی کم و بیش شبیه آنچه که قبل از محاکمه میش توافق داشت، پیدانمود. ولی این تحول و پیشرفت در شرق اروپا با پیشروی ارتش سرخ متوقف گردید.

از ابتدای سال ۱۹۴۴ منظره دنیا بعداز جنگ نمایان شد. در مشرق، ارتش سرخ قدرت را بدست گرفت احباب کمونیست ملت‌هائی را که آزادمیکردند با تکیه بر نیروهای مسلح خود دولت‌هائی را که در سوریه تعلیم یافته بودند دوباره زنده و روی کار آوردن.

کمونیست‌ها که قبل از جنگ بسیار محدود بوده جز در یوگوسلاوی درسا بر جاها سهم مهمی در مقاومت داخلی نداشتند حالا دیگر صاحب اختیار و همه کاره شده بودند و نیروهای دیگر مقاومت در مقابل آنها مجبور باطاعت یا اضطراب بودند.

در غرب گرچه کمونیست‌ها همه جا مقام مهمی را در تشکیلات مقاومت بدست آورده‌اند ولی هدایت و اداره کامل مقاومت در دست آنها نبود بلکه از طریق اعمال نفوذ، تنها بطور مختص توanstند رفورم‌های وسیع اقتصادی و اجتماعی را توصیه

و تلقین نمایند . بطور کلی برای جمعی مقاومت با پایان یافتن دوران اشغال که باعث تجلی آن شده بود خاتمه مییافت ، در حالی که برای جمعی دیگر مقاومت نقطه عزیمتی برای انقلاب سیاسی و اجتماعی بعدی بود .

بدین ترتیب مقاومت از نظر سیاسی دراول کار خود ، در شرق کمونیست ، و در غرب دموکراتیک ، و تحت نفوذ شدید سوسیالیستی کمونیست ها قرار گرفته بود . هر قدر مقاومت در هر کشوری فشرده تر میشد همان قدر تمايل به مخالفت وجودائی از لحاظ طرحهای بین المللی با متفقین پیدا میکرد .

مبازان مخفی اروپا حتی در اردوگاههای اجباری اواین قدم نفاق وجودائی ها را برداشتند که هنوز دنیای امروز هم با اثرات آن مواجه است .

یک مبارزه واحد

« مقاومت کنندگان عامل در تمام کشورها هرگز از « تعداد معددی تجاوز نگردد زیرا بعلت اشکالات زیاد روز » « مره و بعلت وحشت و ترسی که از اقدامات مقابله دشمن در « مقابل مبارزات مخفی وجود داشت ، مردم قبل از آنگه امکان « پیروزی متفقین افزایش یابد بطور جدی به اردوگاههای « مبارزات مخفی نمی پیوستند . جدائی و نفاق عمیق سازمانهای « مقاومت و دهلیز بندهای خاصی که نوع کار آنها ایجاد می نمود « سرکوبی و فشار دشمن همه اینها مانع از آن بودند که دسته « بندهای مبارزات مخفی بتوانند حتی در یک کشور بطور واقعی »

جنبش‌های مخفی

۳۵

« متوجه ویاختی هم آهنگی داشته، باشند بنا بر این مسلمان کسی »
 « نمیتوانست حتی صحبت از اتحاد یک مقاومت اروپائی را هم »
 « بنماید . ولی ما فوق همه اختلافات غیر قابل اجتنابی که زائیده »
 « شرایط زمان و مکان بود ، ممکن نبود که انسان تحت تاثیر »
 « جوهر ذاتی مقاومت‌ها که در واقع میان یک نواختی آن‌ها بوده »
 « قرار نگیرد . »

اولین مسئله‌ای که موجب یک نواختی مقاومت در همه جامیشد عبارت از نبرد و مبارزه با یک دشمن واحد بود و این دشمن ، اشغالگران نازی بودند . برای جمعی ، عکس العمل میهن پرستی با یک روح دشمنی با آلمان آغاز میشد ، ولی برای اکثر مقاومت کنندگان این عکس العمل روانی پس از شروع و اعلان جنگ ، و برای عده‌ای پس از شکست کشورشان پیدا شد ، و بالاخره پس از اشغال کشورشان بصورت عمومی درآمدحتی به کور ترین افراد بروز بدبهختی و مصیت مسلم گردید و آنهایی هم که کمتر مصمم بودند؛ اشخاصی نبودند که در فاصله بین دو جنگ با وجود احساس تنفسی که از زور و دیکتاتوری داشتند نسبت به آلمان تمايل آشتبی پذیری یا اطرافداری داشته باشند.

برای عده‌ای هم موضوع وجود خود آلمان و خطر دائمی آن مطرح بود، اما اکثر مردم دشمن نازیسم یا عبارت اخیری دشمن آن زخم چرکینی بودند که کانونش در رایش سوم و مانند قانقاریا داشت تمام اروپارا فرا میگرفت. نازیسمی که منکر ارزش‌های معنوی ، و خصائص اخلاقی موروثی یونان و رم قدیم و همچنین سنت مسیحیت یا معرفت بشری بود . مقاومت تنها عبارت از دفاع زمین‌ها ، اراده نجات و آزادی و قیام نبود بلکه مبارزه‌ای برای حفظ و تأمین ارزش‌های مسلم انسانی و یک جنگ ایدئولوژی

بصورت یک ارتش منظم بود (۱)

نازیسم ، وطایله بی رونق آن فاشیسم ، با همکاری هم ، از مرزها میگذشتند و بخارج از آلمان و ایطالیا بسط داده میشدند و باین ترتیب به جنگ ملی «جنگ بین ملت‌ها» اضافه گردید : فن پالولوس (۲) جنگجوی دیر و دشمن و آلمانی ضد نازی ، دوست امروز مقاومت کنند گان شد . جنگ همان‌نظر که برای فتح سرزمین هابکار می‌رود ، همان‌قدر هم برای تسخیر عقاید کوشش می‌کند ، پیروزی وقتی قطعی می‌گردد که پیروزی مسلکی و عقیدتی را قبل از پیروزی نظامی بدست آورده باشند .

« تاریخ مقاومت هر گز از همه مسائل همکاری جد او قابل »
 « تفکیک نبوده است ، زیرا بواسطه پیچیدگی و مبههم بودن مسائل »
 « تغیر وغیر قابل پیش‌بینی بودن اوضاع ، اغتشاشی که از درهمی »
 « اوضاع واحوال در مغزها پدیده می‌آید و وسعت و دامنه تبلیغات »
 « همه اینها علل و موجباتی هستند که باعث می‌شوند اشخاص »
 « بی تضمیم و مندد دائماً در حال تمايل و نوسان از یک اردوگاه به »
 « اردوگاه دیگر باشند . »

از نظر علمی مقاومت و همکاری با دشمن در حقیقت مقابله
 « هم و مانند روز و شب می‌باشند و یک تضاد شدید و بین‌حمنه‌ای »

(۱) منظور مقاومت کنندگانی است که با داشتن تفکر نظامی خالص در صدد ایجاد مقاومت غیر سیاسی برآمدند — ولی این اشخاص خیلی زود در اثر حوادث از نظر خود عدول کردند مانند زنالزیر و در فرانسه . X

(۲) VON Paulus — فرمانده ارتش ششم آلمان در استالینگراد که از روسها شکست خورده و تسلیم گردید . سپس به (اتحادیه افسان) آلمانی که بن علیه هیتلر در روسیه بوجود آمده بود پیوست .

جنبشهای مخفی

۳۷

- « بین آن دو وجود دارد . در عمل مخصوصاً برای مبارزان مخفی »
- « که فقط بدنبال حوادث میر و ندم رزها دقت و صراحت ندارند (۱) »
- « زیرا آنها قادر به ادراک روشنی از اشیاء و یا اعتقادات »
- « محکمی میباشند . هنگامی که بین دواردوگاه یک رژیم حالت انتظار یا بسی طرفی ادعائی ، حائل میگردد ، بسی نظمی و »
- « اختشاش باوج خود رسانیده ، پراکندگی و عدم اتحاد کامل تولید »
- « میشود . »

این مبارزه علیه اشغالگران و طرفداران او، پیکاری بود که مبارزان مخفی در تمام شرایط موجود روزانه آنرا ادامه میدادند .

اشغال همیشه با مسائلی از قبیل کمبود مایحتاج زندگی و جیره‌بندی، استئمار دسترنجها، جدا کردن عزیزان مردم از آنها، تفییش عقاید و سیله‌پلیس، زیاد کردن فورمالیته‌های اداری و بالاخره با تبلیغات وسیع وعظیم، توافق میباشد. در موقع اشغال همه چیز اعم از : خوردن، پوشیدن، سکونت کردن، پنهان شدن، تغییر مکان و مسافت، فوق العاده سخت و مشکل میگردد. مقدار خشونت و فشاری که دشمن اعمال میکند، ثروت، یافقر منابع طبیعی، ترکیب و ساختمان ملی و اجتماعی مسلماً در هر نقطه‌ای شرایط مختلف خاصی را ایجاد مینماید ولی^۱ شرایط کلی برای تمام اروپای اشغالی همچنان ثابت و یکسان بود. بالنتیجه زندگی مبارزان مخفی کاملاً منوط به مقررات خاص کشور مربوطه یا جائی که در آنجا فعالیت دارند بوده، بنا بر افزایش نسبی همکاری -

(۱) آیا دارفان رئیس جنگجویان چریک هم برای رفتان به لندن ابراز تمایل کرد ؟

مردم ، فعالیت آنها نیز تسهیل و افزون تر میگردد . برای همه یک خطر بطور مشترک وجود دارد که ممکن است منتهی به سرنوشت واحدی از قبیل : شکنجه، تیرباران و یارقتن به ارد و گاه اجباری گردد . همچنین یک غم و اندوه وجود ایمانی وجود داشت که باعث میشد به سوء قصد کنندگان و خرابکاران ، با اعدام دسته جمعی گروکانها یا با انهدام مزارع و دهکدهها پاسخ داده شود . پس اینهم یکی از انواع مختلف همان مبارزه واحد است که مقاومت آنرا هدایت و رهبری میکند، پیکاری که ابتدا بدون اسلحه و حتی گاهی در آخر نیز بدون آن ، روش و کیفیت خود را در بوته آزمایش ها مشخص مینماید .

فصل دوم

متتفقین و جنبش‌های مخفی

رفتار و برخورد متتفقین نسبت به مقاومت تقریباً همیشه یکسان بوده است : در روزهای سخت جنگ میکوشیدند تا از نیروی متشکله آن هر چه بیشتر و بهتر استفاده کنند . مقاومت مبارزان مخفی ابتدا بدون اینکه منتظر کمک یا دستور العمل متتفقین باشد علیه اشغالگران پیا خاست ، ولی همینکه بکلی با دشمن درگیر شد دیگر بدون متتفقین نمیتوانست پایداری و مقاومت کند و میباشد وسائل ، پول و کادر را متتفقین برایشان فراهم نداشند . اما متتفقین هم بدون توجه به اهمیت کار و همت مقاومت کنندگان حق و استقلالی را که آنها مطالبه میکردند بدو واگذار نمینمودند .

این برخورد و طرز رفتار کلی ، نتیجه مذاکره یا موافقتی نبود زیرا در هیچ موردی مسئله مقاومت در اروپا در مجموعه

طرح مذاکرات متفقین قرار نگرفت . زیرا که برای هر سه کشور بزرگ متفق مقاومت چیزی جز یک نیروی اتفاقی و حادثی نبود که فقط میخواست متفقین را علیه کشوری که مورد نظر مقاومت بود و اداره به جنگ و درگیری نماید و از نظر متفقین هر وقت که مقاومت بصورت یک عامل اختلاف و نفاق جلوه گر میشد هر سه کشور بزرگ متفق از آن صرقو نظر و رهاش میکردند، همچنانکه چرچیل و روزولت و دو گل لهستان را هاکرند و استالین از کمونیست‌های یوتان صرف نظر نمود .

- « از نظر نظامی هدایت جنگ فقط بین ملل انگلو »
- « ساکسون هم آهنگ و یکنواخت بود : سازمان و ترکیب هم آهنگی »
- « آنان طوری بود که در آن نقش ناچیزی بعملیات مخفی واگذار »
- « شده بود، مثلا در محاصره‌ها یا عملیات آمنی بی‌یک اهمیت نسبی »
- « از لحاظ تطبیق عملیات برای مقاومت فائل میشدند . استراتژی »
- « کلی انگلیس‌ها در اروپا یعنی در کنفرانس چهار جانبه »
- « اوت ۱۹۴۳ مشخص و تضمیم‌های لازم گرفته شده بود و لذا »
- « خطوط اصلی آن استراتژی عملا با اشغال آلمان تغییر ننمود »
- « با این ترتیب بیکار مبارزان مخفی خیلی بندرت در این تضمیم‌ها »
- « جلوه گر شد و در عرض تقدم و توجه قطعی معطوف به بمباران‌های »
- « هوائی میشد که در عمل عبارت از وارد کردن خسارات عظیم »
- « به همان کسانی بود که قرار بود نجات داده شوند ، در طرح »
- « (اورلرد) (۱) پیاده شدن متفقین در نرماندی، حتی اشاره‌ای »
- « هم به مقاومت نشده بود . در عملیات ایتالیا تجهیز و استعمال »
- « یک ارتشم فرانسوی جزو طرح بود، اما ذکری از مسئله مقاومت »

(۱) نامی که متفقین بر روی طرح پیاره شدن

در نرماندی گذارده بودند X

« ایتالیائی‌ها نشده بود . در طرح عملیات جنوب فرانسه پیش‌بینی »
 « شده بود که گریلاها باید در صورت امکان در قسمت جنوبی «
 « آلب از راه هوا تدارک شوند » ولی در این مرور هم جز در یک ،
 « عملیات محدود همانگرایی با آنها ننمودند . در عملیات هوائی »
 « موضوع گریلاهای فرانسه و بالکان مورد توجه قرار »
 « گرفته ولی نامی از اروپای شمال غربی برده نشده »
 « بود . »

« تنها در مرور دیو گوسلاوی بود که استثنای موضوع بنفع کشور »
 « منبور عملی ، و تدارک گریلاها با رعایت حق تقدم بر »
 « عملیات دیگری که در این کشور شد انجام گرفت و آنهم بدان علت بود »
 « که عملیات دیگری که در این کشور انجام گردید ناچیز و منحصر »
 « به اعزام دستگاه کوچک کماندو و بمبارانهای استراتژی »
 « محدود بود . با این ترتیب بطور کلی در هیچ یک از طرحهای »
 « متفقین آماده کردن و بکار بردن مقاومت مطرح نشده بود ، »
 « هیچ پروژه‌ای برای استفاده از این اسباب عظیم (تروا) (۱) که »
 « دشمن در درون مرزهای خود از تبعید شدگان ، اسرار جنگی »
 « کارگران دور از وطن ، جا ذاده بود تهیه نگردید . از طرف »
 « دیگر مستله‌ای که خیلی هم بر معنی می‌باشد آنستکه وزیر اقتصاد »
 « جنگی انگلستان که جنگهای نامنظم و واژگونی اروپا تحت »
 « نظر او اداره می‌شد در تهیه و طرح برای استراتژی جهانی و »
 « حتی در کمیته جنگی بریتانیا هم شرکت نداشت . وظینه او »

(۱) Troie — در افسانه‌های یونانی اسب چوبی بزرگی
 بود که عده‌ای درون آن مخفی و به شهر محاصر شده تراو افرستادند ،
 شباتگاه یونانیان از درون آن بیرون آمده دروازه‌ای شهر را
 گشوده و شهر را تصرف کردند . ×

در اروپا

- « منحصر از آغاز مرحله تا کنیکی و عملیات رزمی شروع میشد »
- « بنا بر این میباشستی منتظر پایان سال ۱۹۴۳ بشوند تا »
- « سرویس‌های مخصوص انگلیس و امریکا تحت نظر رئیس ستاد »
- « فرماندهی عالی غرب توأم و ادغام گردند ». :

بدین ترتیب هیچگونه عمل سیاسی و استراتژی سیاسی در مورد جنبش‌های مخفی اروپا وسیله سه کشور بزرگ متفق تهیه نشد و بکار نرفت .

مقاومت در اندیشه و نظرات متفقین جای بسیار کوچکی را اشغال کرده بود. از نظر آنها اروپای اشغال شده یک میدان عملیات نظامی فوری یا آتی بود، که در آنجا مسائل را از نظر نیروهایی که قرار بود با آن مواجه گردد یا نیروهایی که بایستی تحت فرماندهی خود داشته باشند، مطرح می‌ساختند. از نظر آنها، جوش و خروش، هیجان، خشم و کینه ملت‌هایی که تحت اشغال بودند در آن موقع نفعی بسیار اندک و برای بعد از جنگ خطر مشکلات بزرگی را در برداشت .

پس از این ترسیمی که از کلیات امور شد حال باید طرح‌ها را مشخص کرد: از نظر دول محور سرکوبی نیروهای جنبش قابل ملاحظه و مورد توجه بود، از نظر متفقین بطور کلی این نیروها اهمیت جندانی نداشتند، در کشورهای کوچک اروپای غربی هم هیچگونه اختلاف جدی بین مقاومین و متفقین بوجود نیامد، اگر چه در فرانسه موقعیت طولانی برای کشمکش‌ها و جدالها بوجود آمد ولی تبعیت مقاومت از ژنرال دو گل کشمکش‌های مزبور را بنفع جنبش مخفی پایان داد. اما بر عکس در اروپای شرقی و مرکزی منازعه و مبارزه بین دسته‌جات مقاومت

و متفقین که آنها را پشتیبانی میکردند آنقدر بالا گرفت که منجر به قطع رابطه گردید.

۱ - بربیتانیای کبیر

در قلمرو جنگ مخفی و پارتبیانی نقش بربیتانیای کبیر بیش از همه و شخص چرچیل محرک و نیر و بخش آن بود. بنحوی که در اول ماه اوت ۱۹۴۱ هنگامی که چرچیل در آرژانتین با روزولت ملاقات نمود او را وادار کرد که در اصول پنجگانه استراتژی متفقین، مسئله «کمک به گروههای مقاومت در تمام کشورهای اشغالی» را بگنجاند، در حالی که در این موقع هنوز مسئله مقاومت در اروپا امیدی بیش نبود.

از تابستان ۱۹۴۰ تا پائیز ۱۹۴۲ حیات وبقاء تمام مقاومت‌های اروپا پستگی کامل به انگلستان داشت و همین مقاومت با ادامه مبارزات خود آتشی در زیرخاکستر بود که بالاخره جنگ اروپا شناوری را آتش زد، همین مقاومت بود که شاهد پیوستن سلاطین، دولت‌های آزاد و داوطلبان ادامه رزم به سازمان‌های خود گردید، ملت‌های ستمدیده دست توسل بدامان این امید منحصر بفرد یعنی: اراده بربیتانیا زدند. همچنین در روزهای مصیبت بار و هنگامی که تبلیغات دشمن همه اروپا را علیه خود خواهی انگلیس‌ها تحریک میکرد (که ظاهرًا و برخلاف واقع اینطورهم مینمود) آنها در مقابله با قدرت تمام خود را آماده کرده‌ضمناً اقرار مینمودند که هنوز از لحاظ دفاعی مسلح و مهیا نبوده و در وضع نیمه‌جانی قرار دارند. البته با این ترتیب بربیتانیا قادر نبود جز

کمکهای پراکنده و ناجیز کار دیگری برای اروپا انجام دهد. رادیوی BBC انگلستان و بمقدار ناجیزی (پیکهای هوائی) اخبار را پخش نموده، علیه دشمن تبلیغ کرده در میان ملنی که که تحت اشغال بود روح مبارزه را برای روز عمل زنده نگاه میداشتند. تمام اروپا تحت تاثیر انتشارات رادیوهای انگلستان که مجموعاً در روز ۳۵ ساعت اخبار مختلف را خطاب به ۱۸ کشور پخش مینمودند قرارداداشت. تلاشی عظیم و کاملاً نو بود؛ انگلستان رستاخیز با شکوه استقلال (نه تمامیت ارضی) کشورها را بعده گرفته بود. حتی برای نمونه و سمشق، هسته اصلی نیروهای مسلح را تحت فرماندهی خود در نقاطی که حضور آن نیروهای مناسب‌تر بود تشکیل داده بود.

در حالی که (اداره اطلاعات نظامی-۱) شبکه‌های اطلاعاتی خود را مرتبآ در اروپای اشغالی تشکیل یا تجدید سازمان میداد، وزارت اقتصاد جنگی انگلستان اداره جدیدی بنام SOE (اجرائیات عملیات مخفی-۲) بوجود آورد که مأمورین لازم را تهیه و آماده نموده و به قاره اروپا گسیل میداد تا آنها گروههای کوچکی را تشکیل و آموختنداده، طبق دستورهای مادره خرابکاریهای محدودی را اجرا نمایند.

فرماندهی عالی انگلیس مدت‌ها با سازمان SOE مانندیکی از اعضاء فقیر و بی‌چیز یک خانواده رفتار میکرد و معتقد بود که با اندازه خاری که به پوست دشمن فرو رود بیشتر ارزش ندارد و فقط برای نیروهای مأمور عملیات کوچک میتواند کاری در

حدود مشغول کردن دشمن انجام دهد .
 سازمان SOE مقاومت اروپارا مسلح کرد ولی در عین حال آنرا محدود کرده مانع از آن شد که فعالیت های زودرسی را که ممکن بود منجر به انهدام گروه های مبارزان مخفی گردد انجام دهنده (۱)

سازمان SOE کلیه نهضت های مخفی را که موثر بودن ونظم و انصباط آنها مسلم میگردید فوراً تقدیمه و تدارک مینمود . SOE در فرانسه با دسته جات کمونیست و همچنین دریو گوسلاوی با قیتو همکاری میکرد ، یکی از هدف های سازمان مزبور عبارت از آشتی دادن هموطنان مخالفی بود که تحت اختیار فرماندهی بر بتانیا بودند .

انگلیس ها کلیه اصول و فنون جنگ های مخفی را هدایت میکردند ، از قبیل ارتباطات رادیوئی ، ارتباط بوسیله افراد با هوش طبق روش (پیام های انفرادی) ، پخش اطلاعات بوسیله فرستندهای مخفی ، ایجاد اردو گاه آموزش مأمورین چتر باز در انگلستان ، ساختن مواد منفجره و دستگاه های مربوطه (پلاستیک یا منفجره های صوتی) ، تهیه وسائل پرتاب افرادیابسته های محمولات بوسیله چتر ، عملیات بوسیله قایق های تندر و یا زیر دریائی ها ، اعزام افراد برای عملیات مخصوص از راه اسپانیا

(۱) چنان که در ماه اوت ۱۹۴۱ Dalton وزیر اقتصاد جنگی به پاره تیز آنهای بوجگلاوی (با وجود اینکه از لحاظ دریافت در درجه اول اهمیت بودند) توصیه کرد که از انجام عملیات خیلی جسورانه که خطر قلع و قمع جدی از طرف آلمانها را در بر دارد خود داری نماید .

و پر تفال وغیره ، همه اینها از جمله اعدامات انگلیس‌ها بود . در طول تمام این دوران ، لندن برای مقاومت اروپا انبارمهات ، بانگ پول وهم پاسگاه فرماندهی بشمار میرفت . کلیه اطلاعات و مأمورین اروپای مرکزی و همچنین اروپایی‌ها اختری در آنجا متصرکن میشدند . با وجود کمبود هواپیما ، فقدان افراد با تجربه ، و با وجود اتفاقات غیر متوجهه مدام ، تتحمل شکست‌ها ، و تجاهل فرماندهان نظامی ، معهذا افزایش کمک به مقاومت هر گز متوقف نگردید .

از ماه نوامبر ۱۹۴۲ تا آوریل ۱۹۴۴ انگلیس‌ها هدایت و رهبری مقاومت تمام اروپا را در اختیار خود داشتند ولی از آن تاریخ ببعد دیگر انحصار مزبور را زدست دادند و کشورهای بزرگ‌دیگری در منطقه ذینفع و مورد علاقه خود وارد عمل شدند .

« امریکائی‌ها شروع به تعقیب سیاست خاص خود نمودند »
 « کنسول آنها در افریقا شمالي تر نیبات پیاده شدن نیروها را »
 « برای ۸ نوامبر ۱۹۴۲ فراهم نموده ، ارتش امریکا هم اینجا »
 « نقش مهمتری را در این صحنه عملیات جدید بعده گرفته »
 « منطقه افریقا قلمرو آنها شد . گروههای مقاومت مخصوصی را »
 « در آنجا تشکیل و پشتیبانی نمودند . در این منطقه سرویسهای »
 « جنگهای روانی و سازمانهای مربوط به ژنرال ژیرو (۱) بن »
 « خلاف دو گل سکوت و تجاهل خاصی ابراز می‌گردند . سازمان »
 « مخصوصی در سوئیس تشکیل دادند که به مقاومت کنندگان »
 « کشورهای مختلف مساعد داده اغلب مبالغه مالی هنگفت ،

۱ — Giraud — ژنرال فرانسوی که در حمله آلمانها اسیر

شد ، سپس از زندان نازیها فرار کرده خود را با امریکائی‌ها شرکت نمود . X

« وقابل توجهی به آنها اعطاء می‌کردند . »
 « روسیه‌شوری در این موقع مسلمان فقط در داخل مرزهای »
 « خود به عملیات مقاومت ادامه داده نظرهای مشورتی از »
 « لحاظ تبدیل عملیات به تیقو میداد ، دولت لهستان آزادرا که »
 « در لندن تشکیل شده بود بر سمت شناخت ، ژنرال ژیرورا با ندازه »
 « ژنرال دو گل بحق شناخت . در داخل روسیه کمیته‌های تشکیل و »
 « واحدهای ایجاد گردید که بهیچوجه با لندن بستگی نداشته و »
 « خود را حریف و برابر جنبش‌هایی که احتملاً انگلیس‌ها در »
 « اروپای شرقی و مرکزی بوجود آورده بودند معزز می‌کردند »
 « در بسیاری از کشورها بدون اینکه ظاهرآ اخذ دستور مقاومت »
 « کنند گان را ازمسکو بتوان تصویح نمود (ولی تابع وهم آنگکی) »
 « تلاشها بخوبی این موضوع را میرساند) احراز کمونیست در »
 « همه جا جبهه‌های ملی یا کمیته‌های مقاومت را بوجود آورده »
 « بدین ترتیب قسمت اعظم افکار و نیروهای مقاومت را در یک جبهه »
 « واحد مجتمع و گردآورده بودند . »

در این موقع فعالیت سازمان SoE مرتباً رو با فرایش بود .
 با اینکه شکست‌های مکرر سازمان مزبور باعث شد که ستاد ارشاد بریتانیا از انجام تقاضاهای سازمان مزبور خودداری (۱) حتی کنترل عملیات هوایی ستادقاهره نیزار آن سلب و به ژنرال الکساندر (۲) واگذار گردد . معهذا در ماه ژانویه ۱۹۴۴

۱ - سازمان SoE در ماه دسامبر ۱۹۴۳ درخواست
 عملیات هوایی از پایگاههای خاورمیانه و ۴۴ عملیات از پایگاههای انگلستان را نمود این درخواست‌ها در ژانویه ۱۹۴۴ مورد بررسی و رسیدگی قرار گرفته در ماه مارس بمورد اجرا گذاشده شد ،
۲ - فرمانده گروه ارتشهای امریکا در Alexander عملیات افریقا **X**

کمک انگلستان به مقاومت فرانسه ده برابر کمک آمریکائی ها بود.

ولی مقاومت بدرشد کامل خود را رسیده بود به آسانی دستورهارا اجر او عدم اجر آنها را از دیگران نمی پذیرفت. مخصوصاً مقاومین فرانسه و ایتالیا بدنبال تیتو طرح و نظارت منبوط به پیکار خود را بدون اینکه منتظر روز (ر) رستاخیز ملی (سیاسی - نظامی) خود باشند در موقع مناسب تهیه و بموضع اجر اگذاشتند. عده‌ای هم، مأمورین بین‌النیا را سرزنش می‌کردند که اسلحه را در انبارها بدون اینکه مورد استفاده اشخاص قرار گیرد نگاهداشته‌اند تا اینکه دشمن آنها را کشف و تصرف نماید.

چون عده کمی هم از آن می‌ترسیدند که مبادا نیروی عظیمی از مقاومین بوجود آمده خطر آنرا ایجاد کنند کمدر لحظه پیروزی اختیار را از دست ارباب‌ها گرفته یادستجاتی درین مقاومت کنندگان تشکیل دهند که یک محیط انقلابی را در آن روز سخت بوجود آورند.

بدین علت ستادهای آمریکا و انگلیس در ماه ژوئن ۱۹۴۳ صریحاً تأیید نمودند که کمک به سازمانهای مقاومت کماکان در استراتژی متفقین یک مقام فرعی را اشغال خواهد کرد و بهمین جهت ظهور جنگجویان غیر نظامی (ماکی‌ها) و بهبود وضع آنها مورد توجه قرار نگرفته، تعیین موقعیت و ارزش آنها در عملیات عظیم پیاده شدن در اروپا دشوار بنتظر رسید. ستاد ارتش فقط باین موضوع اکتفا کرد که ترتیب تقدم کمک‌ها و همکاری با مقاومت‌های ملی مختلف را بنایه تحولات عمومی جنگ مورد بررسی و

اصلاح قرارداده (۱)

«چرچیل نیز بنویه خودگاهی تجاهل میکرد، چنانکه وقتی از «طرف (آستینه دولوپیری) (۲) در مرکش درخواست اسلحه را دریافت» کرد، از اسووال نمود که «میتوانید من اطمئن کنید که فرانسویها» اسلحه را علیه هم بکار نبرده بدون تلقینات و نظرات سیاسی «از اوامر این نهاد ر اطاعت خواهند نمود؟». با اینکه پاسخ «مشتب شنید، معهذا چرچیل میل داشت عملیات جنگجویان غیر» «نظمی فرانسه را به منطقه (ساواوا) (۳) محدود و آنها را ادار» «کند که منحصر درمنطقه کوهستانی (سون) (۴) و (ژورا) (۵) «عملیات کنند. وقتی چرچیل به لندن مراجعت نمود فرمادهان» «نظمی خود را ادار کرده که کمک خود را به سازمان مقاومت «فرانسه افزایش دهدن. ولی هیچیک از این وعده ها تامام نمایند. مارس ۱۹۴۴» صورت عمل بخود نگرفت.»

از این رو توافق بین مقاومت و انگلستان هم کاملاً صمیمانه نبود، زیرا که مقاومت خود را مانند یک نیروی سیاسی وانمود کرده برای استفاده ای که میتوانستند از آن بنمایند نکات جدیدی

۱ - این ترتیب تقدم در ماه مارس بترتیب عبارت بود از جزایر ایتالیا، کرس، کرت، بالکان، فرانسه و لهستان ندر ماه نوامبر ۱۹۴۳ به ترتیب بالکان، ایتالیای اشغالی، فرانسه و دریای اژه تغییر یافت و فقط در ماه مه ۱۹۴۴ بود که اروپا ای شمالی در ترتیب تقدم یکم قرار گرفت.

Astier de la Vigerie - ۲

Savoie - ۳ منطقه ای در جنوب شرقی فرانسه و من زایتالیا

Cevenne - ۴ کوهستانهای مرکزی فرانسه.

Jura - ۵ رشته کوههای واقع بین فرانسه و سویس.

را با استی مواد توجه قرار میدادند.

بهمن جهت از ابتدای اوریل ۱۹۴۴ بریتانیا دیگر نقش کم اهمیت‌تری را در نزد مبارزان منخفی بعده داشت زیرا بطور کلی دیگر نقش او در تمام مجموعه جنگ تقلیل یافته بود. وظیفه تدارک مقاومت در غرب را مریکائی‌ها بعده گرفته بودند ولی در شرق نفوذ شوروی از دیگر کشورها بیشتر بود. مقاومت فرانسه دیگر حاکم بر سر نوش خود شده حتی قبل از آنکه (حکومت موقت جمهوری) بر سمت شناخته شود طبق موافقت نامه ماه مه ۱۹۴۴ نمایندگان خود را به جلسات هفتگی مدیران BBC اعزام داشته بود. در ماه ژوئن ۱۹۴۴ ستاد نیروهای داخلی فرانسه (FFI) تحت فرماندهی ژنرال (کونیگ) (۲) تشکیل، و ادارات مخصوص انگلیسی و امریکائی که برای فرانسه بوجود آمده بود ظاهراً از لحاظ تشریفاتی تحت امرا و قرار گرفتند. نفوذ انگلستان در کشورهای کوچک اروپای غربی مانند بلژیک، هلند و نروژ که در صدد آن بودند تازه‌ترهای خود را تحت فرماندهی انگلستان قرار دهند پیش از سایرین بود، ولی بعدها رفتار و توجه چرچیل بیشتر تحت تأثیر اشتغالات سیاسی قرار گرفت تا مسائل نظامی، حتی بعضی اوقات روش‌های مخالفی نسبت به مقاومت در پیش میگرفت مانند آنچه که در مورد ایتالیا و یونان کرد.

پس از آنکه جنگ پایان یافت انگلیس‌ها استفاده هائی را که بیادش شجاعتها و روزشن بینی‌های خود در سال ۱۹۴۴ بخود نوید داده و انتظار داشتند بدست نیاوردند. یا بهتر بگوییم

وضع طوری شد که آنها با مقاومت بجای اینکه مدافعانه یک نظام سیاسی و اجتماعی که مورد علاقه مقاومت است باشند نه تنها با آن مقابله و مخالفت نمودند بلکه در صدد بر هم زدن آن نیز برس آمدند.

۳- روسیه شوروی

تحول و پیشرفت‌هایی که روسها در رفتار و تداوی خود بعمل آورده کاملاً بر عکس رفتار انگلیس‌ها بود:

تا ژوئن ۱۹۴۱ روسیه شوروی فی الواقع در یک حالت انتظار بسیار داشت، پیمان با آلمان اورا و ادار کرده بود که فقط متوجه سهمی که از سر زمین‌های متصرفی لهستان و سایر کشورهای بالتیک برد بود، باشد. از نظر مقاومت مردم لهستان، روسیه دشمنی همطراز آلمان شناخته شده بود. روسیه شوروی مواد و شرایط اقتصادی و سیاسی پیمان خود را با آلمان با نهایت دقیق و توجه بمورد اجرا می‌گذاشت: هتمردن و شورشیان ضد آلمانی یاقربانیانی که از قسم اشغال شده لهستان فرار کرده، خود را به سر زمین‌های اشغالی ارتضی سرخ میرساندند، اگر به بازداشتگاهها تحویل نمی‌شدند، امکان کمترین عملیات مبارزات مخفی به آنها داده نمی‌شد و بسیاری از اسراء جنکی لهستان سرنوشت بسیار سخت و دشواری را در زندانها وارد و گاههای روسی پیدا کردند.

روسها در خارج از مرزهای خود بهیچوجه از انگلیس‌ها حمایت و پشتیبانی نکرده مردان با اراده‌ای را مانند و گل و

بنش(۱) که دوش بدوش انگلیس‌ها بمبارزه ادامه میدادند محکوم کرده آنها (نوکران سرمایه‌داری) (۲) مینامیدند. مسلم است که روسیه شوروی با حمله آلمانها کاملاً غافلگیر شدوا این حالت بهت و غافلگیری تاعملیات استالین گرداده‌دادست، فقط در آن موقع بود که تصمیم قطعی گرفتند تمام نیرو را برای جلوگیری از انهدام کشور خود بکار اندازند و در نتیجه با وارد کردن یک ضربت قطعی سریع، موقعیت آنها در مخاصمات جهانی تغییر یافت. درحالی که خود قربانی هجوم نازیها شده بودند کلیه کسانی که با آلمان می‌جنگیدند در سلک دوستان آنها درآمدند. روسیه با از دست دادن قسمت مهمی از سرزمین‌های خود حالتی ملتمندانه برای درخواست کمک از خارجی‌های منجمله انسازمان‌های مقاومت کشورهای دیگر بخود گرفت، در عین حال مجموعه پیکارهای مأیوسانه او موجب شدند که مقاومت و جنگ هردو برایشان یکسان گردد.

وضع ناپایدار و متزلزل روسیه مانع از آن بود که بتواند در مسائل خارج از مرزها مستقیماً دخالت و نقشی را ایفاء نماید، و بهیچ‌چوچه قادر نبود که کمترین کمکی به سازمان مقاومت سایر

۱ - Bénès - رئیس جمهور چکوسلواکی در موقع حمله آلمانها . X

۲ - چنانچه مولوتف در گزارشی که در مورد سیاست خارجی روسیه به پنجمین جلسه شورای عالی روسیه در ۱۳۱ اکتبر ۱۹۳۹ داد انگلستان و فرانسه رامتهم نمود که « هنگامی که هیتلر بدنبال صلح است آنها می‌خواهند جنگ را ادامه دهند » و انگلستان را سرزنش و ملامت نمود که: « آزادیهای دموکراتی خود را هتلزل کرده است ». -

کشورها بکند و چنین انتظاری هم از او نمیرفت، زیرا روسیه شوروی از زیر فشار خفه کننده و رهایت (نیروهای مسلح آلمان)، حتی با انجام عملیات محدود ناحیه‌ای که برای تخفیف فشار آلمانه‌ا از طرف متفقین انجام میگرفت رهائی نیافت مگر از لحظه‌ای که جبهه دوم گشوده شدو آلمان کاملاً درگیر عملیات متفقین درغرب گردید.

هر چند روسیه شوروی سازمانی شبیه SOE (اجرائیات عملیات مخفی) تشکیل نداد و مسلماً در اوضاع اشغالی دارای شبکه‌های اطلاعاتی مختلف بوده است که بیشتر طبق روش قدیم جاسوسی، مأمورینی را که دارای مشاغل مختلف در سرزمین های دشمن بودند در میان مردم پراکنده کرده بود، همچنین تعداد بسیاری از مردمی که فقط حالت ناظر علاقمند بخود گرفته و تخصص فنی خود را مخفی نگاه میداشتند ولی چون در سرزمین خود عمل میکردند از لحاظ کسب اطلاعات بیاندازه مفید بودند. و همینها بودند که مبارزات مخفی فرانسه را بوجود آوردند (۱) روسیه شوروی برخلاف بریتانیای کبیر و آمریکا، سازمانی برای پرتاب افراد و وسائل با چتر از هوایپما بوجود نیاورد و مأمورین مخصوص بخارج نفرستاده، گروههای خرابکاری تشکیل

۱ - شبکه Rado که وسیله یک نفر نقشه‌کش تهیه شده بود دارای سه پست فرستنده در زنو و لوزان بود و از اطلاعاتی که از رادیوی مخفی سوئیس یا جاسوسی از صدارت عظمی هیتلر و ارتش آلمان میرسیده استفاده میگرد. این شبکه در اثر بازداشت یکی از بیک‌ها در تابستان ۱۹۴۲ عده زیادی را بکشتن داده و فعالیت آن تا پائیز ۱۹۴۳ فقط گردید.

در اروپا

نداده بود. بدینختی بزرگ احزاب کمونیست کشورهای غربی و تقاضاهای محترمانه کمکی که از انگلیس و آمریکا میکردند باعث شد تا متفقین معتقد شوند که روسیه کمک مالی با آنها نمیکند. چاره نبود آتشی در خانه افتاده بود و نجات خانه از نباشدن تمام نیروهای موجود را بخود جذب میکرد.

چون با قبول یک حالت فوق العاده احتیاط آمیز از ایجاد مجادلات و مخالفت هائی که همیشه بین مبارزان مخفی بوجود میآمد، جلوگیری میشد، روسیه شوروی لزوم کلیه نهضت های مبارزان مخفی را در یک اتحادیه مقدس اعلام داشت.

صحیح است که روسیه شوروی دارای سازمان (کمینترن)

(۱) بود ولی در این موقع برای خوش آمد متفقین رسماً آنرا منحل و بفراموشی سپرد، و متحمل است که اغلب اوقات احزاب و مبارزان کمونیست در عملیات خود از آزادی عمل و تصمیم به مردم بودند. ولی اکثر طرز عمل آنها در همه جا مشابه نبود، مثلاً در فرانسه، طرز کار آنها عبارت از درگیری در عملیات فوری و کوشش در اینکه سایر نهضت های مقاومت را بدبناه خود کشیده با نشان دادن سرمشق ها و درس های عبرت انگیز و همکاری کم و بیش صمیمانه با سازمانهای عمومی (نظیر کمیته عملیات شورای ملی مقاومت (۲)) را اداره نمایند. در حالیکه در (بوهم) (۳) چکوسلواکی

— علامت اختصاری کمونیسم بین المللی که

مرکز هدایت جنبش های کمونیستی جهانی در روسیه است . X

— علامت اختصاری (کمیته عملیات شورای

Comité d'action du conseil national) ملی مقاومت de la Resistance

— Bohême مهمترین کشور چکوسلواکی . X

مدتهای دراز یک حالت انتظار را بخود گرفته بودند.

بطور کلی همه‌آنها نسبت به روسیه شوروی و فاداری کامل داشتند. (۱). ولی طبق دستور کلی، درواقع یک صدا خفه کن، موقتاً روی تبلیغات خود قرار داده و گذاشتند تا مبارزه میهن پرستانه قبل از انقلاب جریان خود را ادامه دهد و از نظر سیاسی تمام مقاومت‌هارا صرفظیر از تمایلات خاص آنان دعوت به اتحاد کردند و از نظر نظامی عده‌های مخصوص خود را آماده و بسیج نمودند. خواه طبق دستورالعمل‌های صادره یا تحت تاثیر الهام روسها و یا صرفاً پنا به نظرات خود همیشه کمو نیست‌ها نسبت به روسیه و فدار مانده و میشد انتظار داشت که قریب‌آدر اروپا یک مسابقه و برخورد نیز وها بوجود خواهد آمد که هیچ‌گونه جسارت یا خشنونتی‌مانع پیشرفت آن نشود.

پیروزی استالینگرید یک تغییر وضع قطعی را بوجود آورد، دیگر بعد از آن اهمیت نفوذ روسیه شوروی در هم‌قاومت اروپا بی‌نظیر بود. دیگر مسئله سرنوشت میهن مطرح نبود، دیریا زود پیروزی قطعی بدست می‌آمد، بعد از آن در سیاست روسیه شوروی، آمادگی برای بعداز جنگ دفاع از منافع آینده و مسائل امنیتی مطرح بود. اما این مسائل باستی بین‌شرق و غرب اروپا تعیین و مشخص می‌شد.

۱ - طبق حکم روزانه ارتشی استالین، در فرانسه اجازه داده شده بود که در شعارهای مخصوص روزنامه او مانیته گنجانده شود که « افراد پاریزان فراز ایک تیور (جنگ‌جویان جبهه ملی فرانسه) مردند در حالیکه فریاد می‌زندند : « زنده با در روسیه شوروی »

در غرب، روسیه شوروی یک حالت احتیاط آمیز و عدم مداخله را پیغایت میکرد (۱) و مسائلی مانند تقسیم اروپا به مناطق نفوذ را، عملی انجام شده تلقی مینمود.

بهمنیں جهت حالت آشی ناپذیری روسیه شوروی در شرق کلی و یک جهت بود، اوحد قلمرو خود را بمیزان حدود پیش روی ارتش سرخ محدود و مشخص نمود، سپس با مداخله در سرزمین هائی که ارتش سرخ آنها را آزاد کرده یا خواهد کرد نسبت به انگلو ساکسونها یا نسبت به دولتهای آزاد قانونی مهاجرت کرده، به بهانه اشتراک هدف اصلی جنگ، حالت امتناع بخود گرفته و تظر آنها را در میکرد.

روسیه شوروی همچنین نسبت به آلمانی که در ۱۹۴۱ با او هم پیمان بود در پایان ۱۹۴۴ آنرا یک کشور مقاومت کننده عالی بنا به خصلت و طبیعت ذاتی اش، معرفی مینمود و من باب مثال اساساً چنین و انمود میکرد که ظهور مقاومت های ملی که با وسائل خاص خود جنگیده و پیروز شده و با تحمل رنجها و تلفاتی که در اثر اشغال نظیر آن در هیچ کجا جز لهستان وجود نداشته است، مدعیون ارتش سرخ و نقشی است که اجزاب کمونیست در تمام کشورها ایفاع نموده اند.

۳ - ممالک متحده امریکا

امریکائی ها بعد از همه وارد جنگ شده جز در سال آخر

- ۱ - استانیں در مورد موضوع لهستان به چرچیل نوشت: « آیا من در مورد بشیک دخالت میکنم » . (از مکاتبات استالین چرچیل و روزولت)

جنگ نقش مهم و اساسی در اروپا نداشتند حتی در مقاومت‌ها خیلی دیر و بمقدار کم نفوذی‌افتند. نوع مبارزاتی را که امنیکائی‌ها هدایت و رهبری می‌کردند باساخیر مبارزات تفاوت بسیار داشته و کاملاً در درجه مقابله قرار داشتند. ادراک و طرح آنها متمکی بر یک جنگی صنعتی و پرپایه، وسائل، سازمان، حمل و نقل جدید، نوویکنواخت کردن سلاحها، استوار بود. در حالی که مقاومت‌ها از همه اینها محروم بوده با فقر و فلاکت پیا خاسته فقط با سرمایه منحصر بفرد نیرومند خود یعنی فداکاری مبارزان داوطلب، مجهن بودند و بس .

در رهبری وهدایت سیاست امریکا، نقش شخصی روزولت با اینکه فوق العاده مقید به رعایت و تطبیق عقاید و نظرات خود با چرچیل و استالین بود، معهذا تأثیر فراوانی در اوضاع داشت ولی دو شخص اخیر الذکر فقط بدنبال هدفهای جنگی که متضمن منافع اصلی کشور آنها بود میرفتند، و رفتار و روش آنها نسبت به مقاومت مبتنی بر همان هدفها بود. در حالیکه سیاست عمومی امریکا بطور نامناسب توجیه گردیده و مبتنی بر این اصل بود که: اروپا همیشه یک سرزمین خارجی است و امریکائی‌ها در اولین فرصت مناسب از آنجا نیز ون خواهند رفت .

در مراحل اجرائی، ژنرال‌ها و افسران امریکائی یک بی‌اطلاعی قابل تأسی از مسائل سیاسی ابراز میداشتند، مامورین امریکائی‌هم که با گروههای بوسیله چتر فرود آمده بودند اغلب از مبارزان مخفی، که برای کمک آنها آمده بودند، فاصله گرفته، بواسطه اختلاف زبان، عقاید، احتیاجات و هدفها، نسبت بهم بیگانه بودند .

واضح است که رهبران این ائتلاف و اتحاد متفقین بزرگ که در کنارهم در اروپا و آسیا می‌جنگیدند و با مسائل مهمی مانند بسیج صنعتی و ساختمان تمام قطعات و وسائل یک ارتش عظیم در گیر و دست بگردیان بودند، نه طمع ارضی داشتند و نه مزایای خاصی می‌خواستند بلکه فقط در اندیشه آن بودند که پس از پیروزی، صلح جهان را تامین نمایند. اما اهریکائیها که مجبور بودند در همه‌جا خود را به مسائل مبارزان مخفی مشغول نمایند در این مورد نه یک سیاست کلی تنظیم کرده و نه تجربه عملی داشتند، بلکه بنا به شرایط اوضاع و احوال یک روش موقتی و محلی را قبول و انتخاب نمی‌نمودند،

« قبل از پائیز ۱۹۴۲ امریکائی‌ها هنوز وارد جنگ نشده» « و تازه مقدمات آن را آغاز کرده بودند. بداخل شدن در جنگ » « یکباره مسائل مختلفی برای آنها مطرح شد که او این آنها عبارت» « از انتخاب و توجیه نظریه استراتژی اروپا و آسیا بود . » « امریکائی‌ها تجربیات مختصری از مبارزان مخفی فیلیپین آموخته» « بودند که فقط من بوط به گریلاها بود، هنوز نجر به کافی از جنبش‌های » « مخفی کلی و سیاسی نداشتند. بهر حال امریکائی‌ها هر عملی را که » « می‌خواستند در اروپا انجام دهند می‌بایستی قبل اطلاعات و سیعی در» « در آن مورد کسب کنند و برای هر کاری هنوز ساعت عمل» « فرانرسیده بود . طبعاً در مرحله اول تمایل داشتند کما اطلاعات» « و اخبار لازم را از مجرای سفارت خانه‌های خود با مراجعه به » « مقامات عالیه اداری کشورهای اشغال شده کسب نمایند . » « بدین جهت بود که اجتماع و دسته‌جات اصلی جنبش‌های » « مخفی را که در این موقع بطور ناشیانه خود را نشان میدادند »

« خوب درک و احسان نکرده (۱) آنها را از لحاظ ارزش و « کمیت قابل اهمیت نمیدانستند، و بهمین ترتیب از افرادی که به « امریکا مهاجرت میکردند استفاده لازم نشده، انتشارات رادیوئی » آنها ناقص بوده بواسطه دوری مسافت بسختی شنیده میشد. » « از لحاظ صحبت اخبار و مهارت در تبلیغات و طرز عمل هر گز » « بیاید آن نمیز سید

مرحله بعدی با پیاده شدن در (افریقای شمالی فرانسه) در تاریخ ۸ نوامبر ۱۹۴۲ آغاز گردید . برای اینکه نتیجه این پیاده شدن نیرو و موفقیت آمیز بوده ، حداقل هزینه را داشته و مواجه با اشکالات احتمالی از ناحیه حکومت ویشی نگردد ناچار بایستی قبل از آنها تماس گرفته میشد ، بدین ترتیب برای اولین بار مسئله ایجاد روابط همکاری با فرانسویها مطرح شد ولی طرز عمل آنقدر ناشیانه بود که نه تنها باعث قطع رابطه با ژنرال دو گل گردید (درصورتیکه ممکن بود طوری عمل کنند که نتیجه باین بد نباشد) بلکه بعداً و متعاقب آن رابطه با نهضت مقاومت سرزمین فرانسه نیز قطع شد . اما ژنرال (ژیر و ۲) هم که مانند جانشین (ویگان - ۳) مورد توجه بود ، در مورد صلاحیت

۱ - گزارش‌هایی که Leahy سفیر امریکا در رویشی در این مورد میداد چالب و حاکی از این بود که : « رژیم گان مخفی (ماکی) اشخاص دمدمی و عجیب بوده ... طرفداران دو گل ، خود را بنام (گل) های قدیم مینامند (نه ژنرال دو گل) ... سازمان فرانسه آزاد هم اشباع از جاسوسان آلمانی است و غیره . »

۲ - Giraud قبلاً توضیح داده است .

۳ - Weygan - ژنرال فرانسوی که در زمان حمله آلمانها رئیش ستاد و در حکومت پن وزیر دفاع ملی سپس نماینده او در افریقای شمالی و بعدها وسیله آلمانها توقيف شد . عضو آکادمی . X

در اروپا

خود دچار اشتباه گردیده ، هیچ کاری برای موقیت قیام و شورش الجزیره و مردمی که در آن شرکت کرده بودند انجام نداد . نتیجه آن شد که همه آنها قربانی یک توافق نفرت انگیزی با (دارلان ۱) گردیدند .

بعدها آمریکائیها در صدد آن برآمدند که خود را از حمل و گرفتاری های مبهم و پیچیده مقاومت فرانسه خلاص کنند . مسلماً دلائلی که روزولت را وادار با تحدیز چنین سیاستی نمود از روی ناچاری بود ، او میخواست خطوط ارتباطی خود را (فرانسه روزمنده) را در مقابل هر نوع بی نظمی و اختلاف تازمانی که ملت فرانسه بتواند اظهار عقیده کرده ، در مقابل دیدگان خود فرانسه آزادی را معرفی نماید ، حفظ و نگاهداری کند . ولی آمریکا با توجه باین ملاحظات نظامی و سیاسی ، نظریه های اشتباه آمیز و قابل تأسی ابراز نمود : نظریه کلی و خصوصی اصولی او نسبت به (بقاء امپراطوری های مستعمراتی) و اعتقاد وی باینکه فرانسه دیگر هرگز جزو قدرتهای بزرگ نخواهد بود مانع از این شدن که توجه به آثار خارجی قدرتهای موجود و بکار بردن بهتر آن قدرتها ، برای به نتیجه رسیدن طرحهای وی بنحو شایسته و صحیحی ارزیابی و برآورد شوند .

روزولت در این اشتباه و خطای خود انقدر لجاجت بخرج داد که من بباب مثل ژنرال دو گل در نظر او ، ناگهان بشکل یک شاگرد دیکتانور و یک مرد کاملاً چپ و علاقه مند به

۱ - **Darlan** - آمیرال فرانسوی که معاونت ریاست جمهوری پتن و فرماندهی نیروهای زمینی و دریائی را بعهده داشته بالآخره در الجزایر کشته شد . X

کمو نیسم بین المللی جلوه گر شده، رفتار او در این مورد کاملاً منفی و بکلی غیرقابل دفاع توجیه گردید.

پس از آن امریکائی‌ها خود را در مقابل مسائل غیرمنتظره و پیچیده مقاومت ایطالیا یافتدند. بنظر میر سید شکستی که در آفریقا ذرمقابل حیله‌دار آن خورده بودند آنها را بیش از پیش محتاط و هوشیار کرده بود. هر چند که خود را داشمن و مخالف توسعه و گسترش سازمانهای پارتیزانی، مخصوصاً در قلمرو منطقه خود نشان میدادند معهذا برآیشان مسلم بود که نظریه قدیمی جمهوری خواهان کمتر از اقدامات انگلیس‌ها بنفع خانواده سلطنتی ایطالیا مورد توجه و مطرج می‌باشد. بهر حال بعدها امریکائی‌ها گزارش‌های نظامی و سیاسی را با مسائل مر بوط به مقاومت بهم متصل و مر بوط کردن، یک سازمان مرکزی مشابه سوئی انجلیس‌ها، بنام (اداره خدمات استراتژی - OSS) بوجود آورده‌اند. مسلماً امریکائی‌ها در مورد جمع‌آوری و استخدام مأمورین زیاد سخت نمی‌گرفتند، پندریج شبکه‌های اطلاعاتی و عملیاتی آنها در اروپای اشغالی بوجود آمد. مهمترین مسئله در این مورد آنست که با این اقدامات اساس و مقدمات عملیات عظیم پیاده‌شدن در اروپا و راهی را که باستی برای اینکار انتخاب کنند فراهم گردند.

و امریکا در سال ۱۹۴۴ تبدیل به زرادخانه مقاومت

شد.

- « همین امریکائی‌ها بودند که واحدهای فرانسوی را در « افریقای شمالی بسیج کردند؛ یعنی نیروی ارکب از ۲۵۰ هزاره » نفر شامل ۸ لشکر رزمی و ۳۰۰ واحد پشتیبانی و ۱۹۶ گردان »

در اروپا

« هوائی با تمام احتیاجات مر بوطه، یعنی در حدود سه میلیون تن»
 « وسائل و کالا را تهیه نمودند .»
 « امریکائی‌ها همچنین مقاومت داخلی را مسلح نمودند. در»
 « ۲۲ ژوئیه ۱۹۴۴ تعداد ۷ نفر مأمور و ۶۰۰۰ بسته محموله»
 « که محتوی ۱۰۰۰ تن اسلحه و تجهیزات بود با چتر از آسمان»
 « فرانسه فر پریختند، در ایتالیا از ماه ژانویه تا اوریل ۱۹۴۵»
 « کمک‌هایی که به مقاومت نمودند بالغ بر ۱۲۲۸ تن بارگیری شدند»
 « تن آن اسلحه بود . اما این مقاومتی را که آنها مسلح کرده و بکار»
 « بردند بآنها اجازه نداد که در اروپای غربی مخالفت یا اعمال»
 « زور نمایند »

« مسئله عجیب آنکه بطور کلی نظامیان بیش از غیر نظامی‌ها»
 « روح سیاسی ابراز میداشتند ، در حالی که هدفهای نظامی»
 « مقاومت اغلب هدفهای نبود که از طرف خود نظامی‌ها تعیین شده باشد . ژنرال (دونوان) ۱ رئیس کل سازمان OSS چنین»
 « برآورد کرده بود که متأسفانه مجبور خواهد بود سازمان»
 « نیروهای داخلی فرانسه را از لحاظ سیاسی بحال خود بگذارد»
 « تا در اثر فشار منهدم گردد و به مارشال پتن نوشته که «ما»
 « برای تحریم دوستی فرانسه بود که مجبور به کمک به مقاومت»
 « شدیم »

در اروپای شرقی، امریکائی‌ها مقاومت را قربانی طرحهای کلی بعد از جنگ نمودند که تا وقتی ناگهان، خطر آلمان بر طرف می‌گردد با استی از بروز موجیات یک جنگ سوم جهانی جلوه‌گیری شود. بهمین جهت بود که روزولت عمل مقاومت اروپای شرقی را بحال خود گذاشت و در نتیجه صرفنظر کردن از این مبارزات

پشت جبهه‌ها، عدم تمايل بدخالت در آنها بود که اروپای شرقی یکجا از آن روسیه شد . در (پوتسدام-۱) تو و هن صریحًا مسئله تجدید نظر در موافقت‌های قبلی رارد کرد، زیرا میخواست که از عقیده کلی خود عدول ننماید . پایان دادن به جنگ و مراجعت بوطن یک احساس غیر قابل مقاومت و شدید واحدهای نظامی بود و مجموعه اوضاع و احوال روانی تصمیم‌های سیاسی را تائید نمودند . همچنین بقول خود آمریکائی‌ها (بطور خلاصه-۲)، مسلم گردیده بود که آمریکائیها در زمان جنگ دارای سیاست خاصی درباره مقاومت نبوده‌اند . چنانکه هیچیک از کشورهای ضد کمو نیسم مسئله، اینکه آمریکائیها توسعه کمو نیسم را بطرف غرب تسهیل کردنده چندان مورد توجه و حمله تندرار نگرفت . وهیچیک از متفقین، بیغرضانه در حد بشردوستی خود کمکی به مقاومت نکردنده کشورهای گرسنه اروپائی آذوقه نرساندند .

در حالیکه ملت‌های آزاد شده جز حق‌شناسی که در اثر زایل شدن بعض و کینه‌ها بوجود آمده بود چیز دیگری بدانها ابراز نمیداشتند . آنها نازیسم را شکستداده بودند، ولی در طول این راه نسبت به مخالفین سر سخت‌تر آنجنان خشمگین شده و چه بسا اشخاص یارثیم‌های را مورد حمایت قرار داده بودند که عقاید سیاسی و اجتماعی آنان درباره طرفداری شان از آلمان مورد تردید بود .

- Potsdam - شهر قدیمی آلمان که از نظر تاریخی مانند روسای فرانسه است و در سال ۱۹۴۵ کنفرانسی بین تو و من چربل و استالین در آنجا تشکیل شد .

فصل سوم

مقاآمت مبارز آن مخفی در رژیم‌های دیکتاتوری مطلق

در رژیم‌های دیکتاتوری بود که روح میارزه مخفی برای اولین بار درست قبل از جنگ درم جهانی ظاهر گردید، سپس تغییر شکل یافت. سا بهقاً این مبارزه بشکل مقابله داخلی با سیستم سیاست‌خشن و مستبدانه بود، ولی بعداً تبدیل به مقاآمت و مخالفت با رژیم‌های تنگینی. گردید که در عین حال که خود را کشوری در حال جنگ قلمداد میکرند دادوست و همکار دشمنان وطن نیز بودند. وجود آن مقاآمت گفند گمان در ایالات موسولینی و دلالان هیتلری اذیک فاجعه در دنارک متاثر و منقلب بود، در روح آنها بین وطن پرستی وجود آن کشمکشی آغاز شده بود. درحالی که نسبت به کشور خود وفادار بودند اجباراً دست از اعتقادات خویش بر

میداشتند، شکل دشمن پخود میگرفتند و هر آن ممکن بود هم به خیانت گردند.

ایتالیای موسولینی

در این کشور که با بقدرت رسمیت فاشیسم همه چیز «» شروع شد، مخالفین فاشیسم در حالی که مجبور به سکوت و «» گوش نشینی گردیدند معهدادر شرایطی که امکان هیچ نوع مبارزه «» وجود نداشت در سالهای ۱۹۲۶-۱۹۴۱ در صدد طرح انتقام «» و رفتن بخارج از کشور برآمدند. کوشش آنها مصروف باشند «» میشد که با انتشار روزنامه‌های افکار عمومی اروپا را پخود چلب «» نمایند و بدین منظور در سال ۱۹۲۶ (مرکن ضد فاشیست‌ها) «» را در پاریس تشکیل دادند، در حالی کمونیست‌ها هم چندان روی «» روحی خوشی بدآنها نداشان ندادند. وسائل آنها ناچیز و طرز تقسیم «» شباهت آنها در عمق بود. طبقه روشنفکر این عده در بحث‌ها «» و مجادلات بیشتر ورزیده بودند تا در عملیات مبارزات مخفی، «» و دموکراسی غربی فقط وجود آنها را تحمل کرده بدون اینکه «» کمک زیاد یا پشتیبانی از آنها بنماید اجازه فعلیت میدادند، «» در حالی که در تمام یا بینخت‌های اروپا اوضاع بنفع موسولینی «» و امور بر وفق مراد وی میگردید. «» از ابتدای سال ۱۹۳۴ روسیه شوروی به نزدیک گردند «» ضد فاشیست‌ها، سوییا لیست‌ها، دموکرات‌های مسیحی و لیبرال‌ها (۲) «»

Concentrazione Antifascista - ۱

۲ - باید یادآوری کنیم که کمونیست‌های ایتالیا در مقابل کرملین تا حدی استقلال خود را حفظ نمودند. **Gransci** و **Bordiga** از لحاظ عدم اطاعت با هم رقابت میکردند. **Togliatti** مخالفت خود را با **Dimitrov** اعلام داشت و بالاخره سرنزنش‌های مسکو جدائی حزب **Tasca** و **Siloni** را تشدید نمود.

- «بیدیگر، بمنظور تشکیل (جهه‌های ملی) و پیشرفت کمونیست‌ها»
 «کملک مینمود . در سال ۱۹۳۵ یک کنگره ضد فاشیست در»
 «بروکسل تشکیل گردید، و رودمطبوعات خارجی مخصوصاً»
 «روزنامه کمونیستی (اوینیتا ۱) به ایتالیا ممنوع شده ولی از لای»
 «آستین‌ها و زیر لباسها توزیع میگردید .»
 «بازداشت‌های دسته جمعی که در سال ۱۹۳۴ و ۱۹۳۵»
 «وسیله پلیس فاشیست انجام گرفت ، و محاکمات ۱۹۳۱ و ۱۹۳۰»
 «همه حاکی از آن بودند که نفوذ مخالفین فاشیسم در میان»
 «کلیه کارگران و مجامع روش‌فکران زیاد است (۲) ولی مقابله»
 «شدید دولت در آن وقت این نفوذ را متوقف و بی اثر نمود ،»
 «بعلاوه هوقیقت‌های موسولینی در حبشه نیز باعث شده افکار»
 «عمومی در ایتالیا نسبت بمخالفت‌هایی که با فاشیست‌ها میشد تا»
 «حدی غیر قابل نفوذ گردد .»
 «جنگ داخلی اسپانیا این امکان را داد که مخالفین»
 «مهاجرت کرده ، مجتمع شده ، در عین حال بعملیات خودصورت»
 «بین‌المللی بدهند . اتحادیه توده‌ای مهاجرین که توافسته بود»
 «روزنامه مبارزی بنام (لاوسن دگلی ایتالیائی - ۳) منتشر نماید»
 «۵۰۰۰ نفر داوطلب جنگجو به اسپانیا فرستاده و یک سرشق»
 «و نمونه جالبی برای قیام بین‌المللی علیه رژیم‌های دیکتاتوری »

۱ - Unità اتحاد .

- ۲ - این نفوذ مخصوصاً در اثر نهضت (عدالت و آزادی) بوجود آمده بود که میخواست : سوسیالیست‌ها و لیبرال‌ها را متحد نماید و معتقد بود که فاشیسم مغلوب و نا بود نخواهد شد مگر با شورش و قیام .

« بدنیا نشان داد . داؤطلبان مزبور در حقیقت برای جنگ با « آن دسته از هموطنان خود که از طرف موسولینی بیاری فرانکو « اعزام شده بودند هدایت و رهیزی گردیدند . »

« قبول سیاست عدم مداخله از طرف دموکراسی غربی و »

« موققیت نهائی زنرال فرانکو، شکست بزرگی برای ضد فاشیست های »

« ایتالیا بود . بیمان روس و انگلیس و آلمان در سال ۱۹۳۹ مجدداً باعث جدا شدن کمونیست ها از سایر ضد فاشیست ها گردید »

« در حالی که حکومت های فرانسه و انگلیس از آماده شدن موسولینی »

« برای اینکه دوش بدوش آلمان وارد جنگ گردد سخت نگران »

« و نا راحت بودند . بالاخره وقتی که ایتالیا هم وارد جنگ شد، »

« شکست فرانسه و بدنیال آن احتمال شکست انگلیس دیگر کمترین »

« امیدی را برای ضد فاشیست ها باقی نگذارد، برای آنها بسی مشکل »

« بود تا علیه رژیمی که ظاهرآ فاتح و پیروز بنظر می رسد . »

« مبارزه نمایند ». »

« ولی باتمام اینها : دست از مبارزه و پیکار برنداشتند، »

« مهاجرین در کشورهایی که ساکن شده بودند به مقاومت های »

« ملی که تشکیل می شدمی بیوستند در حالی که هر گز ایجاد جنبش های نظر آنچه را که (سیلویو ترانتین - ۱) برای (آزاد و متحده کردن - ۲) در (تولوز - ۳) انجام داد . تحریک و ترغیب »

« نکردن ». »

« قطع رابطه روس و آلمان موجب شد که کمونیست ها دوباره »

« عقب گرد نموده اتحاد بین نهضت ها را بوجود آورند ». »

Sillvio Trentin - ۱

Libérer Fédérer - ۲

تیکی از شهرهای مهم جنوبی فرانسه . × Toulouse - ۳

در اروپا

۷۸

« (توگلیاتی-۱) ضمن سخنرانیهای پرشور خود در مسکو که « هفته سه بار ایراد میکرد لزوم همکاری و اقدام فوری دوش « بدوش متفقین را توصیه میکرد . (سفر زا-۲) مانیفست هشتگاهه « خود را که توسط کنگره ایتالیائی های آزاد قاره امریکا دراوت « ۱۹۴۲ در (مونتوبیدو-۳) تصویب شده بود ، در نیویورک چاپ « و منتشر نمود . در استان تولوز فرانسه یک کمیته (تمدن کز ضد) « فاشیست ها) تشکیل و کلیه کمونیست هارادر (تنی-۴) و (ساراگات-۵) « مجتمع و گردهم آورد . در امریکای لاتن و خاور میانه کمیته های « (ایتالیائی آزاد-۶) و در نیویورک انجمن (مازینی-۷) تشکیل « گردیدند .

« نظیر همین کارها از ماه دسامبر ۱۹۴۲ در ایتالیا « شمالي بوقوع پیوست . یک (جبهه ملی کار) تشکیل و توanst کلیه « کمونیست ها ، سوسیالیست ها و (حرب عمل را) را گرد هم آورد . « سپس روزنامه های مخفی چاپ و تعداد آنها بچندین برابر « رسید ، منجمله روزنامه کمونیستی (اوینیتا) (که در هر ۱۵ روز «

۱ - Togliatti رهبر حزب کمونیست ایتالیا . X

۲ - Sforza یکی از رهبران مقاومت ایتالیا . X

۳ - Montevideo پایخت جمهوری اروگه . X

۴ - Nenni .

۵ - Saragat .

۶ - Italia Libera .

۷ - Mazini - این انجمن بنام قهرمان مبارزه آزادی در

قرن ۱۹ تشکیل شد . X

۸ - Parti d'action نام جدید حزب (عدالت و آزادی) .

« چهار شماره و در ۳۰۰۰۰ نسخه چاپ میشد) و روزنامه « (ایتالیا لیبرالی-۱) واسته به (حزب کار) (که بطور ماهانه در ۲۰۰۰ نسخه چاپ میشد) و روزنامه های (ایل یوپولو-۲) « وابسته به حزب دموکرات مسیحی ، روزنامه (ریکوسترو زیون-۳) « و (رینور جیمنتو لیبرال-۴) ارگان حزب لیبرال و روزنامه « (ایتالیا دلی یوپولو-۵) ارگان حزت جمهوری خواه و روزنامه « (آوانسی-۶) ارگان حزب سوسیالیست (در ۲۰۰۰ نسخه) من تبا « چاپ و منتشر میگردیدند » .
 در اثر این تبلیغات بود که نتایج لازم ببار آمد، البته « احزاب سیاسی که بتوانند کادر مقاومت را تشکیل دهند جز « بطور محلی و مختص هنوزاییجاد نگردیده ، مقاصد و هدفهای « آنها بیشتر جنبه تئوری داشت . در پشت سر (بونومی-۷) « لیبرالها در پی ایجاد توافق با سلطنت طلبان ضدفاشیست بوده « کمونیست هم بنویه خود بدنیار تشکیل یک اتحادیه عظیم « بتکاپو افتاده ، در حالی که سوسیالیست ها و حزب کار همچنان « ضد سلطنت بودند .
 « بنا بر این باید توجه داشت که این مقاومت نبود که « اعتصاب کارگران را در ماه مارس ۱۹۴۳ در شهر دای (تورن-۸) .

· Italia libera - ۱

· Molt. Il popolo - ۲

Risorgimento liberale - ۳

Ricostruzione - ۴ تجدید ساختمان .

Italia del popolo - ۵ ملت ایتالی .

Avanti - ۶

Bonomi - ۷

Turin - ۸ از شهرهای ایتالیا . X

«و (میلان - ۱) و (ژن - ۲) سازمان داد بلکه اعتصابات مزبور»
 «معلول مشکلات اقتصادی و همجنین حاکی از ضعف و شکست»
 «رژیم فاشیست بود که بالاخره آنها را برای حرکت دادن آسیاب»
 « مقاومت برآمد نداشت .»
 « همچنین این مقاومت نبود که در ۲۵ زوئیه ۱۹۴۳ باعث»
 « سقوط موسولینی و ترک یاران وفادارش گردید بلکه این شاه »
 « ایتالیا بود که پس از آنکه از شر (دوجه - ۳) خلاصی یافت، دیگر»
 « کمترین حق‌شناسی را نسبت به نهضت‌های مقاومت رعایت نکرد،»
 « نهضت‌های مقاومتی که با تقسیم ایتالیا بدوقسمت جنوبی (فتح)»
 « شده توسط متفقین) و قسمت شمالی (در اشغال آلمانها) باعث»
 « از بین رفتن قاسیسم در جنوب ، و موجب تجدید حیات جمهوری»
 « (سالو - ۴) در شمارش شده بودند، بالاخره مجموعه این اوضاع بود که دیگر»
 « محیط انقلابی و آغاز جنگ داخلی را بوجود آورد .

با سقوط موسولینی مقاومت و مقابله مردم ایتالیا به‌منظور
 و هدف خود رسید ، ولی این پیروزی تازما نیکه ایتالیا بیک رژیم
 دموکراتی نرسید و آلمان نازی کاملاً شکست نخورد موقعی
 و ناپایدار بود. مسئله‌ای که برای مقاومت کنندگان و مخالفین
 اهمیت داشت عبارت از تحمیل خود بر حکومت ، و شناساندن
 خویش به متفقین و شرکت در جنگ عمومی بود . آنها بزودی
 به مقصود رسیدند و موقعیت آنان ثابت و روشن گردید . دیگر علیه
 رژیم قانونی کشور مبارزه نمیکردند بلکه علیه اشغالگران آلمانی

۱ - Milan - از شهرهای ایتالیا .

۲ - Gênes - از شهرهای ایتالیا .

۳ - Duce - لقبی که فاشیست‌ها به موسولینی داده بودند ×

Salo - ۴

وارد عمل شدند هنوز خطر بزرگ باقی بود و سیر تاریخ بنفع آنها میگشت. همبستگی بین آنها علی‌رغم جدائیهای گذشته و اختلافات متوالی، ثابت و پایدار گردید.

در ابتدا، کار آنها بس مشکل و سخت بود، حکومت مارشال (بادو گلیو - ۱) آنها را بر سمت نمی‌شناخت: رئیس ستاد ارتش او (روات - ۲) دستور داده بود که در صورت بروز تظاهرات بر روی آنها تیراندازی کنند، و ضد فاشیست هائی که ذنданی بودند همچنان در زندانها باقی ماندند. اما با اعضاء متارکه جنگ با متفقین، اختلاف و تفرقه در ارتش ایتالیا بروز کردا گرفقمنی اسلحه را بر زمین گذاشته یا اسیر گردیدند، قسمت دیگری هم از ارتش حتی در خود ایتالیا به جنگ ادامه دادند یا به مقاومت کنند گان، کشورهای دیگر پیوستند (۳). عزیمت شاهو (بادو گلیو) از رم در تاریخ ۸ سپتامبر ۱۹۴۳ میدان را برای مقاومت کنندگان باز گذاشت و پس از آنکه آلمان توسط متفقین اشغال شد مبارزات مخفی امکان آنرا بدست آورد که (کمیته آزادی ملی - ۴) را

۱ - مارشال ایتالیائی و رئیس حکومت Badoglio
موقتی پس از سقوط موسولینی. ×

۲ - Roatta

۳ - یکی از این واحدهای شگر کار بیانی بود که به پاریز آنها یو گسلاوی پیوست و در حنگهایی که دوش بدش ارتش ملی یو گوسلاوی کرد بیش از ۲۰۰۰۰ نفر کشته داد.

۴ - اعضاء این کمیته عبارت بودند از (س. کوکسیمارو) و (آمندولا) از حزب کمونیست - (ننی) و (رومیتا) از حزب سوسیالیست - (گراسیری) و (گرونچی) از حزب دموکرات همیشه حی

تحت ریاست (بونومی) تشکیل دهد.

سپس بعلت شرکت در حکومت بادو گلیو و بواسطه مسئله سلطنت این کمیته تقسیم گردید. در حالی که میباشستی نسبت به حکومت بادو گلیو، یعنی تنها رژیمی که توسط متفقین به وسمیت شناخته شده بود، روش خصوصت آمیز خود را تعدیل میکرد. بنابراین پیشنهاد کمونیست‌ها تصمیم گرفته شده مسئله تعیین تکلیف سلطنت موکول به خاتمه چنگ گردد، (تو گلیاتی) که تازه از مسکو مراجعت کرده بود حتی یک قدم جلوتر رفته، تصمیم گرفت طبق روش خاص کمونیست‌ها (بادو گلیو) رانگهداشت و سنایر احزاب نیز از آنها متابعت نمایند. بالاخره در آوریل ۱۹۴۴ اعضاء (کمیته آزادی ملی) در کابینه سوم (بادو گلیو) شرکت نمودند، بدین ترتیب مقاومت کنندگان با مخالفین دیر و ز خود همکاری میکردند و پیروزی آنها از لحاظ سیاسی، کامل نبود.

« چیزی که برای متفقین مطلوب و خوش آیند نبود تفوق »
 « و برتری احزاب چپ و ترس از بُنی نظمی‌های اجتماعی »
 « تولید زحمت و ذاراحتی در آینده بود، بعلاوه چرچیل »
 « حفظ حکومت سلطنتی را صریحاً تأیید کرده بود. متفقین میل »
 « نداشتند که واحدهای یاریزان قیافه و شکل ارتش ملی را »
 « بخود بگیرند، مذاکراتی که در آکتبر ۱۹۴۳ در ایتالیا وسیله »
 « (اف. پاری - ۱) و (لئو والیانی - ۲) با متفقین انجام شد »
 « و بعداً دنباله آن در سویس ادامه پیدا کرد و هنتهی بدان »

« شد که توافق هائی در مورد مسائل فنی ، تهییه اسلحه ،
 « اعزام به مأموریت و بالآخره داخل کردن عملیات پارتیزان »
 « در طرحهای متفقن حاصل گردد . هنوز سرشت سیاسی عملیات »
 « مقاومت رسم‌آشناخه نشده بود . »

هنوز تسلط و قدرت (کمیته آزادی رم) در شمال کشور
 بسط نیافرته بود که سازمان دیگری بنام کمیته (آزادی ملی
 ایتالیای شمالی) مرکب از همان احزاب ولی تحت نفوذ و تفوق
 کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها بوجود آمده بود . این (کمیتمانی
 ایتالیای شمالی) با تکیه به توده‌های کارگری شهرهای بزرگ
 صنعتی ، مبارزه‌بی‌رحمانه و فعالیت شدیدی را که از لحاظ سیاسی
 مشخص و مورد تأیید عموم بود بر علیه نئوфаشیست‌های جمهوری
 (سالو) هدایت و رهبری میکرد .

در حالیکه در جنوب ایتالیا واحدهای منظم ارتش با کادر
 افسری متفقین بر کلیه امور تسلط داشتند (۱) . ولی در شمال ، این
 پارتیزانها بودند که هنوز می‌جنگیدند یعنی در سازمانی بنام
 (سپاه داوطلبان نجات) تحت رهبری کمیته آزادی و بفرماندهی
 ژنرال (کادر رنا - ۲) و معاونین (اولونگو - ۳) و (پاری - ۴) به
 پیکار خود ادامه میدادند . در تمام استانها و شهرها و در کارخانه‌ها

۱ - این واحدها ابتدا طبق مواد مtar که ، عبارت از
 (سپاه آزادی ایتالیا) و تعداد آن نباشد بیش از ۱۴۰۰۰ نفر
 بود ولی در ماه اکتبر ۱۹۴۴ این ارتش به شش گروه رزمی هر یک
 من کب از ۹۰۰۰ نفر تبدیل گردید .

Cadorna - ۲

Longo - ۳

Parri - ۴

در اروپا

کمیته های آزادی بطور مخفی و با روح انقلابی بوجود آمد . هر قدر که خاک ایتالیا از وجود آلمانها پاک نمیشد جمهوریهای موقتی پاریز اینها در دره های کوهستانها بوجود نمی آمد ، اغلب این جمهوریها ، منتخب کمیته های آزادی بوده امور اداری آن تنظیم ، طرح های قانونی برای آینده تهیه ، و چه بسا تصمیم های فوری ، در باره تعییمات عمومی ، تثبیت قیمتها و مالیتها نیز اتخاذ میگردند .

مقاآفت شمال ایتالیا بطور کلی جمعی و همگانی بود . در شهرها مخصوصاً بشکل اعتصاب های پی در پی تجلی میگرد که مهمنترین آنها در نوامبر ۱۹۴۳ ، مارس ۱۹۴۴ ، و آوریل ۱۹۴۵ بصورت قیام مسلحانه و چنگ (پاریزانی) ظاهر شد . بطوریکه فقط در (پیمون - ۱) بیش از ۳۰۰۰۰ نفر نه تنها در خرابکاری ها و کمین کردنها شرکت نمودند بلکه با ایجاد فوری مواضع مستحکم ، قیام را بصورت چنگهای شدید منظم درآوردند . طبق یک مدرک رسمی انگلیسی ، در آوریل ۱۹۴۵ قریب ۹۰۰۰۰ نفر پاریزان در شمال (آپنین - ۱) وجود داشت .

« بنا به یک حکم نظامی که پس از پیاده شدن متفقین »
 « در اوائل تابستان ۱۹۴۴ در (پیمون - ۲) با خط (گوتیک - ۳) »
 « چاپ و منتشر شده بود ، پاریزانها را بحال خود رها کرده »

۱ - **Piémont** — قسمتی از ایتالیای شمالی واقع بین کوههای آلپ ، تیتن ، آپنین . X
 ۱ - **Apennine** — رشته کوههای آهکی ، خشک و جنگل زار در طول ایتالیا . X

Province - ۲

۳ - **Gothique** — سبک معماري و خط مخصوص قدیمی منسوب به نژاد قدیمی آلمان بنام گوت . X

جنبهشهاي مخففي

٧٥

« بودند و در اثر اين عمل بود که پارتيزانها تلفات زیادی «
دادند اما بالاخره موفق شدند خود را به متفقین بشناسانند ».»
« چنانکه طبق توافق كاملی که بین (پیزونی-۱) و (ف.ماری-۲) »
« از يكطرف و زنرال (ویلسن-۳) فرماندهی عالي متفقین در ».»
« تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۴۴ در رم بعمل آمد قرار شد کلیه اقدامات ».»
« حکومتی که قبل از اوروپ متفقین به منطقه اشغالی و به نمایندگی »
« حکومت (بو نومی-۴) بعمل آمد از طرفی متفقین بر سمیت شناخته ».»
« و مورد حق شناسی قرار گيرد .

« از آن پس واحدهای پارتيزان دوش بدoush ارتش متفقین ».»
« و تحت يك فرماندهی واحد؛ هر کب از نمایندگان سازمانهاي ».»
« احزاب مختلف جنگیدند .

« همین واحدهای پارتيزانی بودند که در جنگ هائی که ».»
« برای نجات شهرهای رن و فلورانس انجام گرفت شرکت کردند ».»
« مدافعين آلمانی را در (پادو-۵) و (بلونو-۶) اسیر نموده ».»
« با نیروهای داخلی فرانسه (F F I) در کوههای (آلپ) همکاری ».»
« و تلفات سنگینی را بدشمن وارد کردند، بطور يكه طبق يك گزارش ».»
« انگلیسي، بيش از ۰۰۰۰۰ کشته و مجروح و اسیر از دشمن ».»
« گرفتند .

Pizzoni - ۱

F. Parri - ۲

مارشال انگلیسي در جنگ دوم . X Wilson - ۳

Bonomi - ۴

- يكى از شهرهای ایتالیا در مغرب و نیز X Padoue - ۵

- يكى از شهرهای مستحکم ایتالیا . X Belluno - ۶

بدین ترتیب بود که نهضت مقاومت ایتالیا پس از سال‌ها خلع سلاح بودن و پس از بیست سال فعالیت در مبارزات مخفی برای اولین بار موفق شد ملت ایتالیا را دریک (رستاخیز نوین-۱) برانگیزاند و همین مقاومت بود که با فداکاری خود دموکراسی را در ایتالیا بوجود آورده، تمامیت سرزمین‌های کشور را حفظ و بالاخره روح و ذوق آزادی را به ملت ایتالیا بازگرداند.

۲ - مخالفت و مقابله در آلمان هیتلری

«سرشت و نوع مخالفت و مقابله و بسط این مقابله و عواقب آن در آلمان بعلت اینکه آنها اعمال خود را فقط بصورت ساده فاشیسم توجیه نمی‌کردند باساین جاهای تفاوت و تباين کلی» «داشت. زیرا با پیش‌گیری و ریشه کن کردن و حتیانه، هر نوع مقاومت و مخالفت را قبل از آنکه نطفه‌آن بسته شود متلاشی و نا بود می‌کردند. نازی‌ها برای مخالفین واقعی یا فرضی خود» «اردوگاه‌های اجباری بوجود آوردند. فقط از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۹ بیش از ۲۰۰۰۰ آلمانی را زندانی یا تبعید نمودند.» «از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ در حدود ۴۰۰۰۰ آلمانی اعدام شدند، مسلمان‌کلیه این قربانیان، مقاومت‌کننده حقیقی یا بالقوه» «نبودند ولی یک چنین کشتار و چنین رذیم فشار و وحشت مانع بزرگی برای هر نوع مقابله مثبت و عامل بود.. همچنین، وقتی» «که چنین فشار و کشتاری در تمام طبقات اجتماع اعمال گردد،» «دیگر مخالفین هر گز متحد نمی‌شوند. از طرف دیگر از خارج» «کشور هم هیچ‌گونه امید و انتظاری وجود نداشت»

متقین هم وجود آنها را حتی در آن روزیکه اعلام کردند با ملت آلمان سر جنگ ندارند «نادیده گرفتند ، وقتی» «که جنگ شروع شد بازهم مقابله و مخالفت آلمانی ها فقط نمایشی» «از سیاست داخلی بود که ممکن بود منتهی به همکاری با دشمن» «حتی در داخله بشود ، و در انتظار عمومی هر عملی بر ضد نازیها خطر» «تحریک جنگ داخلی را به نفع دشمن در برداشت . از طرف» «دیگر موقیت‌های سیاسی و نظامی بی درپی هیتلر ، با تمام قوا» «تصور هر نوع مقابله و مقاومت را از افکار عمومی زایل کرد».

باين دلائل بود که از سازمان ضدنازی آلمان فقط اسکلتی باقی ماند . غیر از چند شبکه اطلاعاتی و خرابکاری ، دیگر آلمانها نهاد کمک بوسیله چتر بازان ، نه تهیه و انبار کردن اسلحه ، و حتی از وجود گروههای رزمی دگان مخفی مانتد (فرانک تیرونها) و (ماکی‌ها) چیزی نمیدانستند و اطلاعی نداشتند ، مطبوعات نیز زمینی بسیار کم و ناقصین و در آنها اثری از جوش و خروش افکار مقاومت فرانسه یا روح انقلابی مقاومت مردم ایتالیا وجود نداشت.

مقاومت در آلمان فقط به تشکیل انجمن‌های مخفی و توطئه اکتفا می‌کرد . اعمال آنها فقط منحصر با جماعت تعداد محدودی همکار و هم‌فکر بود ، هدف اصلی آنان مخصوصاً از وقتیکه اعتقاد قطعی پیدا کردند که هیتلر ، آلمان را بسوی نابودی می‌برد ، شخصی و نجات آلمان ازدست او بود .

کمونیست‌ها و سوسیالیست‌های آلمان هم تمام هم خود را صرف آن می‌کردند تا به اشخاصی که تحت تعقیب پلیس هستند و به خانواده‌های بازداشتی‌ها کمک نمایند ، گاهی اعتصابهای کوچکی برای اندخته و خرابکاریهای پراکنده‌ای انجام میدادند

گروه (بوم - ۱) که یهودیها تشکیل داده بودند. نما یشگاه (بهشت شوروی) را که آلمانها ساخته بودند در سال ۱۹۴۲ آتش زدند، گروه (سا یفکو - ۲) که افراد آن فوق العاده جاه طلب بودند از همان آغاز عملیات کمونیست هادر صدد ایجاد یک سازمان بمنظور متحد کردن کارگران با هدف تشکیل یک حکومت دموکراتی موده ای بودند ، ولی سازمان آنها در سال ۱۹۶۴ وسیله نازیها تارومار گردید. گروه دیگری بنام (شولزه بویزن هارناک - ۳) موفق شد با سر ویس های مخصوص روسیه شوروی ارتباط برقرار کرده ، اسرار نظامی را در اختیار آنها بگذارد . این سازمان دارای چند ایستگاه فرستنده بود که بطور مخفی و نوبه ای مطالبی را به شش زبان پخش مینمود و هدف آن ' تحت تأثیر قرار دادن کارگران خارجی (دی این فرون - ۴) بود. اما (گشتاپو) توانست محل فرستنده ها و رمز آنها را کشف و ۱۱۸ نفر اعضاء شبکه مزبور را در تاپستان ۱۹۴۲ بازداشت نماید. (۵)

« از میان متفقین فقط روسیه شوروی بود که به این عده »

« از آلمانیهای مخالف توجه نمیکرد ، روسیه حتی اقدام به تشکیل »

« یک سازمان (کمونیست ملی) بطور آزمایشی از زندانیان »

« جنگی که در حین عملیات اسیر شده بودند ، نمود. »

Baum - ۱

Saefkov - ۲

Schulze Boysen, Harnak - ۳

Die inner fson - ۴

۵ - گشتاپو نام این شبکه را (Rotekapelle) یعنی ارکستر سرخ گذاشته بود .

«در تابستان ۱۹۴۳ روسها موفق شدند بوسيله عده‌ای « افسر و سرباز و مخصوصاً با کمک کمونیست‌هاى آلمانی که « بروسيه‌ها جرت کرده بودند مانند (وينر ، پيك والبر يخت - ۱) « سازمانی بنام (کميته ملي آلمان آزاد) را بوجود آورد ، اين « سازمان روزنامه‌ای هم بنام (فريتس دو چلندر - ۲) تهيه و بین « اسراء جنه‌گي پخش مينمود . و عين مطالب اين روزنامه و سيله « راديون هم برای خود آلمان پخش ميشد . سپس در هاه سپتمبر ۱۹۴۳ سازمان (اتحاديه افسران) بوسيله زنرال (فن‌سيده « ليتز - ۳) ايجاد گردید که افسران عالي رتبه نيروهای مسلح « آلمان را دعوت به سرنگون کردن هيئت‌الله نموده برای « فرماندهان واحده‌ای آلمانی نامه‌های خصوصی ارسال ميداشت ، « در تابستان ۱۹۴۴ مارشال (فون باولوس) به اين اتحاد به « ملحق گردید . ولی با تمام اين اقدامات فقط تعداً معبدودی از افراد « (ورماخت) فرار گردد و به آنها سلحق گردیدند . بهر حال « زنرهای آلمانی هزبور طبق تشکيلات کمونيستی بین واحده‌ای « خود تقسيم بندی حزبی بوجود آوردن . روسها هم نمی‌خواستند « که عمليات (کميته آلمان آزاد) را با اعزام کميسرهای « تشکيل عده‌های چريلک به داخل آلمان اشغالی بکشانند . در « فرانسه هم يك (کميته آلمان آزاد برای غرب) ايجاد گردید « که توانيست مهاجرین ، فرازيان و چند واحد رزمی را جمعی « آوري و هتشكل نماید (۴)

Ulbricht ، Piek ، Weinert - ۱
Freies Deutschland - ۲

Von Seydlitz - ۳

۴ - دوازده نفر از افراد اين سازمان در ارتش داخلی فرانسه بدرجات سرهنگ دومی و سرهنگی رسيدند

پس از آنکه کلیسای کاتولیک و پروستان معتقد شدند که میتوانند با مقاومت کنندگان آلمان در این فرصت مناسب یک همزیستی داشته باشند فوراً در راه مقابله با سیاست ضد مذهبی نازیسم باهم متحد گردیدند، اسقف‌ها هنگام موعظه در کلیساها منجمله (فن گالن-۱) در شهر (مونس-۲) علیه اقدامات تاثیر انگیز ضدیهود، به اعدام (افراد غیر مفید برای جامعه) بسختی حمله و قیام نمودند، و بهمین علت بود که در بازداشتگاه (داخائو-۳) در پایان سال ۱۹۴۴ چندین صد نفر کشیش و اسقف آلمانی و سیله متفقین مشاهده شد.

حتی در میان طبقه بورژواهای آلمان هم گروههای مخالفین کوچکی بوجود آمدند، عده‌ای از دانشجویان (رزسفید-۴) که توسط (هانس-۵) و (شو لوسوفی-۶) و شخصیت‌های مجمع (سولف-۷) رهبری میشدند تبلیغات وسیعی علیه نازیها راه انداخته، بالاخره هم ذندگی خود را در این راه از دست دادند. مجمع دیگری بنام (مجمع کریزو-۸) توانست اشرف، (ژزویت‌ها-۹)

Von Grلن - ۱

Munster - ۲ — مرکز استان وستفالی در آلمان. X

Dachau - ۳ — بازداشتگاه و کشتارگاه معروف آلمان

نازی . X

Rose Blanche - ۴

Hans - ۵

Scholl Sophie - ۶

Cerele Solf - ۷

Cercle Kreisau - ۸

Jésuite - ۹ — وابسته به دسته‌ای از مسیحیان X

و سوسیال دموکرات‌ها را با یک هدف مشترک: (آماده کردن میانی روحی یک آلمان نجات یافته از نازیسم) دور شخص کنست (هلموت فون مولتکه - ۱) گردآورد - مبارزه بعضی از فرماندهان نیروهای مسلح آلمان بر علیه هیتلر علامت و نشانه بسیار روشنی از مخالفت و مقابله آلمانها بود . در موارد زیادی عدم اطاعت و شورش در واحدهای نظامی دیده شد، بطور یکه بین سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۴ فریب ۱۰۰۰۰ نفر از افراد نظامی تیرباران شدند . استاد ارشد آلمان هم داشت از اشتباہ بیرون می‌آمد، افسران پیش خود می‌گفتند، وقتی که ارتش به پیشرفت هیتلر و حزب او کمک نکرده پس از ابتدا اوراق بولند را داشته است ! بهر حال طرحهای افراطی و بی‌معنی هیتلر هم‌را بستوه آورده بود .

با آن سهولت و آسانی که هیتلر اولین موقیت‌های خود را بدست آورد دیگر هر نوع پیش‌بینی بدینانه مردود بود . ژنرالهای آلمانی هم در یک حالت‌بی ارادگی محض قرار گرفته بودند زیرا که کمترین سوء‌عظق گشتاب پو کافی بود که ژنرال مورد نظر گاهی پیش ان موقع بازنشسته و اغلب اوقات بازداشت گردد .

رفتار خشونت‌آمیز نازیها در روسیه اشغالی و جنگ از جار شدید افسران شد، و اینطور با آنها فهمانده شد که وظیفه آنها فقط محدود به اطاعت از اوامر نظامی است و بس .

بعضی از آنها تصمیم به کشتن هیتلر گرفتند و پس از چندین دفعه ناکامی بالآخر سرهنگ (فوق اشتوفن بر گ - ۲) موفق شدیک

| بمب در سالن ستاد صحرائی (چوبی) قرار گاه کل هیتلر در پروس شرقی
قبل از آنکه پیشوای سخنرانی نماید (در ۳۰ زوئیه ۱۹۴۴) قرار دهد.
پس از انفجار بمب هیتلر فقط مجروح گردید ولی شدیداً مضطرب
و دچار هیجان‌های روحی سخت شد.

« هم پیمانهای این توطنه طرح خود را با نهایت دقیقت بهیه »
« کرده بودند ، زنرال (بک-۱) با همکاری شخصیت‌های غیر نظامی »
« که دور شهر دار قدیم (لیپنیزیک) بنام (گوودلر-۲) جمع «
« و یک حکومت موقتی تشکیل داده بودند ، طرح خود را بهیه »
« نموده بودند. طبق طرح مزبور بنام (طرح والیکری-۳) پیش‌بینی شده »
« بود که بلا فاصله پس از کشته شدن هیتلر رهبران حزب و رؤسای »
« پلیس بازداشت ، واحدهای (اس.اس) خلع سلاح و استگاههای »
« رادیو اشغال گردد . وقتی که ساعت موعد فرا رسید هم پیمانهای »
« بتصور اینکه هیتلر کشته شده است (۴) قرار گاه هیئت وزراء را »
« بوسیله عده‌هایی که در اختیار داشتبند محاصره نمودند، سپس «
« اوامر لازم توسط مارشال فن (وتیز لبن-۵) که بفرماندهی کل »
« نیروهای دفاعی تعیین شده بود بواسطه‌هایی که در خارج از »

Beck - ۱

Goerdeler - ۲

Walkyrie - ۳ بنام یکی از خدایان افسانه و قهرمانی

اسکاندیناوی X

۴ - سالن مخصوص کنفرانس که از چوب ساخته شده بود بکلی خراب شد ولی چون ساختمان آن سبلک و پنجره‌ها باز بود ، بعلاوه میز سنگینی از چوب بلوط که بمب زیر آن کار گذاشته بود ، باعث شدند که آثار انفجار تقلیل یابد .

Witzleben - ۵

جنبشهای مخفی

۸۳

« برلن بودند صادر گردید - اما سرگرد (Remer - ۱) که مأمور توقیف»
 « (گوبلن - ۲) بود با صحته غیر عادی مواجه شد بظوریکه گوبلن اورا»
 « راضی گرد که قبل از بازداشت یک تماس تلفنی با قرارگاه کل»
 « هیتلر بگیرد ۰۰۰ از آنطرف سیم صدای خود پیشوا بود که»
 « دستورات خفه کردن شورش و عصیان را اعلام مینمود .»
 « در وزارت جنگ ، هم پیمانها با تلفن می شنیدند که »
 « مارشال (کایتل - ۳) چگونه دستور بازداشت ژنرالها را صادر »
 « میکرد ، ژنرالهای را که حساب میکردند و امیدوار بودند »
 « قریباً اروپا را نجات خواهند داد ! در حدود ساعت ۲۳ افسران »
 « وفادار به هیتلر پس از تیں باران کردن دسته اول ، اقدام به »
 « توقیف دسته دیگر منجمله ژنرال (Förm - ۴) نمودند که او هم »
 « با تهام شرکت در توطعه یا لا اقل اتخاذ روش بی طرفی لعظه ای »
 « بعد تیں باران شد .»
 « در خارج از برلن ، در شهرهای وین ، پراک ، مونیخ »
 « و فرانکفورت وضع فوق العاده اعلام گردید . ولی در پاریس این »
 « قیام و عصیان وسعت بیشتری یافت ، افسران هم پیمان تحت »
 « رهبری ژنرال (اشتویناگل - ۵) به سر بازخانه (Ans. Ans) و »
 « ادارات مخصوص حزب حمله کرده رئیس آنها را توقیف و »
 « در حدود هزار نفر از فرادآنها را زندانی کردند : امامارشال »

Remer - ۱

Goebbels - ۲ رئیس تبلیغات معروف آلمان هیتلری ×

Keitel - ۳ مارشال رئیس ستاد کل نیروهای مسلح آلمان

و یکی از امضاء کنندگان تسليم آلمان ×

Fomme - ۴

Stüpnagel - ۵

«(فن کلوک-۱) که فرماندهی جبهه غرب بعدها او بود پیشنهاد هم پیمانها»
 «رادرمورد هدایت عملیات رد کرده بود زیرا طبق استدلال خاص»
 «خود مخالف درخواست متار که جنگ با متفقین بود . بهر حال»
 «خبر و دستورات صادره از برلن اوضاع پاریس را هم بحال»
 «عادی بر گرداند (۲) »

از سحر گاه روز ۲۱ژوئیه ۱۹۴۴ قلع و قمع و فشار و حشیانه شروع شد ، کمیسیون مخصوصی برای بازجوئی با ۴۰۰ نفر عضو ، هزاران نفر را بازداشت و بدادگاه ملی تحت ریاست (فریسلر-۳) اعزام داشت . محکومین به مرگ دو ساعت پس از اعلام ادعای نامه و محاکمه بدار آویخته شدند ، از جریان اعدام آنان فیلم برداری شد . حتی تا آخرین روز جنگ (اس.اس) ها زندانیان را از زندانها بیرون کشیده و اعدام میکردند چنانکه در شب ۸ به ۹ آوریل ۱۹۴۵ در یاداردن (کاناریس-۴) فرمانده سابق سرویسهای مخصوص نیروهای آلمان در بازداشتگاه کار اجباری (فلوسن بر گ-۵) اعدام گردید . در شب ورود ارتش روسیه به برلن یعنی ۲۳ آوریل ۱۹۴۵ هنوز این اعدامها در زندانهای (لهرتر شتراسه-۶) ادامه داشت .

Von Kluge - ۱

۲ - فن گلوگ پس از صدور این اوامر و اخبار خود کشی کرد .

Freisler .. ۳**Canaris - ۴****Flossendurg - ۵****Lehrterstrasse - ۶**

شکست آلمان نازی کلی و همه جانبه بود ، اما مقابله و مقاومت آلمانها سر و صداو انعکاسی نداشت ، کمکی هم از طرف متفقین بانها نشد ، مدت جنگ راهم کوتاه نکرد ، فقط شاید بتوان گفت مقدار زیادی از نیروها و تلاش‌های را که ممکن بود در جای دیگر بکار برده شود ، متوجه خود ساخت . تنها نتیجه نامطلوب آن عبارت از این بود که به هیتلر امکان داد تا با قیمانده طبقه افسران نامدار پروسی را منهدم نماید .

سرشت و خاصیت مقابله و مخالفت در آلمان حتی قبل از

آنکه در اروپا وجود انها را از خطر نازی بیدار کند ، پرمعنی تر و اندوه‌بارتر از آن بود که در اردوگاههای اجباری دیده شد ، همچنین از نظر اخلاقی ، همین مخالفت کنندگان آلمانی بودند که جنایات نازی‌ها را باز خرید کرده و کفاره آنرا پرداختند ، و هم آنها بودند که اعتقاد خود را به اخلاق و عدالت به کشورهایی که مقهور زورو ستمگری می‌شدند ثابت کرده ، توانستند به سهم خود مقاومت را بیاموزند و بحرکت در آورند .

فصل چهارم

جنیش‌های مخفی در اروپای غربی

« مقاومت در تمام کشورهای اشغال شده مانند یک وظیفه»
« قطعی و مسلم ظاهر نمیشد، کسانی که از نازی‌ها سود میبرندن»
« تنها مذاحان متعصب آنان و حاده جویانی که مهیای غارت»
« یغماهائی که فاتحین با آنها میدادند، نبودند... بلکه سوداگران»
« سیاسی زیادی‌هم وجود داشتند که مانند (لاؤال-۱) مجدوب»
« پیروزی آلمانها شده تصور میکردند با همکاری آنها شانس آنرا»
« خواهند داشت که در اروپای آینده برای کشور وهم خودشان موقعیت»
« مناسبی پدست آورند»

۱ - Laval - معاون رئیس جمهور و بعداً رئیس حکومت
و بشی در زمان اشغال - پس از جنک، بعلت همکاری با آلمانها
تین باران گردید X

« رژیم تازی برای رده‌های کاندید رهبری کشورهای آشغال»

« شده و اقمار آلمان مانند دافعی تجلی میکرد که هر چند برای « آنها چندان مطلوب نبود ولی قبول آن با یادداشت برایشان بهتر » بود، تا آن نظم اجتماعی نازی که علیه نیروهای تخریبی ». « و با شکل ضبط کمو نیستی آن ، که یوسیله (سازمان تبلیغاتی -۱) آلمان و بامهارت هدایت میشد، بازور و جبر بر آنان تحمیل گردد ». « بخصوص که اولین جنبش‌های مقاومت هم در اثر پیهان روس » و آلمان نتوانسته بود وضع مناسبی برای خود بوجود آورد ». « نزدیک بودن انگلستان امکان ایجاد گروههای کوچک ». « با تعداد کمی از افراد را فقط برای کسب اطلاعات دقیق و یا » « خرابکاری در اروپای غربی تبیه مینمود . جنگ روانی » « در مقابل اثرات تبلیغات دشمن توسعه زیادی پیدا کرد ». « مطبوعات مخفی در صدها هزار نسخه چاپ و توزیع میشد . » « در تمام اروپای غربی هر تبا طرهای انواع بیکارها که همه قابل ». « اجرای فوری نبودند تهیه میشد، مقاومت‌های ملی بسوی ترور ». « و سوء قصد گرایشی کامل داشتند ».

« این حالت روانی و طرز رفتار از اول سال ۱۹۴۳ ». « تغییر کرد . مشکلات زندگی روزانه ، خرابی‌ها و قحطی باعث ». « شدند که آن درخشندگی و جلای تمدن از نظرها محظوظ شده و ». زندگی حالت بیتفاوتی را بخود بگیرد . ادامه حیات برای ». « همه سخت شده و همه را بسوی یک نوع پیکار ، مثلاً جنگ ». « پارهیز ای (ماکی‌ها) هدایت میکرد . بیکاری که در آن ملاکین ». « و کارگران فرانسوی، هلندی، و بلژیکی هیچگونه امتیازی بر ». « هم نداشته همه در یک راه و بیک وضع بودند . »

« عامل اصلی این تغییر حالت رفتار دشمن بود ، زینا »
 « هم او بود که با : تبعید دسته جمعی یهودیان ، توقيف مردم »
 « اعدام گروگانها و تأسیس اداره کار اجباری برای آلمان »
 « اکثریت افکار عمومی را علیه خود بن انگیخته و نام طبقات »
 « اجتماع را در معرض تهدید قرار داد . و این دشمنی بود که »
 « وقتی حس میکرد دارد از زین میورده همه چیز را نابود و »
 « منهدم میکرد ... مانند آنچه که در (اورادور - ۱) و یا قبل از »
 « مشرق (ویستول - ۲) انجام داده بود . »
 « پیاده شدن متعقین کار را یکسره کرد ، از لحظه ای که »
 « جنگ در غرب آغاز شد در شرق هم وضع بهمان صورتی بود که »
 « از سال ۱۹۴۱ دیده شد : زینا این همه مردم کشورها بودند که »
 « پیکار میکردند ، ولی سرعت پیشوی متفرقین و وضع جغرافیائی »
 « کشورها باعث شد که شکت و احدهای مقاومت در نجات و آزاد »
 « کردن کشورها نشان محدود تر گردد . »

اکنون این مقاومت های ملی را بترتیب تاریخی که اشغال
 دشمن باعث ظهور آنها گردید شروع به بررسی میکنیم :

۹ - در دانمارک

« در اوائل سال ۱۹۴۰ ارتش آلمان دانمارک را تصرف و اشغال »

- ۱ - Oradour - منطقه وین علیا که ۱۷۰۰ نفر سکنه آن در تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۴۴ وسیله آلمانها قتل عام شدند ×
- ۱ - Vistule - یکی از رودخانه های لهستان که آلمان نهادر آنجا نیز هر تکب جنایات غیر انسانی شدند ×

« نمود ، حکومت دانمارک با توجه باینکه دیگر هیچ-گونه « مبارزه‌ای امکان ندارد ناچاریک موافقت نامه‌دوجانبه باشغالگر » امضاء کرد که طبق آن کلیه پایگاهها و راه‌آهن‌ها در کنترل « کامل دشمن بوده در عوض آلمان تعهد مبنی‌مودکه در امور » داخلی آن کشور مداخله ننماید . بنا براین دانمارک هرگز با « آلمان در حالت جنگ نبود و حکومت آزادی‌هم بنام دانمارک » در خارج از کشور تأسیس نگشت . کشور دانمارک بکمتر از « سایر کشورهای اروپا از اشغال آلمان خسارت دید . ولی با » وجود این تعداد کسانی که با آلمان همکاری میکردند بسیار « ناچیز بودند ، حتی حکومت قانونی کشور ضد نازی بود و » این حکومت میکوشید تا حقی الامکان از رنج و ناراحتی‌های « مردم بکاهد . »

« در خارج از کشور سفیر دانمارک در امریکا بنام » (کو فمان-۱) در مورد پایگاههای (گروئنلند ۳) موافقت نامه‌ای « با آمریکا امضاء نمود که این عمل مبتنای نهضتی برای « دانمارک آزاد گردید ، و در نتیجه ۵۰۰ ملیون که دوسوم آن جزو « ناوگان تجاری دانمارک کار میکردند به متفقین پیوستند . » « مخالفت مردم دانمارک ابتدا بصورت دفاع از اصول » « دموکراسی در مقابل تبلیغات نازی‌ها تجلی کرد . حزب » « نازی دانمارک هرگز نتوانست بیش از یک نماینده از ۱۵۰ « نماینده به مجلس بفرستد . و هنگامی که در سال ۱۹۴۳ « آلمان اشغالگر اجازه انتخابات عمومی را داد ۹۷ درصد آراء » « بنفع دموکراسی بود . »

با این وصف از ابتدای سال ۱۹۴۱ یک قسمت از افکار عمومی معتقد بود که جای دانمارک در کنار متفقین است و با این حساب شروع به مبارزه با حکومت نمودند که البته این مبارزه و مخالفت در مورد مسائل اصولی نبوده بلکه با طرز عمل و تاکنیک دولت مخالفت میکردند. از همان ابتدای سال ۱۹۴۱ انتشار روزنامه‌های زیر زمینی آغاز گردید، این روزنامه‌ها در همه‌جا حتی در سازمانهای دولتی بچاپ میرسید، بدین ترتیب که در مارس ۱۹۴۳ در ۸۰ برگ توزیع و گاهی هم فروخته میشد و در مارس ۱۹۴۵ تعداد این روزنامه‌ها ۵۰۰۰ و تحت ۲۶۵ عنوان منتشر میگردید، بطودیکه مهمترین این روزنامه‌ها تقریباً بطور مداوم در تمام این مدت در ۱۵۰۰۰ نسخه جاپ و پخش میگردید. یک آژانس مطبوعاتی مخصوص‌هم ایجاد کرده بودند که بوسیله خط‌تلگرافی سری با استکهلم مربوط بود. این آژانس موفق شد یک دفتر در استکهلم تأسیس نماید که در شدت و بحران اعتصاب عمومی کپنهایک، کلیه اخبار مربوط به دانمارک را فردای آن‌روز در روزنامه‌های امریکائی منتشر میکردند. فعالیت و تلاش کلیه این مطبوعات محدود به کسب و انتشار اخبار و مبارزه با تبلیغات دشمن بود و هیچگونه رنگ سیاسی نداشتند.

معهد اناهضت مقاومت دانمارک نمیتوانست بدون کمک متفقین دوام پیدا کند بنابر این در اوایل سال ۱۹۴۱ اولین تماس بارئسای سازمان (SOE) در استکهلم حاصل گردید. سازمان مقاومت در ابتدای کار، اخباری را که افسران دانمارکی در اختیار آنها میگذاشتند به انگلستان میفرستاد و سپس بتدریج توانست در بین طبقات مختلف مردم صدها مأمور در اختیار

بگیرد . کلیه پیامها بوسیله فرستنده‌های مخفی مخابر میگردید
 (۱) گزارش‌های پستی از طریق سوئی فرستاده میشد . ازاول سال ۱۹۴۳ هر روز یک نفر پیک در حالی که ۲۵ تا ۳۰ صفحه پیام بهمراه داشت بقصد لندن عزیمت میکرد . در اثر دریافت همین اطلاعات بود که انگلیس‌ها توانستند کارخانه‌ها و ساختمانهای را که گشتاپو اشغال کرده بود مانند دانشگاه (آرهوس - ۲) و زاختمان شل - ۳) در کپنهاگ را بمباران نمایند . همچنین یک افسر دانمارکی توانست از یک بمب پرنده (۷ - ۱) که از (پی‌دن اونده - ۴) پرتاب و در یک جزیره دانمارکی افتاده بود عکس برداری نماید .

« از ماه فوریه ۱۹۴۱ در اداره SOE یک شعبه دانمارک »
 « تأسیس گردید ولی استخدام افراد مناسب بعلت نبودن افراد »
 « دانمارکی و یا مأمورین خود متفقین که آشنائی کامل به »
 « دانمارک و مردم آنچه اشته باشند دچار اشکال گردید . در سال ۱۹۴۳ او لین افراد مأمور بوسیله چتر در دانمارک فرود آمدندو »
 « جمعاً در تمام مدت اشغال ۵ مأمور با وسائل کافی بوسیله چتر »
 « بدانمارک فروریخته شدند ، در نتیجه وظیفه رهبری SOE »
 « کلی و بلا منازع بود . فرامین و دستورات را صادر ، ارتباط »

۱ - مخابرات بوسیله فرستنده‌های سبک و قابل اختفایی که در خود کشور ساخته میشد انجام میگردید و این دستگاه‌ها بمراتب خوش دست تر از انواعی بود که سازمان SOE در اوائل برای آنها میفرستاد .

Aarhus - ۲

Shell Building - ۳

Peenenunde - ۴

- « با خارج از کشور را منحصر بخود نموده بود، رئیس S.O.E،
- « شعبه دانمارک، مستقیماً با ادارت و رؤسای احزاب ارتباط داشته بیشتر نقش سیاسی ایفا میکرد تا نقش های نظامی.
- « در سال ۱۹۴۲ جمعاً ۱۲۲ خرابکاری اجرا شد. تعداد این « خرابکاری ها در سال ۱۹۴۳ به ۹۶۹ و در سال ۱۹۴۴ به ۸۶۲ رسید و بالآخر فقط در چهار ماهه اول سال ۱۹۴۵ تعداد « ۸۶۷ خرابکاری انجام شد.

یک سیستم ارتباط منظم و عالی بوسیله کشتیهای (گروه گوتنبرگ-۱) بین دانمارک و سوئد بوجود آمده بود، فعالیت این دستگاه مخصوصاً در سال ۱۹۴۳ هنگامیکه آلمانها تصمیم گرفتند یهودی هارا توقيف و تبعید نمایند فوق العاده مفید و مؤثر واقع شد. آنها توانستند ۷۰۰ نفر یهودی را از راه دریا نجات دهند و آلمانها موفق شدند فقط ۵۷۰ نفر یهودی را به (ترزین-ستاد-۲) تبعید کنند که ۵۰ نفر آنها مردند. همین روش نیز بوسیله کشتی های دانمارکی برای ۱۸۰۰۰ نفر از مردمی که مایل بودند وانمارک را ترک نمایند معمول گردید (۳).

حکومت دانمارک در مقابل توقعات روز افزون آلمانها از ماه اوت ۱۹۴۳ تصمیم به اتخاذ طریقه خاصی گرفت که در نتیجه آن مقاومت صورت فانوی پیدا کرده مورد تأیید دولت

Groupe de Gothenburg - ۱

Theresienstadt - ۲

۳ - قدرت پذیرش سوئد آنقدر وسیع بود که میتوانست یک نیروی نظامی ۵۰۰۰ نفری را آموزش داده، مسلح نموده و با دانمارک شروع به جنگ با نماید.

قرار گرفت.

با وجود اینها حکومت آزادی بنام دانمارک در لندن تشکیل نشد ولی جنبش‌های مخفی اقدام به تأسیس یک (شورای دانمارک آزاد) نمودند که دارای پنج عضو و ریاست آن بامسؤول SOE دانمارکی بود. این شورا عملیات مقاومت راهنم‌آهنگ و هدفها و مقاصد آنها را مشخص مینمود و لی از طرف متفقین به رسمیت شناخته نشد، فقط روسیه شوروی اولین گشوری بود که از اول آوریل ۱۹۴۵ نماینده این شورا را پذیرفته و با او مانتد یک سفیر رفتار نمود، اما بعلت رفتار ضدروسی که کشور مزبور هنگام قطع رابطه روس و آلمان نموده بود از اینکه دانمارک را مثل یکی از کشورهای متفق پذیرد، خودداری نمود. بطور خلاصه، بالاخره شورای مزبور مانتد یک حکومت (دفاکتو - ۱) مورد قبول واقع و پادشاه دانمارک، دولتی تشکیل داد که نیمی از اعضاء آن از مقاومت کنندگان و نیمیگر از دهبران سیاسی بودند.

یکی از وقایع غم‌انگیز مقاومت دانمارک اعتصاب عمومی بود که در سال ۱۹۴۴ بعد از عید (سن ژان - ۲) در کپنه‌اک شد. آلمانها آنرا منع کردند ولی علی رغم آنها مراسم مزبور با تشریفات اجرا شد. در نتیجه وسایل عبور مرور متوقف، آب و گاز و برق و تلفن‌ها از کاز افتاد و جنگهای خیابانی شروع

۱ - De Facto - اصطلاحی است که در مقابل **De Jure**

بکار می‌برند و معنی (واقعیت موجود) برای شناسائی یک حق یا یک حکومت است X

۲ - Saint Jean - یکی از اعیاد مسیحی X

شد. تا اینکه مقاومت در ۳ ژوئیه برای جلوگیری از کشtar عمومی دستور داد که همه به سر کارهای خود بروند. بالاخره در تابستان ۱۹۴۴ یک ارتضی سری مركب از دهها هزار نفر مجهز به اسلحه انگلیسی و سوئدی آماده گردید، وظیفه و نقش اوعیارات از این بود که مانع از اجرای تخریب‌هائی که المانها دستور میدادند بشوند. این ارتضی آماده بود تا وارد عمل شود و در اول آوریل ۱۹۴۵ اعتصاب راهنمایان دریائی بیان شد که صدها کشتی آلمانی بلا استفاده واژکار بیفتند ولی نیروهای آلمان بدون اینکه بجنگ توسل جسته و اسلحه بکار ببرند در چهار ماه مدت اعتصاب کنندگان را وادار به تسليم کردند.

۳ - در نروژ

« قبل از آنکه نروژ وسیله آلمان‌ها اشغال گردد . »
 « انگلیس‌ها در قونسولگری‌های خود یک (شعبه ناوی بریتانی) »
 « تشکیل داده بودند که مأموریت آنها طرح رسی و بررسی »
 « و تهییه پرونده‌هائی در باره‌امکان پیاده شدن در نروژ، خطوط »
 « ارتباطی، منابع و وضع روحی مردم نروژ بود. پس از اشغال »
 « نروژ وسیله نیروهای آلمان (ورماخت)، افسران انگلیسی »
 « توانستند خود را به انگلستان برسانند »
 « آشنا بودن این افسران به کشور مزبور و تماسه‌هائی که »
 « با اشخاص داشتند باعث شده خود آنها متخصص مسائل نروژ »
 « شناخته شده مأمور تشکیل هسته اصلی شعبه نروژ در اداره »
 « S O E بشوند . »

جنپشهای مخفی

۹۵

« با ورود از آلمان، (هاکن-۱) پادشاه نروژ، گماردن»
 « (کیسلینک-۲) را در رأس حکومت رد کرد و به لندن عزیمت»
 « نمود. بدنبال او قسمت مهمی از بحریه تجاری آن کشور را»
 « انگلیس را در بیش گرفت که سهم عمده‌ای را در جنگ کازوانهای»
 « تجاری بعده داشت. در نروژ اکثریت مردم از (کسلینک)»
 « روگردانند و مقاومت در ابتدای امر با یک حالت و موقعیت»
 « دسته جمعی تجلی کرد. مثلاً اکثر اشخاص معروف از»
 « ملحق شدن به سازمان حزب نازی که حکومت تاسیس کرده بود»
 « خود داری و سرشق قرار گرفته، و همانطور هم جمعیت‌های»
 « جوانان و ورزشکاران و واحدهای نظامی قدیمی همه تبدیل به»
 « مرآکن‌آرام و ساکت مخلقت با آلمان گردیدند. »

در نروژ ابتکار مجتمع نمودن افراد باحسن نیت که
 پخش و متفرق بودند ابتدا اذارتش سرچشمه گرفت، ژنرال (روگ-۳)
 فرمانده کل ارتش در آخر سال ۱۹۴۱ سازمان نظامی (میلو-ک-۴)
 را تأسیس و شروع به جمع‌آوری داوطلب نمود، این داوطلبان ابتدا
 مسلح نبوده و سازمان آنها به پنج منطقه در داخل کشور تقسیم می‌شد.
 البته باید توجه داشت که تشکیل این سازمان و بسیج آن مجرما نه

۱ - Haakon نام سلطین نروژ

۲ - سیاستمدار نروژی که برای اشغال کشور Quisling خود با آلمانها همکاری کرد و رئیس حکومت شد پس از پایان جنگ در اسلو اعدام گردید - نام کسلینک بطور استعاره برای کسانی که علیه کشور خود با دشمن می‌ساختند بکار میرفت ×

Ruge - ۳

Miloig - ۴

و توأم با یک سرویس اطلاعاتی بود.

« اولین عملیات خرابکاری با کمک گروهی از نروژی‌ها که « خود را به انگلستان رسانده بودند توسط سازمان SOE تن‌تیب » داده شد . شن فرونده کشته ماهیگیری مامور ایجاد ارتباط » « دائمی بین جزایر (شتلند-۳) و جزایر نروژ گردیدند . این » « سرویس بواسطه نظام و تربیت فوق العاده ای که داشت معروف » « به (اتوبوس رانی شتلند-۱) گردید . این سرویس توسط افسران » « بریتانیا هربری میشد ولی خدمه و سرهنگینان آنها همه نروژی » « بودند که شخصاً و مستقل از عملیات را در دست داشته و خاضر نشده » « بودند در یک واحد منظم نروژی یا انگلیسی نام‌نویسی نمایند . » « از ماه ژوئن ۱۹۴۰ دوازده نفر نروژی برای قطع راه آهن و » « منطقه پل‌های منطقه (برلن) به نروژ اعزام شدند ... » « و بدنبال آن این نوع اعمال ضربتی رو بتزاید گذارد ، چنان‌که در ماه مارس ۱۹۴۱ در جزایر (لوفوتن-۳) یک سری از این « اعمال منتهی به موفقیت بزرگی گردید ، ظرفیت ۱۹۰۰۰ تن کشته » « غرق ۱۸ کارخانه روغن ماهیگیری منهدم و ۲۱۳ نفر آلمانی » « با ۱۲ نفر همکاران نروژی آنها اسیر شدند . »

هیتلر که ترس و وحشت پیاده شدن مقننه در نروژ اورا به ستوه آورده بود در سال ۱۹۴۲ ناچار ۱۵۰۰۰۰ نفر سر باز به کشور مزبور فرستاد . مقاومت نروژ بواسطه اعمال متهورانه

۱ - مجمعالجزایر واقع در شمال انگلستان Shetland
Shetland Bus - ۱

۲ - بندر مهمن نروژ در کنار دریای اتلانتیک Bergen

۳ - مجمعالجزایر واقع در شمال نروژ Lofoten

آنها متحمل تلفات زیادی گردید، بطوریکه در ۲۳ فوریه ۱۹۴۲ یکی از کشتیهایی که در سال عزیمت بانگلستان بود با ۲۳ نفر سرنشین غافلگیر و ۲۰ نفر دیگر بدنبال آن در محل توقیف وهمه آنها تیرباران شدند. در جای دیگری بدنبال بازداشت یک دسته مأمورین مشترک انگلیس و نروژی، در آوریل ۱۹۴۲ آلمانها ۳۰ خانه را در (تلاواگ ۱- آتش‌زده، ۷۶ نفر را تبعید و ۲۶۰ نفر را زندانی نمودند. در اثر اقرازهایی که عده‌ای از بازداشت شدگان نمودند، گشتاپو سازمان نظامی (میلورک) را متلاشی و ۵۰ نفر اعضاء آنرا در دسامبر ۱۹۴۲ تیرباران کرد.

« بنا بر این از اول سال ۱۹۴۳ بین SOE و سازمان »
 « (میلورک) توافق حاصل، تصمیم گرفته شده از آن پس »
 « اقدام به عملیاتی بنمایند که خطرهای بزرگی را در بر نداشته »
 « و فقط در موسساتی که برای محصولات جنگی آلمان کار »
 « میکنند خرابکاری نمایند. یکی از این خرابکاریها که خیلی مهم »
 « و پر سر و صدا بود به (نبرد آبسنگین-۲) معروف گردید »
 « در این خرابکاری برای جلوگیری از مسابقه‌ای که بین آلمان که »
 « و متفقین برای ساختن بمبا تمی بکارهای فت، اقدامات آلمانها که »
 « میخواستند روشن استفاده از آبسنگین را برای تهیه بمبا تمی بکار بردند »

Tclavaag - ۱

۲ - آب سنگین با فرمول ۲۰D ترکیب دو تریوم (یکی از ایزو توبهای هیدرژن) و اکسیژن است که شبیه آب معمولی ولی سنگین‌تر از آنست و آلمانها در صدد بودند که بوسیله تهیه آن بمبا تمی بسازند.

« خنثی گردید : ابتدا یک آزمایشی بعمل آمد تا تاسیسات آب « سنگین بوسیله هواپیما بمباران گرددولی موقتی حاصل نشد، سپس » یک گزوه چتر بازانگلیسی موفق شدند در ماه مارس ۱۹۴۳ « قسمتی از کارخانه آب سنگین را منفجر نمایند و بدنبال آن بقیه » کارخانه توسطهوا پیماهای امریکائی بمباران شد . و بالاخره « مقاومت کنندگان در ماه فوریه ۱۹۴۴ تانکر محمول » « راه آهن (تینو جوئن-) را که ۶۰۰ کیلو آب سنگین بار » « کرده بودوازگون کرده، از بین برداشت ۰ »

اقدامات فشار و سختگیری آلمانها روز بروز شدیدتر میشد
بطوریکه در شب ۱۶ اوت ۱۹۴۳ بیش از ۱۱۰۰ نفر افسر فرمانده
را بازداشت کردند، سپس در روز ۳۰ نوامبر نوبت به داشجویان
رسید که ۱۲۰۰ نفر محصل و ۳۰۰ نفر استاد دانشگاه توقيف
شدند. اما کشتی های ماهیگیری سرویس (اتوبوس
رانی شتلند) در آخر سال ۱۹۴۴ توانستند ۶۰ دستگاه فرستنده
و ۴۰۰ تن اسلحه را به نروژ حمل نمایند و با این سلاحها و سائل
قریب ۳۵۰۰۰ نفر از مقاومت کنندگان را مسلح سازند.

۳ - در هلند

« پس از یک دوره کوتاه بی نظمی و آشفتگی و ضمنا قبل، « از آنکه نبرد بریتانیا خاتمه یافته، حتی قبل از آنکه ملکه « (ولهلمینه-۱) به لندن پناهند شود، دولت هلند از اد خطاب »

Wilhelmine - ۱ ملکه هلند که پس از پایان جنگ
بنکشور خود مراجعت و در سال ۱۹۴۸ بنفع دخترش ملکه ژولیانا
از سلطنت کناره گرفت ×

- « به ملت اعلام نمود که تازمانیکه انگلستان را به مقصد (هند) « هلند - ۱) ترک ننموده است ، نمایشات و تظاهرات در کوچه ها » و خیابانهای بنزینگ برای تجلیل سالگرد تولد (پرنس برنهارد - ۲) » باستی انجام گیرد . رهبران حزب دموکرات متفق الرأی تصمیم » گرفته بودند که با اشغالگران هیچگونه سازشی نداشته باشند . » در حزب نازی هلند برهبری (موسرت - ۳) در تمام مدت » چهار سال فقط ۳۰ الی ۵۰ هزار نفر عضو نام نویسی کردند » مبارزات مخفی هلندیها با جنگ و پیکار مسلحانه تجلی ننمود » زیرا بواسطه تراکم جمعیت و کم بودن مناطق جنگلی ، امکان » تشکیل جنگجویان پارتیزانی وجود نداشت ، فقط چند اروپاگاه » مبارزه در (لمبورگ - ۴) بوجود آمد که آنهم مدت کوتاهی » بیشتر دوام پیدا نکرد . تعداد خرابکاری ها در تمام مدت جنگ خیلی » کم بود و نظامیان بیشتر به اصول مبارزات مخفی توجه داشته » جنبش هایی را که بوجود می آوردن خیلی با تأخیر انجام » و بالاخره در ماه سپتامبر ۱۹۴۴ تحت فرماندهی (پرنس » بن نهارد) تنها در جنوب کشور سازمانی بوجود آمد که » آنهم در جنگهای آزادی کشور شرکت ننمود . »
- « این ناتوانی و نقص نسبی مقاومت بیشتر در اثر فشار » و سختگیری سرویس های آلمان ها بود . رئیس سرویس های »

۱ - **Indes Neerlandaise** - شامل متصرفات هلند در

امربکای جنوبی بنام گویان و در اقیانوسیه تعدادی جزایر بود که امروز تشکیل کشور اندونزی را داده اند ×

۲ - **Prince Berhard**

۳ - **Mussert**

۴ - استان جنوبی هلند **Limbourg**

« مزبور بنام (شریدر - ۱) توانست یک شبکه اطلاعاتی را که « با انگلستان ارتباط رادیوئی داشته و اخبار و اطلاعات را « بارمزن مخصوصی مخابره میکرد ، کشف نماید . از ابتدای سال ۱۹۴۱ تا پایان ۱۹۴۳ تعداد زیادی از مامورینی که با چتیر « فرودآمده بودند بازداشت و بسته های مخصوص وسائل واسلحة » که برای تجهیز ۱۰۰۰ نفر کافی و از هوا ریخته شده « بود بدست آلمانها افتاد ، بعداً هم تا اوت ۱۹۴۴ از بیم آنکه « وسائل ارسالی بدست آلمانها نیفتند ، پرتاب محمولات از راه « هوا انجام نشد ، در نتیجه مقاومت کنندگان آمستردام » « در شب آزاد شدن شهر فقط دارای چند قبضه اسلحه کمری « بودند . سر انجام در اوایل ۱۹۴۵ مقاومت کنندگان توانند « در حدود چندیز، هزار سلاح بدست آورند وای باز هم آلمانها « همه آنها را بدون اینکه مقاومت کنندگان بتوانند بکار ببرده و « نمایند تصرف نمودند » .

« فعالیت (شبکه کمک بفراریان) هم بهمین ترتیب « تحلیل رفت ، فقط توانست در حدود چند صد نفر زندانی چنگی « متفقین را بطرق بلژیک و فرانسه فرار داده و در حدود هزار « نفر هلندی را بزمحت بانگلستان برساند .

« از اواخر اوت ۱۹۴۰ اولين (شبکه اطلاعاتی) توسط « یک چتر باز انگلیسی که در هلند فرودآمده بود تشکیل گردید « و متعاقب آن در حدود ده گروه چند نفری پتدریج سازمان « داده شد . اما دو سال تمام طول کشید تا اولين مطبوعات هلندی « در لندن چاپ و منتشر گردد . گزارش های اطلاعاتی بوسیله « یک کشتی مرتبأ به سوئی و بیشتر به زدن فرستاده میشد ، در »

« زنو این گزارش‌ها به (دبیرخانه شورای جهانی کلیسا) »
 « یا به وابسته نظامی سابق انگلیس در برلن داده می‌شد، ولی سازمان »
 « (آبور - ۱) با سعی‌باشی‌های خود که آنرا (زتوں انگلیسی - ۲) »
 « مینامید موفق شد فعالیت شبکه‌های اطلاعاتی مزبور را ضعیف »
 « و ناچیز نماید، تا اینکه در اوآخر جنگ بالاخره حلقه‌های »
 « شبکه مزبور توسعه یافته، تمام کشور را فراگرفت و این سازمان »
 « موفق شد اطلاعات ذیقیمتی را مخابره نماید - مثلًا بنا به »
 « شرایط جوی روزانه دو مرتبه وضعیت هوارا که برای بمباران نقاط »
 « آلمان مناسب بود به انگلستان مخابره می‌کرد . اعضاء این شبکه »
 « مجهز به فرستنده‌های کوچک مخابراتی مخصوص بودند که »
 « میتوانستند بواسیله آنها با هواپیماهای متفقین که روی هلند »
 « پرواز می‌کردند ارتباط بگیرند . سوء قصد و ترور هم مسلمان »
 « رواج داشت چنانکه ژنرال (رؤتن - ۳) فرمانده پلیس آلمان »
 « ۷۰ نفر از مبارزان مخفی رادر نزدیک (آپلدورن - ۴) اعدام »
 « کرده بود ترور و کشته شد . همچنین کسانی را که با آلمانها »
 « همکاری می‌کردند بقتل هیساندند، چنانکه چنددفعه پس از مراسم »
 « دعای حزن انگیز و سوزان که با حضور قلب توسط کاتولیک‌ها »
 « و پروتسان‌ها بطور مشترک در کلیسا اجرا می‌شد همکاری کنندگان »
 « با دشمن را ترور نمودند . »

Abvehr - ۱

England Spiel - ۲

Reutér - ۳

Apeldoorn - ۴ - یکی از شهرهای هلند که مقر تابستانی

ملکه نیز می‌باشد ×

بطور کلی مقاومت در هلند بیشتر جنبه معنوی و علمی داشته، بصورت یک نهضت وسیع هم‌بستگی ملی در آمد.

در روز ۱۵ ماه مه ۱۹۴۰ یک نفر فرش فروش (Harlem^{-۱}) اولین تراکت را تحت عنوان (اعمال اراذل) پخش کرد ولی نامبرده در دسامبر ۱۹۴۰ همان ۴۵ نفر اعضاء سازمان خود که در منحله ابتدائی کار خود بودند توقيف گردید. روزنامه‌های سوسیالیست از سال ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ بنامهای (پایدارخواهم‌اند) و (حق‌بیان) و (هلند آزاد) در ۵۰۰۰۰ و ۶۰۰۰ نسخه منتشر شد. بدنبال آن‌ها روزنامه‌های کاتولیک و پروتستان و روزنامه دانشجویان وغیره نیز منتشر گردیدند.

اقدامات سختگیری و خشونت اشغالگران باعث تخفیف و ازبین رفتن افکار عمومی شد. در ماه فوریه ۱۹۴۱ اولین اقدام آلمانها برای کشتار یهودیان در آمستردام، بدنبال اعتراض دانشجویان و کلیسا، نسبت به فرمان (منع اشتغال یهودیان بکارهای عمومی) و کشته شدن یک سرباز آلمانی شروع شد. توقيف و تبعید ۴۰۰ نفر یهودی پس از اهانت و مضروب کردن آنها در وسط شهر آمستردام باعث شد که یک اعتساب عظیم بطرفدازی از یهودیان برآ افتاد، تمام مغازه‌ها و ادارات و کارخانه‌ها بسته شد.

پس از این واقعه کلیه یهودیان در معرض خطر و تهدید استقرار گرفتند، سپس دانشجویان هم با اکثریت قاطع از امضاء اعلامیه اطاعت نسبت بر زیرین تحمیلی اشغالگران خودداری و نتیجه

^۱ - یکی از شهرهای شمالی هلند - Harlem

آن شد که به افسران و سربازان اسیر جنگی که در ۱۹۴۰ مخصوص شده بود نددستور داده شد خود را آماده کنند تا در ۱۹۴۳ دوباره به اردو گاههای اسراء باز گردند. اگر کار گران و جوانان مخالفی را که برای کار اجباری برداشت به آنها اضافه کنیم جمماً ۳۰۰۰۰ نفر از جمعیت ۶ میلیونی هلند میباشد خود را مخفی کرده زندگی مبارزه مخفیانه داشته باشند.

« برای ملاحظه و رعایت حال این جمعیت عظیم بود که»
 « همبستگی و تعاون ملی به نحو کاملی بوجود آمد. گروه مقاومت»
 « گفند گان برای تهیه شناسنامهای جعلی کمک‌های جسورانه‌ای»
 « نمودند، هر روز تعداد کارگاههای تهیه مدارک جعلی را زیادتر»
 « میکردند جمع تعداد این سازمانهای متخصص برای کمک به (اوندر)»
 « دویگر ۱) ها بمنظور تهیه و جاب: کوبن مواد غذائی، مهرهای»
 « مختلف و یول در حدود ۹ دستگاه بود. برای تهیه سرمایه»
 « به جمع آوری اعانه در تمام کشور دست زدند. دولت هلند آزاد»
 « در لندن، اجازه پرداخت وام ملی را صادر و پرداخت آنرا»
 « تعهد نمود، بقسمی که حتی مزد کلیه اعتصاب گفند گان را هم آهن»
 « را هم توانستند بپردازند.

اعتصاب‌های کلی و مشترک بکی از خصائص مقاومت هلند بود، چنان‌که در سال ۱۹۴۳ بمنظور اعتراض به توقيف کلیه نظامیها در سرباز خانه‌ها یکی از این اعتصابات کلی برآهافتاد و آلمانها از ترس اینکه جنبش مزبور به بلوچیک سرایت کند با کمال بی‌رحمی

۱ - Onderduiker — بن بان هلندی کسانی که در زیر آب زندگی میکنند و مقصود را بنجا مبارزان زیرزمینی است

وخشونت رفتار کرده ۱۵۰ نفر را تیرباران نمودند. آخرین اعتراض بزرگ با یک هدف ومنتظر استراتژی طبق دستور لندن وهنگامی که قرار بود عملیات نظامی هواپرد در (آیندهون - ۱) و (نیمگ - ۲) و (آرنهم - ۳) اجرا شود شروع گردید، در نتیجه تمام تر نهاد وسرویسهای حرکت قطارها از کار افتاده دستور لندن پخوبی درک و بهتر ازماههای قبل اجرا شده بود اشغالگران تمام رادیوهای گیرنده مردم را توقيف و کلیه خطوط تلفن را قطع کردند.

« همه این مقاومت‌ها از لحاظ سیاسی با نهایت مهارت » « تلفیق و تطبیق داده شده بودند. مقاومت همیشه حاکی از « روح وفاداری و اطاعت مردم نسبت به ملکه و دولت هلند آزاد » او در لندن بود. دولت مزبور که از بی نظمی و بلا منصبی « شدن مشاغل دولتی در فاصله بین آزاد شدن کشور و مناجعت » « بوطن بیمداشتیک (کمیته شورای عالی مقاومت) تشکیل داد » « که از نمایندگان بیست نهضت مختلف بوجود آمده بود ولی » « این کمیته هر گز ادعا نکرد که به مقاومت دستوری بدهد. » « مقاومت هم با وجود اکثریت قاطع خود انتظار آنرا نداشت که » « پس از نجات میهن نفعی در حکومت بعضه بگیرد، وقتی که » « شکست عملیات (آرنهم) پایان اشغال آلمان را بتاخیر انداخت »

Eindhonien - ۱

Nimègue - ۲

Arnhem - ۳

برای بیاده شدن در اروپا در آنجا فرود آمدند و با وجود مقاومت فهرمانانه، از آلمانها شکست خورده و متلاشی شدند ×

« بلک (مجتمع مردان قابل اعتماد) با ۹ نفر عضو تشکیل گردید »
 « تا مجموعه اقدامات و تدابیر لازم منوط به کلیه ادارات راکه »
 « بعضی از آنها جنبه سیاسی داشت همانند تعیین وضع کسانی که »
 « با دشمن همکاری میکردن، تنظیم و آماده نماید و بالاخره »
 « همین سازمان بود که قرار شد در مورد تسلیم آلمان مذاکرات «
 « لازمران نماید، واگر دولت مقیم لندهن برای مناجعت به وطن با مشکلاتی »
 « مواجه گردد، این وظیفه فرماندهان نظامی خواهد بود که از »
 « اختیارات و قدرت زیاد زمان چنک را برای اداره کشور استفاده »
 « نمایند. »

واقعهای که باعث تحریک و جنبش افکار عمومی مردم هلند شد عبارت از شکست عملیات هوابرد (آرنهم) بود زیرا هلندیها پس از این شکست بود که سخترین و حشتناکترین زمستان دوران اشغال را گذراندند. در این زمستان فقط ۱۵۰۰۰ نفر از گرسنگی و سرما مردند. اما این شکست وعاقت آن در اثر خیانت یک قایق ران بود که بواسطه قدرت فون العاده بدنه اورا (کینک کونک) میگفتند، این غول بی پرواژنده دل برای نجات برادر و دوستش، خود را در خدمت آلمانها گذارده بود. اربابها یش با وستورداده بودند که در داخل بعضی از شبکه های مخفی نفوذ کرده موجبات متلاشی شدن آنها را فراهم آورد. ولی رفتار او در سازمان مقاومت ایجاد سوء ظن کرده تحت نظر گرفته شد. هنگام آزادی و نجات کشور، خیانت او تأیید و متعه شد که در موقع عملیات (آرنهم) اطلاعاتی در اختیار آلمانها گذارده و این اطلاعات موجب شده که آلمانها نیروهای تقویتی وارد عمل نموده، لشکر های متفقین که از آسمان فرود یافته شدند در اثر جاسوسی اموخاصره و منهدم گردند. افکار عمومی شدیداً

در اروپا

(کینگ کونک) را مجرم میدانست ولی او قبل از پایان محاکمه در سال ۱۹۳۶ در زندان خودکشی کرد . کمیسیون تحقیق در این مورد رأی داد که خیانت این قایق ران در موقعی که عملیات (آرنهم) آنجام شد نمی‌توانسته انجام بگیرد زیرا مسلم شده بود که (کینگ کونک) از این عملیات اطلاعی نداشته و رسیدن نیروهای تقویتی آلمانها در لحظه مناسب ، فقط نتیجه یک تصادف بوده است .

۴ - در بلژیک

- « مقاومت زیرزمینی مردم بلژیک از یک طرف بواسطه وجود « یک حزب نیرومند ناسیونالیست (فلااندری - ۱) و از طرف دیگر »
- « در این اینکه پادشاه (لئوبولد - ۲) حاضر بترک کشور خود »
- « نگردید ، صدمات زیادی دید ، زیرا پادشاه ضمن اینکه از ترک »
- « کشور خودداری نمود ، با امتناع از هر نوع همکاری با مقاومت خویشتن »
- « را بصورت یک اسیر جنگی قلمداد و خود را از بیکار عظیمی »
- « که به سر نوشت جهان و کشور وی - ۳ بلژیک بستگی داشت »

۱ - قسمت شمال غربی بلژیک که مردم آنجارا فلامان گویند ×

Léopold - ۲

۳ - مسئله حکومت سلطنتی هرگز از مطبوعات زیرزمینی بلژیک حذف نگردید مگر در یک مورد که بنام (صدای بلژیک) مقاله ای تحت عنوان (شادی ، شادی ازدواج کنیم) منتشر شد .

« کنار کشید »

« در عوض اعضاء دولت (پیو - ۱) همه متفق الرای »
 « بودند که به لندن رفته ، نیروئی را که در اختیار داشتند »
 « مخصوصا خلبانهای را که بعدا در نبرد انگلیس و هجوم به »
 « (دیپ - ۲) شرکت نمودند در اختیار متفقین بگذارند ، و یکی از »
 « همین خلبانها بود که در سال ۱۹۴۳ عمارت گشتاپورا در »
 « بروکسل بمباران نمود - و بازملاوانان بلژیکی بودند که در »
 « دریای اتلانتیک شمالی چند یکده ، برای نجات جزیره »
 « (والشن - ۳) و باز کردن راه (اسکوت - ۴) و داکاری ها نمودند »
 « و کماندوهای بلژیکی که در عملیات ایتالیا وهند شرکت »
 « کردند و چتر بازان آنها در نرماندی پائین آمدند »
 « کنگوی بلژیک هم باشکت در مبارزات سهم خود را در نبردهای »
 « افریقا بخوبی ادا نمود . »

« مقاومت مبارزان مخفی بلژیک ، ابتداخود بخود بوجود »
 « آمد سپس وسیله SOE دارای کادر شد آموزش یافتو بالآخره »
 « از اول نوامبر ۱۹۴۲ سازمان آن تکمیل یافته و با دولت »
 « آزاد خود در لندن همکاری کرد . این مقاومت به دو سازمان تقسیم »
 « میشدیکی مقاومت نظامی تحت فرمان وزیر دفاع ملی بامأوریت »

۱ - Pierlot - نخست وزیر بلژیک

۲ - Dieppe - بندری فرانسوی در ساحل مانش که حمله
 انگلیس ها بدانجا در جنگ گذشته معروف است X

۳ - Walshern - جزیره لندن متعلق به هلند در دریای
 شمال . X

۴ - Escaut - رودخانه ای که پس از گذشتن از فرانسه
 و بلژیک در هلند دارای خور و دهانه عظیمی بطرف دریای شمال
 است که از لحاظ دریانوردی اهمیت زیادی دارد . X

عملیات نظامی. دیگری مقاومت‌هایی که تحت نظر وزیر دادگستری، «وزیر اطلاعات ماموریت خرابکاری در صنایع را بعده داشت»، «این تقسیم فعالیت‌ها با توجه به مسئله‌یکی کردن نجضص‌هائی که» در عمل تشخیص آن‌ها سهل نبود، بنجو قابل تمجیدی، «انجام» گردید. بالنتیجه درحالی که نهضت‌های مقاومت و شبکه‌ها به «تابعیت خود از SOE ادامه میدادند، سایرین هم بدون اینکه» از وضع مقامات انگلیس و بلژیک در لندن آگاهی داشته، «باشند وظیفه خود را بنحو احسن انجام میدادند.

هنوز در میان مردم بلژیک خاطره‌اشغال ۱۹۱۴-۱۹۱۸ آلمان زنده بود. مخصوصاً در (والونی-۱) کسانی که تجربیات ارزش‌های از ۲۵ سال قیل آموخته بودند هنوز، حیات، داشتند، و همینها بودند که اولین پیشوایان مبارزات مخفی بار دوم مردم بلژیک شدند. (۲)

حال موقع تشکیل شبکه کمک به فراریان بود. اولین بار، عملیات این شبکه بنفع سربازان انگلیسی انجام گرفت که در اثر مجروح شدن یا گم کردن راه توانسته بودند جزو انبوه سربازان انگلیسی در (دونکرک-۳) سوار کشتنی شده اروپارا

Walonne - منطقه جنوب‌شرقی بلژیک X

۲ - از این قبیل اشخاص در شمال فرانسه هم بودند که با وضع منظمی به بلژیکی‌ها ملحاق شده و با همبستگی کامل در مبارزات مخفی شرکت کردند.

۳ - Dunkerque - بندر شمالی فرانسه که تخلیه پیروزمندانه نیروهای انگلیسی و فرانسوی در حمله ۱۹۴۰ آلمانها بفرانسه از آن بندر مشهور است. X

ترک کنند. این سربازها که اکثر سرگردان و در صدد مخفی کردن خود بودند بهترین پناهگاه را در میان مردم بلهیک پیدا کرده از راه فرانسه و اسپانیا فرار و به میهن خود هیرسیدند، بعد از همین روش و کمک نسبت به خلبانهای کدر رزم های هوایی هواپیما های آنها سقوط و خود زنده میمانندند، و همچنین نسبت به مقاومت گمندگانی که بعلت تعقیب اشغالگران میخواستند از بلهیک فرار کنند، یا به لندن احضار میشدند.... بطور هر تابع اجرای میشد.

یکی از این شبکه ها بنام (کومت - ۲) از قنسول های بلهیک در فرانسه مخصوصاً در شهر (مونتوبان - ۳) استفاده های شایانی مینمود. شبکه دیگری بنام (پوتولری - ۴) که توسط یک افسر بلهیکی اداره میشد، مقر فرماندهی اش در شهر (مارسی) فرانسه قرار داشت.

مطبوعات زیرزمینی هم با استفاده از تجربیات سالهای ۱۹۱۸-۱۹۱۴ کار میکردند، عنوان معروف (بلهیک آزاد - ۱) به اولین روزنامه زیرزمینی داده شده بود با این فرق که قابلیت های سالهای ۱۹۴۴-۱۹۴۴ خیلی وسیع تراز جنگ اول بود. بیش از ۳۰۰ روزنامه مخفی منتشر میشد که روزنامه های سوسيالیست ها بنام (دینای کار - ۲)، کمونیست ها بنام (پرچم

Comète - ۲

Mauntauban - ۳

Pot oleary - ۴

Libre Belgique - ۱

Monde du travail - ۲

سرخ-۱)، روزنامه مستقلی بنام (صدای مردم بلژیک - ۲) و فکاهی بنام (قابل ارتقای - ۳) و بالاخره روزنامه های دیگری مخصوص مخالف مختلف پزشکی و فرهنگی وغیره... از جمله معروفترین آنها بودند. اختلاف مهمی که بین این مطبوعات با اسهای ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ وجود داشت این بود که هدف این ها فقط پخش اخبار و اطلاعات نظامی نبود بلکه وظیفه خاصی را که عبارت از همکاری با سرویس های BB C از یکطرف و مبارزه با تبلیغات دشمن از طرف دیگر بود، انجام میدادند. چاپ این مطبوعات بوسیله گروههای مطبوعات مخصوص که دارای سازمان مخفی بوده و کاملاً به طرز عمل آشنائی داشتند انجام میگردید مثلا در ۹ نوامبر ۱۹۴۲ بجای روزنامه (عصر - ۴) شماره مخصوصی وسیله مقاومت گنبدگان تهیه و طبق معمول همه جادر کیوسک های روزنامه فروشی قرار داده شد.

این فقط در اثر جمع آوری اطلاعات و مخابره اخبار بود که مبارزان مخفی بلژیک توانستند این قبیل اعمال شگفت‌انگیز را ادامه دهند.

در اینجا بازهم پیشقدمان ۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ بودند که درس فعالیت میدادند، مثلا (والتردوه - ۵) که در دوران اشغال بلژیک در جنگ اول مؤسس سازمان معروف (دام بلانش - ۶)

- | |
|------------------------|
| Drapeau Rouge - ۱ |
| La voix des Belges - ۲ |
| Elastique - ۳ |
| Soir - ۴ |
| Walter Dewé - ۵ |
| Dame Blanche - ۶ |

بود در سال های ۱۹۲۹ تا ۱۹۴۰ فرماندهی مخابرات ارتش بلژیک را بعده داشت تو انت شبکه (کلارنس - کلوند - ۱) را تشکیل و از او سال ۱۹۴۱ داخل شبکه ارتباطی تماس بالاندن گردد - ۲ از ابتدای ۱۹۳۹ پاسگاههای پست (شنود - ۳) در طول مرزهای شرقی بلژیک ایجاد گردیده بود ولی فرستنده های آنها ضعیف بوداً تو سط ارتش آلمان منهدم گردیدند. انگلیس ها تا سال ۱۹۴۲ مأمورین خود را فقط به مناطق ساحلی میفرستادند. تا مقدمات اقداماتی را که احتمالا برای پیاده شدن در انگلیس فراهم میشد، مانند حرکت کشتی ها و تأسیس فرودگاهها وغیره را دیده با نی نمایند.

« از اوائل ۱۹۴۲ تعداد ۳۵ شبکه بوسیله مأمورینی که »
 « با چتن فرود آمده بودند پایه ابتكار مقاومت گمندگانی که »
 « دارای اطلاعات ارزش نده فنی و وسائل مخابراتی بودند ، شروع »
 « بکار کرد ، اغلب این شبکه ها از لحاظ تهیه و تأمین پول و »
 « وسائل تابع سازمان (سرویس اطلاعات و عملیات - ۴) »

Cleveland - Clarence - ۱

۲ - Dewé - این دفعه مانند ۲۵ سال قبل اقبال باو یاری نکرد ، و هنگامی که در ماه زانویه ۱۹۴۴ در صدد تهییه طرح فرار بود در یکی از خیابانها باو فرمان ایست داده شد و متعاقب آن کشته شد .

۳ - اصطلاحی است برای پاسگاههای مخابراتی که دارای چند بی سیم هستند و یک گیرنده آن همیشه روشن و هر تبآ پایست دیگر ارتباط دارد . X

۴ - با علامت اختصاری S.R.A.

« بودند که برای امنیت بلژیک بوجود آمده بود ، بعضی از «
 « این شبکه‌هاداری حد اکثر امکانات فنی مانند وسائل مخابره »
 « را دبو تلگرافی با فرمان پست فرستنده دور ، گیرنده‌های پلی‌کپی »
 « برای ارسال به چندین شهر ، میز شنود مخصوص کنترل حرکت »
 « فطارها و استفاده از دستگاه چاپ دور با انحراف روی خطوط
 آلمانها و غیره ۰۰۰ بودند . قریب ۱۰۰۰۰ نفر بطور مستقیم »
 « و غیر مستقیم در این شبکه‌ها کار میکردند و ۳۰۰ نفر آنها »
 « مامورین فرودآمده با چتر بودند که استخوان بندی اصلی »
 « این شبکه‌ها را تشکیل داده بودند .

از ۱۹۴۱ تا ۱۹۴۰ تعداد زیادی جنبش‌های مقاومت
 هم‌زمان ، و تقریباً در همه جای کشور بوجود آمدند ، هدف همه
 آنها این بود که روزی مسلحانه برای نجات کشور خود بپا
 خیزند : (ارتش آزادی - ۱) در لیش ، تیپ (ویت - ۲) از آنرو
 گروه (G) در بروکسل و (تسلیم نشد گان - ۳) در شهر (هنوت - ۴)

نمونه‌های از این جنبش‌ها بودند
 از بین آنها سه‌سازمان توسعه بیشتری یافته و جمع کثیری
 داوطلب پیدا کردند . این سه‌سازمان عبارت بودند از (ارتش
 پاره‌تیز انهای بلژیک) و (جبهه استقلال) که باسته به حزب کمونیست
 زیرزمینی بود . دیگری (نهضت ملی بلژیک) که در زاندارمری
 و پلیس شبکه داشته بیشتر فعالیت خود را صرف چاپ مطبوعات

Armée de la libération - ۱

Witte - ۲

Les insoumis - ۳

Hainaut - ۴

مخفي (صدای مردم بلژیک) و جمع آوری اطلاعات و خرابکاری‌ها مینمود... وبالاخره (لژیون بلژیک) که توسط رئیس اتحادیه ملی افسران احتیاط تشکیل یافته بود.

- « دولت بلژیک آزاد در لندن بمنظور روشن کردن وضع»
- « در سال ۱۹۴۳ تصمیم گرفت که اقدام به تشکیل مجدد (ارتش « بلژیک) نموده انجام هر نوع عملیات نظامی را منحصراً آبدان»
- « واگذار نماید (این ارتش بعداً ارتش سری نامیده شد) و »
- « سرهنگ (باستان - ۱) یکی از موسمین لژیون بلژیک »
- « بفرماندهی آن منصوب گشت . (۲) در عین حال انحصار عملیات »
- « مقاومت غیر نظامیان) هم که بنظر هیرسید با وظایف »
- « (جنپیش ملی بلژیک) در هم آمیخته و مخلوط شده است به »
- « (جبهه استقلال و آزادی) واگذار گردید ، این تصمیم‌ها »
- « ظاهرآ بطور قطعی و صریح قابل اجرانبود ، زیرا از یکطرف »
- « (ارتش بلژیک) اسلحه بسیار ناجیزی دریافت میداشت ، از »
- « طرف دیگر (جبهه استقلال) در سال ۱۹۴۳ (جنگجویان چریک) »
- « میهنی) مخصوص عملیات گریازی را تشکیل داده بود . بالاخره »
- « نتیجه آن شد که اکثر این دسته بندی‌ها تاروز آزادی و نجات »
- « کشور مستقل هاندند . »

در روز ۴ ژوئن پیامی تحت عنوان (سلیمان شاه کفش‌های بزرگ خود را پوشید) پخش شدوا این دستور رهبر قیام عمومی بود : با صدور این دستور طرحهای خرابکاری اجرا گردید ، پلهایا

فرو ریخته شدند ، راه آهن ها منفجر و کامیونهای آلمانی در اثر عبور از روی مینه های پنچر کن که در جاده ها ریخته شده بود متوقف گردیدند . ولی در روز ۱۲ ژوئیه فرماندهی متفقین این جنبش سریع را متوقف و به آنها تذکر داد که (لزوم سکوت و امنیت بیش از هر وقت دیگر اهمیت دارد .. تا هسته های مقاومت دست خود را سالم بماند) .

کمبود اسلحه (با وجود اینکه در موقع تسليم مقداری سلاح را مخفی نموده یا بعد از کارخانه ها برداشت کرده بودند) ^(۱) و بالاخره انفجار مین ها و پیشرفت سریع متفقین در خاک کشور ، به مبارزان مخفی بلژیک آن امکان را نداد که در روز بزرگ امید با شرکت در جنگ آزادی میهند ، ابراز وجود نمایند .

مسلمان بعضی از افراد رزمندگان (ماکی) در (آردن - ۲) یخوبی انجام وظیفه نموده (مخصوصاً پارتیزانهای جبهه استقلال و آزادی تحت فرماندهی سر گرد کینه - ۳) و به استونهای دشمن حملات سختی نمودند ، اما این اقدامات یک مزاحمت دائمی برای دشمن ایجاد ننمود (۴) . بالاخره در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۴۴ طبق یک توافق نهائی تمام نیروهای داخلی بلژیک تحت فرمان

۱ - مخصوصاً از کارخانه ملی تسليحات بنام (هرستال)

Ardennes - ۲

Quinet - ۳

۴ - و بدین ترتیب از کشتار زیاد جلو گیری شد ، دستورهای صادره به پارتیزانهای (ماکی) حاکی از آن بود که برای خود بناهگاههایی از نوع (ورکور) در نظر بگیرند - ۶۲ پناهگاه برای هر یک هزار نفر پیش بینی شده بود .

ژنرال (ژرار - ۱) درآمدند.. ولی دیگر وقت استفاده دادن آنها گذشته بود ... زیرا شهر بر و کسل در روز ۴ سپتامبر آزادشد . بهر حال مقاومت کنندگان بلهیک توانستند چندین هزار نفر را زندانی نموده و از تخریب هائی که آلمانها در تظر داشتند در تأسیسات مهم که اولین آنها پل (آنور - ۲) بود انجام دهند بخوبی جلو گیری و آن تأسیسات را حفظ نمایند.

۵ - در فرانسه

« حکومت (ویشی - ۳) پس از متارکه جنگ با آلمان هنوز »
 « عوامل مهم و قابل توجهی را در اختیار داشت منجمله : یک «
 « ناوگان دست نخورده ، نیروهای مستعمره ای ، نیمی از خاک اصلی »
 « کشور ، ارتشی که یا به و اساس قادر ارتش عظیمی میشد ، و »
 « رئیس حکومتی که مورد احترام عموم بود (۴) . سؤالی که »
 « پیش می آمد عبارت از استفاده ای بود که این رئیس حکومت »
 « میخواست از نیروهای خود کرده و توجیهی بود که میخواست از »
 « سیاست خود بنماید ؟ »
 « اما متفقین وسائل ایجاد مقاومت را فراهم کردند و »

Gérard - ۱

۲ - بندر مهم و بزرگ بلهیک X
 Anvers -

۳ - شهر آبهای معدنی فرانسه که پس از شکست فرانسه مقر حکومت مارشال پتن و پایتخت فرانسه غیر اشغالی گردید . X

۴ - منظور مارشال پتن است که بواسطه پیروزی عظیمی که در جنگ اول دروردن بدست آورده ، بمقامات عالیه رسید و قارzman اشغال فرانسه فوق العاده مورد احترام عموم بود . X

« تعداد زیادی فرانسویان ضد آلمانی امیدوار و منتظر روزی »
 « بودند که علامت شروع پیکار در خواک فرانسه با در »
 « افریقای شمالی را دریافت کرده و بیان خیزند. فرانسه با »
 « این حالت انتظار بدو منطقه تقسیم شده بود، یکی منطقه اشغالی، »
 « دیگری منطقه ای که موقتاً آزاد بود. باین ترتیب خطر بزرگی »
 « از لحاظ تشثیت افکار و عقاید عمومی ایجاد نمیشد این خطر »
 « ناشی از آن بود که در منطقه آزاد محرومیت ها و رنج ها کمتر »
 « بود، در حالی که منطقه شمال کشور از یکطرف مستقیماً تحت »
 « سلطه خواسته های آلمان واز طرف دیگر زیر بمبارانهای شدید »
 « متوفیین قرار گرفته بود ۰۰۰ در مقابل، منطقه جنوی کسانی »
 « را که از تسلط اشغالگران فرار نمیکردند پناه داده و موقتاً »
 « آنها را در امان انگاه میداشت، در این منطقه بود که نیروهای »
 « احتیاط تشکیل شد و در حقیقت مبدع عملیات رزمی احتمالی »
 « منطقه شمالی شد، باز در این منطقه بود که مقاومت توانست »
 « با حداقل هزینه نخستین گام را برداشت، راه را خود گرفته »
 « به هیجان آمد، و خود را آماده و مستحکم نماید. »

سیاستی را که حکومت ویشی در داخله کشور در پیش گرفته
 بود بهیچ چیزی نمیشد توجیه کرد. **انقلاب ملی** توانسته بود آن روحیه
 دشمنی دیرینه و ترس از آلمان را که در جناح راست وجود داشت
 از بین ببرد. اقدامات جابرانه علیه یهودی ها، و
 کمونیستها و (فرانکماسون ها - ۱)، جناح چپ را متنفس

۱ - Franc - Magons - اعضاء بیانی انجمن سری که در
 بیشتر کشورها وجود داشته و با علاوه مخصوص هم دیگر را شناخته
 و بیشتر برادر بهم دیگر نکاه کرده موظف بوده اند که در هرجا
 و از هر طبقه و ملتی باشند بیکدیگر کمک نمایند - اعضاء این
 انجمن سوگندیا د میکردن که هر گز اسرار خود را فاش ننمایند
 اما امر روز دیگر باین شکل وجود نداشته و عاملین سیاست های
 خاصی را فرانک ماسون نمینامند X

کرده موجب میشد که هم با آلمان وهم با حکومت ویشی یک جام مخالفت وضدیت نمایند .

اما ژنرال دو گل و هوا دارانی که بدو پیوسته بودند از طرف متفقین بصورت یک دولت آزاد مهاجرت کرده شناخته نشدند . ژنرال دو گل هم انتظار نداشت با او بشکل مزدور رفتار شود، بلکه میخواست ثابت کند که او، بنام فرانسه‌ای که فعلاً دهان بند برده‌اش زده‌اند صحبت میکند . خلاصه باید گفت که : تمام تاریخ مبارزات مخفی مردم فرانسه عبارت از : گرد آمدن روز افزون نیروهای مختلف مقاومت خارجی و داخلی ، بدور ژنرال دو گل و تحت فرمان او میباشد .^(۱)

* * *

شکست فرانسه آنچنان سخت و خورد کننده بود که ملت فرانسه را دربهت وحیرت فزوبرد . مشکلاتی که از مهاجرت دسته جمعی مردم و تعداد فوق العاده زیاد اسرائیلی بوجود آمد بحدی بود که امکان نداشت بتوان ملت را از یاس و نا امیدی که موجب خمودگی وسعتی وی میشد بسرعت نجات داد . ناچار ملت حالت انتظار بخود گرفت .

۱ - جزئیات این حادثه بزرگ در کتاب دیگری از همین سری (آنچه میدانم) ذکر شده که قریباً بنام مقاومت فرانسه چاپ و منتشر خواهد شد ×

در چنین شرایطی بود که ابتکار عملیات بدست زنرال دو گل افتاد. وی از تاریخ ۱۸ ژوئن ۱۹۴۰ یک سری پیامهای از رادیو لندن خطاب بمردم فرانسه میفرستاد که مخصوصاً بصورت پیشگوئی و الهام بخش بوده مثلاً میگفت: «گرچه فرانسه یک نبرد را باخته ولی هر گز در جنگ شکست نخورده است» و یا «شزاره مقاومت فرانسه هر گز خاموش نخواهد شد». زنرال دو گل در عین حال از تمام مردم فرانسه دعوت میکرد که آزادی را اختیار کرده و بدو پیونددند.

باین دعوت زنرال تا اندازه‌ای پاسخ مثبت داده شد، قسمتی از نیروی زمینی و دریائی فرانسه که در انگلستان بودند، هسته اصلی (نیروهای فرانسه آزاد) را تشکیل داده، داوطلبان زیادی از مستعمرات فرانسه‌واز کشورهای دیگر جهان بدو پیوستند. در اینمورد سر زمین (چاد-۱) تحت تاثیر تشویق فرماندار آنجا بنام (ابوه-۲) نمونه بارزی بود که بدنبال آن افریقای استوائی (کامرون-۳) و سپس مؤسسات فرانسه در هند واقیانوسیه دست از کار خود برداشته و به فرانسه آزاد پیوستند، بدین ترتیب دو گل توانست در ۲۷ اکتبر ۱۹۴۰ (شورای دفاع امپراتوری) را تشکیل دهد.

متاسفانه در این موقع حمله انگلیس به (مرسی الکبیر-۴)

۱ - Tchad نه سر زمین اطراف دریاچه چاد در افریقا که جزو اتحادیه فرانسه است ×

۲ - Eboué

۳ - Mers-El - Kepir - الجزیره که در سال ۱۹۴۰ بدنبال یک اولتیماتوم، ناوگروه

فرانسه در آنجا وسیله ناوگان انگلیس هاغرقشد. ×

موجب شد که یک روح ضد انگلیسی در عده زیادی از ناویان فرانسه و جمعی که در انگلستان بودند بیدار گشته، گروه کثیری خود را بفرانسه بر ساند. بعلاوه این اقدام انگلیس موجب شد که مستعمرات فرانسه را که تا آن زمان اختلاف عقیده‌ای باهم نداشتند ناگهان بلژیک در آورد و این عمل موجب شد که غیر از نرال (کاترو-۱) و دریادار (موزلیه - ۲) سایر فرماندهان عالی رتبه به پیام ۱۸ژوئن دو گل پاسخ نداده و هیچیک از مقامات عالیه دولتی خود را به لندن نرساند. بنا بر این پایید گفت که (فرانسه آزاد) از مردان جدیدی بوجود آمد که کمتر معروف به وطن پرستی بودند، حتی فرانسویانی هم که در تبعید بودند همه با آنها موافق نبودند. شکستی که در ماه سپتامبر ۱۹۴۰ به (فرانسه آزاد) در (داکار - ۳) وارد آمد باعث شد که انگلیس‌ها در مورد متحد کردن افریقای غربی و قدرت نفوذ و جاذبه (فرانسه آزاد) دچار شک و تردید گردد. و در نتیجه فروش مدارا را با حکومت ویشی در پیش گرفته، طبق این سیاست فرانسویانی را که با تحمل هزاران مشکلات خود تا به لندن رسانده بودند تا دوش بدوش انگلیس‌ها بمبارزه ادامه دهند دیگر در واحدهای نظامی و سرویس‌های مخصوص خود راه نمیدادند.

«در یک چنین شرایط متزلزل و ناپایداری بود که نرال»

Catroux - ۱

Muselier - ۲

۳ - Dakar - بندر افریقائی در ساحل اقیانوس اطلس که نیروهای فرانسه آزاد در سال ۱۹۴۰ در آنجا اقدام به پیاده شدن نمود ولی نیروی فرانسه طبق اوامر حکومت ویشی مقاومت کرد و آنها را شکست داد X

« دو گل با اراده و خوش بینی فوق العاده خود ، تلاش و »
 « وظیفه‌ای را که بعده گرفته بود به اعلی درجه انجام داد . »
 « از یکطرف (نیروهای فرانسه آزاد) در همه جا و در »
 « هر نقطه‌ای که مبارزه ایجاب میکرد باستی حاضر میشدند »
 « در حبشه ، لیبی ، در نبرد انگلستان ، حتی در افیانوب اطلس »
 « در آسمانهای روسیه با خلبانان (نرماندی نیمن - ۱) در »
 « پیروزی انگلیس‌ها بر پادگانهای ایتالیائی هادر جنوب تریپولی - »
 « و بالآخر واحدهای چاد باستونهای انگلیسی « مکاری مینمودند . بدین »
 « ترتیب ستاره‌های جدیدی در پهنه آسمان افتخارات فرانسه »
 « درخشیدن گرفت ، که نرال ، (لوکلرک - ۲ و مونتکلار - ۳) »
 « (دولار مینا - ۴) ، (کونیک - ۵) (زانی دوم - ۶) و نیروهای »
 « (ناروال - ۷) و (کوفرا - ۸) (بشرالهاشم) نمونه‌هایی از این »
 « افتخارات بودند . »

« از طرف دیگر دو گل میباشد در مقابل انگلوساکسونها »

Normandie-Niemen - ۱ - خلبانانی که از پایگاه‌های

این دوشهر بدرو گل پیوسته بودند و در جنگهای روسیه شرکت
نمودند ×

Le clerc - ۲

Monclar - ۳

De larminat - ۴

- ۵ - فرمانده قوای داخلی فرانسه در نبرد

بشرالهاشم . ×

Gentilhomme - ۶

Narval - ۷

Koufra - ۸

« با کمال صراحة از منافع فرانسه دفاع کند . و در برابر « امنیکائی‌ها که مخالف الحق جزایر (سن بیر - ۱) و (میکلون - ۲) » به فرانسه آزاد بودند ناجار شد دریادار (موزلیه) را بامریکا « اعزام دارد . در برابر انگلیس‌ها ، مجبور بود در مورد سوریه « و مادا گاسکار اعم از اینکه با کمک یا بدون کمک افراد او استه بفرانسه » آزاد آنچه هارا اشغال کرده باشد، از منافع میهن خویش دفاع کند . » خلاصه دو گل و سخنگویان او بوسیله تبلیغات وسیع خود « مخصوصاً توسط سرویس‌های رادیوی BBC مرتبآ غیر قانونی » و مسلوب الاراده بودن حکومت ویشی و اطاعت محض آنرا از آلمانها بتمام جهان اعلام میداشت . در ضمن برای برقراری « ارتباط با طرفداران خود که در خاک اصلی فرانسه بودند » « مامورینی را بوسیله چتر بطور کورکورانه فرود آمده یا بوسیله » « زیر دریائی بخاک اصلی فرانسه اعزام شدند، که از جمله باید « نام سروان (استین دوروه - ۳) را ذکر کرد که پس از پیاده شدن » « توسط آلمانها دستگیر، محاکمه و تیزباران شد . در اعلامیه‌هایی » « که فرانسه آزاد برای جلب افکار عمومی راجع به آینده صادر » « میکرد صریحاً به ملت فرانسه قول داده میشد که : این خود » « ملت است که نسبت به سرنوشت خویش و انتخاب نوع » « حکومت، آزادانه تصمیم حواهد گرفت لکن فعلاً مسئله مهم این » « است که باید جنگید، با تمام قوای باید جنگیم و بجز » « جنگ هیچ »

این گونه پیامها توأم با تعهد ، فوراً باحسن نیت و حسن

St. pierre - ۱

جزایر متعلق به فرانسه در آمریکا × Miquelon - ۲

EStienne dorves - ۳

استقبال افکار عمومی فرانسه مواجه گردید و مردم عادت پیدا کردنکه به گفتارهای رادیو BBC گوش داده ، دستورهای رادیوئی را که دریافت میداشتند ، از قبیل : تظاهرات دسته جمعی یا اعتصابات بخاطر ، تجلیل از سالگرد روزهای ملی (ماهند ۱۱ نوامبر و ۱۴ ژوئن) را کاملاً اجرا و اطاعت نمایند . و همین پیامها بود که مردم دادا طلب نامنویسی و خدمت درسازمانهای جدید مخفی نمود ، زیرا دیگر احزاب سیاسی وجود نداشت . من اکنون سندیکاهای منحل و سندیکاهای جدیدی با رهبران منصوب و غیر منتخب بوجود آمده بود که فعالیت آنها منحصر آمده و به مسائل صنفی بود .

« در ابتدای امر اعتماد فوق العاده‌ای نسبت به مارشال » « پتن و ژنرال ویگان وجود داشت ، اکشن مردم در سازمان » « (لژیون جنگجویان - ۱) و در (ازتش متارکه - ۲ - (قیافه گروههایی) را میدیدند که خود را آماده انتقام میکنند ، این دستیجات سلاحها » را مخفی کرده ، علی رغم مقررات متارکه اقدام به ساختن » « تجهیزات نظامی نموده در شمال افریقا واحدهای را مرتب و آماده میکرددند سر ویس‌های مخصوص ارتش یک قیافه و حالت » « ضد آلمانی از خود نشان میدادند که بالآخره منجر بتأسیس » « شعبه‌های اطلاعاتی در منطقه اشغالی گردید و بعد یک حالت » « صوفی هنشی جای اعتماد عمومی را گرفت ، مردم در بد بختی » « عظیمی که برآنها وارد شده بود تنها بانتظار یک مقاچزه »

«بودند و این وضع همچنان شدت یافت تا اینکه بعد از ملاقات (مونتوار - ۱)»
 «ناگهان سیاست همکاری اعلام گشت. مردم از این مقدمات تمام»
 «انتظارات خود را نقش برآب دید و بشدت مشوش گردیدند»
 «سپس بفاصله کمی اعلامیه‌های رسمی حکومت انتشار یافت که»
 «بجای اینکه به ایجاد راده واقعی برای مبارزه پردازد، همه آن اعلامیه‌ها»
 «تمام‌آخرا کی از تسليم به شکست و ابراز ندامت از اشتباهات گذشته بود.»

در چنین شرایطی بود که برای اولین بار جنبهای مقاومت خود را نشان دادند، این مقاومت‌ها در ابتدا، نه کاملاً مخالف حکومت ویشی بودند و نه کاملاً طرفدار ژنرال دو گل. در منطقه شمالی کشور، وجود آلمانها و حالت اشغال کشور خود پمنزله یک دعوت مقاومت به اقدام و عمل بود. مردم در صدد ایجاد تماس با انگلیس‌ها یا با افراد (فرانسه‌آزاد) بر می‌آمدند، تا شاید اطلاعات خود را در اختیار آنان گذارده از آنها، اسلحه و وسائل دریافت کنند. گرچه مقاومت‌کنندگان از میان همه متحالف بوجود آمدند اما تا چندی فقط گروههای کوچکی تشکیل می‌دادند که یکدیگر را نمی‌شناختند و اعضاء آنها خیلی زود گرفتار و معذوم می‌شدند. متخصصین جوان نیروی انسانی مانند (لوتیسکی و ووهولده - ۲) در موزه (انسان شناسی) اقدام به تاسیس یک (کمیته نجات ملی - ۳) نمودند که از تاریخ ۱۵ دسامبر ۱۹۴۰ شروع به چاپ و توزیع اوراق مخصوصی بنام مقاومت

۱ - Montoire - محلی نزدیک وابندام از شهرهای مرکزی فرانسه که در آنجا مذاکرات همکاری بین هیتلر و پقн بوقوع پیوست. X

۲ - Vildé - Lewitzky
 Comité de salut public - ۳

کردند، افراد کمیته هزبور از فوریه ۱۹۴۱ تا ژانویه ۱۹۴۲ سه مرتبه توقيف شدند. روزنامه دیگری بنام (دفاع از فرانسه - ۱) تا روز نجات فرانسه مرتباً توسط دانشجویان منتشر میشد. ولی گروه (پاتا گروئل - ۲) پس از انتشار ۶ شماره روزنامه در پاریس کشف و از بین رفت. همچنین روزنامه‌های سوسیالیست‌های شمال فرانسه که بیست (ژان لوپا - ۳) اداره میشدند و روزنامه دموکرات‌های مسیحی بنام (صدای شمال - ۴) و همین‌طور، روزنامه‌های (ارتش داوطلبان - ۵) و (گردان مرگ - ۶) هم در آلمان‌آغاز بین برداشتند. مطبوعات خوش‌شانس‌تری هم وجود داشتند که علی‌رغم توقيف‌های مکرر از بین نرفتند. مانند روزنامه (این مقاومت گمندگان - ۷) و (این آزادی‌خواهان - ۸) که اداره آنها تحت نظر اشخاص مختلفی مدتها ادامه یافت. در خاتمه باید بذکر دو جنبش مهمتر و قویتر که در شمال فرانسه اداره میشدند پرداخت، یکی از آنها بنام (سازمان ملی و نظامی) که اعضاش را از میان روشنفکران و نظامیان هم زرم انتخاب مینمود و دیگری سازمان (آزادی شمال) که با استگان آن بیشتر سوسیالیست‌ها و طرفداران سندیکاهای بودند.

Defense de la France - ۱

Pantagruel - ۲

Jean Leba - ۳

Voix du nord - ۴

l'armée des volontaires - ۵

Battaillon de la Mort - ۶

Ceux de la resistance - ۷

Ceux de la libération - ۸

اما در منطقه جنوبی کشور چون تا سال ۱۹۴۲ از وجود آلمانها خبری نبود طبعاً هردم آزادی بیشتری داشتند و کمتر مواجه با خطر بودند، اگر پلیس ویشی سختگیری میکرد اغلب اوقات هم دیده میشد که هوازی هردم را فراهم و حسن سلوک را نیز رعایت مینمود. بطور کلی در این منطقه دو جناح وجود داشت، یکی جناح راست قدیمی که مجدوب سازمان (انقلاب ملی) بود، دیگری جناح چپ که مقاومت گمندگان را جمع آوری و نام نویسی میکرد. در این موقع ژنرال (کوش-۱) که عضو این سازمان بود پیام‌های معروف خود را فرستاد. از ترکیب سازمان‌های (حقیقت) و (آزادی) سازمان (پیکار) بوجود آمد که رهبری آن با (ه. فرنی-۲) بود وهم او بود که استخوان بندی سایر جنبش‌ها را نیز تشکیل داده و تنظیم مینمود. سازمان (آزادی) در جنوب تحت رهبری (۱- استیه دولاوي-۳) بیشتر افراد خود را از میان سوسیالیست‌ها و طرفداران سندیکاهای وهم‌چنین از کمونیست‌هایی که از حزب خود استغفای داده بودند انتخاب مینمود. بعضی از روزنامه‌نگاران شهر لیون دسته‌جات رزمندگان (فرانک تیرور) را دور خود جمع نمودند. مبارزان مخفی جنوب که کمتر از شماری‌ها در معرض تهدید و خطر بود، فرصت و امکان آنرا پیدا کردند که دوران کارآموزی خود را بگذرانند.

«در هر دو منطقه شمالی و جنوبی فرانسه مبارزان مخفی در»
 «اقلیت بوده و به اولین سازمانی که خود را نشان میداد ملحق»

Cochet - ۱

H. Frenay - ۲

E. Astier de la vigerie - ۳

« میگردید و اغلب این بیوستن بسازمانها با انتشار یک روزنامه « شروع میشد. فعالیت‌های آنها در بد و امر عبارت بود از : یکی » « شدن و ایجاد ارتباط و تولید اعتماد، پخش مطالب مفید، تشریح » « و تهییه طرح‌هایی برای آینده، بررسی وظایف خود، ساده کردن » « و قابل احترام نمودن رفتار و وضع خود، اما با همه اینها » « بعلت فقدان وسائل مادی و نداشتن تجربه کافی قادر نبودند که » « عملیات وسیعی را انجام دهند ». .

« تعداد احزاب سیاسی هم کم نبود. از میان آنها فقط » « حزب سوسیالیست بود که بدون دادن تشکیلات آشکار، وارد عمل » « شد و اعضاء آن همه جزو چنبش‌های مخفی بودند، اما حزب » « کمونیست که از جای دیگر اداره میشد، با اینکه پیمان آلمان » « وروسیه را تایید نمود، از طرف دولت (الادیه - ۱) منحل گردید » « و عده‌ای از سران آنها بازداشت شدند، با این وصف و با » « آنکه از طرف اشغالگران نازی هم تحت تعقیب در میان مددند » « معهد افعالیت‌های شدیدی هم در منطقه شمالی و هم در جنوبی فنا نبشه » « مینمودند. مطبوعات آنها بسیار کوبنده، شدید و بمقدار زیاد » « من تبا بطور مخفیانه انتشار می‌یافت، اما هجوم و حمله ارتش آلمان » « به خاک روسیه ناگهان وضع را بکلی تغییر داد، زیرا کمونیست‌هائی » « که تا این موقع بطور مجرماً و منفرد در حال مقاومت بودند » « امکان آن را یافتند که مشتاقانه و آزادانه وارد عمل شوند و در » « هر دو منطقه شمالی و جنوبی کشور اقدام به تأسیس یک (جبهه ملی) نمایند » « بطور یکه و رو در آن برای جناب راست نیز کاملاً آزاد باشد. در نتیجه » « (پاریز انهای فراترک تیر و ر) هم نیروهای مسلح را تشکیل » « داده و به مقاومت یک روح و خاصیت اقدام فوری. و قطعی » « پخشیدند ». .

* * *

از ابتدای سال ۱۹۴۲ مسئله‌ای که مطرح شد عبارت از این بود که آیا مبارزان مخفی طرفدار دوگل خواهند بود یا نه؟ مبارزان مخفی اولین گامهای خود را به تنهاًی برداشته بود. ولی بدون کمک از خارج آنچنان آسیب پذیر و ضعیف بود که پس یک دوران انتظار وضع طوری شد که وسیله حکومت ویژی از هم پاشیده بروتوكل‌های پاریس کمدر اثر مذاکرات هیتلر و دارلان مبالغه شد و بدنبال آن در دارلان ۱۹۴۲ بقدرت رسید، دلائلی بودند که حکومت تصمیم قطعی به همکاری با آلمان را دارد. در این ایام پلیس ویژی مقاومت کنندگان را بدام می‌انداخت و حتی حکومت به گشتاپو اجازه داده بود که برای کشف فرستنده‌های مخفی (بوسیله رادیو گونیومتری - ۱) و توقیف اشخاص (حتی در منطقه باصطلاح آزاد) اقدام کند.

هر چند توده مقاومت کنندگان، فرانسه آزاد را از متفقین جدا نمیدانستند و معتقد بودند که مبارزان مخفی بدون ارتباط با متفقین نمیتوانند کاری از پیش ببرند، اما سران مقاومت بیهوده تمایل به استقلال عمل داشتند تا اینکه سر انجام ناچار

۱ - Radiogoniometrie - طریقه‌ای است که بوسیله آتن رادیو گیرنده از چند نقطه، سمت فرستنده را تعیین و با تقاطع این سمت‌ها در روی نقشه، محل فرستنده را میتوان کشف نمود.

شدن د پیشنهادات کمکهای مستقیمی را که از سرویس‌های مخصوص انگلوساکسون میرسید باحسن استقبال بیدیرند . شعبه مخصوص فرانسوی اداره (SOE - ۱) در لندن که زیست آن با (بک‌ماستر - ۲) بود بدون اینکه با سازمان فرانسه آزاد مشورت نماید ، نمایندگان مخصوصی بفرانسه اعزام و گروههای عملیاتی را در منطقه اشغالی سازمان داد . (۳)

انگلیس‌ها موافقت کرده بودند که یک (دفتر مرکزی اطلاعات و عملیات - ۴) در کنار سازمان ژنرال دو گل تحت ریاست (دووان - ۵) که او را (پاسی - ۶) می‌گفتند تشکیل گردد ، و از سال ۱۹۴۲ مسئولیت اعزام ، افراد پول و وسائلی را که مورد استفاده فرانسه آزاد بود بدان واگذار نمودند . مسلماً این سازمان تحت اختیار SOE بود ولی تا حدودی هم آزادی عمل داشت . این (دفتر مرکزی اطلاعات و عمل) که با علامت اختصاری BCRA مشهور بود تعدادی از رئسای مبارزات مخفی را از منطقه اشغالی وغیر

Secret operations executive - ۱

(هنفی)

Buck master - ۲

۳ - جمعاً ۴۹۳ افسر کانادائی ، انگلیسی و فرانسوی اعزام شدند که ۱۱۹ نفر آنها توقيف یا اعدام گردیدند و بقیه توافستند ۴۳ شبکه در منطقه اشغالی و ۲۴ شبکه در منطقه آزاد تشکیل و بکار اندازند .

Bureau central de Renseigne - B.C.R.A - ۴

ments et d'action-

Dewain - ۵

Passy - ۶

اشغالی فرانسه به لندن آوردہ و ژنرال دو گل اعلامیه‌های خود را برای چاپ در روزنامه‌های مخفی در اختیار آنان مینگذاشت، باین نحو از این طریق یک توافق اصولی بین دو گل و مقاومت فرانسه بوجود آمد، و از آن پی بعد بود که (ژان مولن - ۱) رئیس پلیس سابق باسمت عنوان (نماینده کل ژنرال دو گل) در اوائل ژانویه ۱۹۴۲ در منطقه فرانسه جنوبی با چتر فرود آمد و در نتیجه اقدامات او بود که اتحاد و یگانگی فوق العاده‌ای بین سازمانهای مقاومت طرفدار دو گل برقرار گشت . این شخص با صبر و حوصله کامل ابتدا سه سازمان مهم جنبش‌های مخفی مقیم منطقه جنوبی را با هم متحد نموده سپس ارتضی سری آنها را تحت فرماندهی واحدی در اختیار ژنرال (دلسترن-۲) گذارد و بعد به متحد نمودن افراد سازمانهای مذکور پرداخت . در هر ناحیه و در تقسیمات کوچک‌تر، و در هر شهرستان هیئت مدیره‌ای مرکب از سه عضو تشکیل داد . در عین حال قسمت‌ها و سازمانهای دیگری نیز بوجود آورد که مستقیماً تابع خود او و درواقع تابع ژنرال دو گل بودند مانند : یک (کمیته عمومی بررسی‌ها) (یا مستشارها) - و یک (کمیته امور اجتماعی) که خدمات مر بوط به دریافت و پذیرائی وسائل و افرادی را که با چتر فرود می‌آمدند بعده داشت، و بالاخره یک (کمیته اقدام بر ضد خارج کردن کارگران از کشور) وغیره تأسیس نمود . در منطقه اشغالی شمال فرانسه هیئتی مرکب از (پاسی) و (برسولت - ۳) اقداماتی نظیر منطقه جنوبی نمودند که

Jean moulin ۱

Delestraint - ۲

Brossolettes - ۳

امکان موقفیت کمتری را داشتندولی با وجود ، این توانستند از نیروهای تقریبی و احتیاجات اصلی جنبش‌های مخفی اطلاع حاصل کرده فرماندهی مناطق و مسئولیت آنها را نیزین و مشخص نمایند.

« از ماه نوامبر ۱۹۴۲ کنسول امریکا در الجزیره بنام « (ر. مورفی - ۱) مأموریت یافت که بمنظور تهیه مقدمات بیاده، « کردن قوا در اقربای شمالی با یک گروه از مقاومت‌کنندگان» « ضد دوگل که زنرال (زیرو - ۲) را بعنوان رئیس و رهبر، « خود قول داشتند تماس و ارتباط برقرار نماید . مقارن این» « احوال توجه اینها و معطوف به دریادار (دارلان - ۳) شدو» « معتقد گردید که دارلان: (مردی است که ارزش مذاکره را دارد) « و میتوان امیدوار بود که وی با ملحق کردن ناوگان فرانسه در» « (تولو - ۴) نوافق نموده و به جنگ با متفقین پایان دهد» « اما دارلان در الجزیره کشته شد و امریکائی‌ها بناچار» « رو به زنرال زیر آوردن و بدومکم کردن ترا فرماندهی نظامی» « و حاکمیت سیاسی را در افریقای شمالی و افریقای غربی بعهده» « بگیرد . بدین ترتیب حتی در اردوگاه متفقین هم دو نوع فرانسه» « آزاد بوجود آمد که کاملاً رقیب‌هم بودند. یک دسته بنام هارشال» « پتن که دارلان نماینده حکومت او بود ، دیگری بنام زنرال »

R . Murphy - ۱

۲ - iraud - زنرال ۶۵ ساله فرانسوی که اسیر آلمانها شد و با مهارت عجیبی از زندان نازیها فرار کرده خود را به فرانسه و بعد امریکا رسانید و سپس در حمله به شمال افریقا شرکت نمود X

۳ - Darlan - قبل از توصیح داده شده است .

Toulon - ۴

« (زیر و) که عقیده داشت تنها او است که اراده دارد جنگ را (دامه) داده وهم اوست که مردان (انقلاب ملی) رفورمها را اوزرا « می‌پذیرند. »

مقاومت‌کنندگان داخلی فرانسه نمیتوانستند قبول کنند

مردانی که تا آن موقع همیشگی طرفی نسبت به آلمان را توصیه کرده و آنرا ستوده بودند حالادر کنار امریکائی‌ها نقش کامل مخالف را بعده‌گرفته و آنرا ایفا کنند. بر مبنای همین استدلال بود که مقاومین یک‌دل و یک‌جان معتقد شدند با بذاردو گل طرفداری و پشتیبانی نمایند. برای اینکه این اتفاق عقیده‌را به خارجی‌ها نشان دهند، (ژان مولن-۱) مامور شد که سازمانی مرکب از نماینده‌گان کلیه جنبش‌های مقاومت‌های مهم، با توجه به تیم‌بیانات اصولی افکار عمومی بوجود آورد. بدین ترتیب احزاب مختلف وارد ارکان سیاسی جدید فرانسه یعنی (شورای ملی مقاومت) گردیدند (۲) با انتساب (ژان مولن) به ریاست این سازمان، تابعیت از ژنرال‌دو گل قطعی و مورث‌اید عموی قرار گرفت. خود (ژان مولن) هم بعنوان نماینده ژنرال دو گل در فرانسه با حفظ مقام (کمیسر در کمیته ملی لندن) تعیین گردید.

« آنگاه در الجزایر اختلاف بین ژنرال‌ها شروع شد « بنا به اصرار روزولت و چهل ظاهر آزیرو و دو گل با هم آشتبی. »

Jean moulin - ۱

۲ - شورای هزبور عملاً از ۸ نفر نماینده‌گان جنبش‌ها دو نفر نماینده از هر اکن‌سنديکاهای (CFTC, CERT) و ۶ نفر نماینده احزاب سیاسی کمونیست و سوسیالیست تشکیل گردیده بود.

« کرده و (کمیته ملی فرانسه) را در الجزایر تشکیل که »
 « ریاست آن متناآبا با یکی از دو ژنرال هنوز بود بود »
 « اختلاف نظر و مجادلات ژنرال ها، برای جنیش مقاومت»
 هنخفی فرانسه اهمیت حیاتی داشت، زیرا اگر تدارک اسلحه «
 « و پول بوسیله سرویس های مخصوص ارتتش افریقای شمالی تامین »
 « میشد، چون ارتتش هنوز بور از لاحاظ پرسنل فنی قوی
 « از طرف دیگر سازمان دفتر اطلاعات و عملیات (B C R A) »
 « هم با او ابراز علاقمندی میکرد در این صورت میبایستی اولین »
 « مبارزان مخفی وطن یعنی طرفداران دوگل بنفع این مقاومت »
 « گنبدگان تازه نفس و تازه کار کاملا خلع ید شده و کنار »
 « میرفندند: اما ژیرو استعفا داد و ژنرال دوگل کاملا پیروز شد »
 « و یکی از مردان خود را بنام (ژان سوستل - ۱) در رأس »
 « سازمانی که سرویس های مخصوص هر دو دسته رادر خود مستحبیل »
 « کرده بود قرار داد. بالاخره ژنرال ژیرو از عنوان ریاست »
 « کمیته استعفا داده فقط سمت فرماندهی عالی نیروها را برای »
 « خود حفظ نمود، که کمی بعد از آن هم بر کنار نشد ».

بدین ترتیب بود که ژنرال دوگل در رأس حکومتی قرار گرفت که بر تمام سرزمین فرانسه تسلط و ارتش قابل توجهی را نیز در اختیار داشت. در خود فرانسه کلیه مبارزان مخفی از جمله عناصر (سازمان مقاومت ارتش) تغییرات بزرگی را در انتصابات (ارتش متارکه ویشی) بوجود آورد و بودا ز دوگل پشتیبانی میکرد. در این هنگام الجزایر فی الواقع پایتخت فرانسه مبارز، گردید، دستجات مبارزان بدنبال هم بسوی کوههای (پیرنه) بناه افتادند، بطوریکه ۲۰۰۰۰ نفر داوطلب خدمت در (ارتش فرانسه افریقای شمالی) گردیدند.

اما در سر زمین اصلی فرانسه هم تمام کشود توسط آلمانها اشغال و به مسئله حکومت ویشی و طرفداری آن حکومت از آلمانها پایان داده شد، بطور خلاصه باید دانست که مبارزات مخفی فرانسه از میان طوفانهای خطرناکی سالم گذشت و توانست اتحاد هیستمگی خود را بایدار و محکم نماید.

سپس این قدرت و همبستگی کاملاً استقرار یافت و تثبیت گردید.

ارتباطهای رادیوئی برقرار، رادیوهای BBC و رادیوی الجزیره تنها به پخش اخبار اکتفا نمیکردند بلکه راهنمایی‌ها و گفتارهای شورانگیز و حتی کلمه شناسائی (اسم عبور) راضمن بر نامه‌های خود گنجانده بودند. (پیامهای خصوصی) اشخاص دارای مانع خاصی بود که فقط برای مخاطب قابل تشخیص بود. و همین پیام‌ها بودند که، ارسال اسلحه، شروع باحذف بعضی عملیات، فرار سیدن یک موعد مشخص و یا بسیج واقعی را اعلام میداشتند. از اول دسامبر ۱۹۴۳ تعداد ۳۲۶ پست فرستنده رادیوئی تأسیس گردید، کلیه عملیات و وظائفی که به سرویس‌های منظم محول میگردید بصورت یکنواخت و استاندارد درآمد، مانند: خلاصه مشخصات و طرز فرود آمدن هواپیماهای معمولی و

۱ - Pyrénées - رشته جبال بین فرانسه و اسپانی که خیلی سر سخت و جنگل دار و تقریباً بطول ۴۵۰ کیلو متر میباشد ×

هواپیماهای (لیزاندر - ۱)، ترتیب پرتاب چتر بازها و وسائل از هواپیماها، و همچنین دستوراتی که اختصاص بگروههایی داشت که وسائل پرتاب شده از هواپیماهارادریافت میکردند، وظایف و طرز کار مأمور علامت گذاری زمین برای پرتاب چتر باز، و بالاخره ارتباط با هواپیما بوسیله بی سیم های مخصوص و غیره، همایین دستورات و آموزش ها بصورت جامع و فرم های مخصوصی درآمد.

در سال ۱۹۴۳ و ۱۹۴۴ سازمانهای (اجراییات عملیات سری SOE - ۲) و (دققر مرکزی اطلاعات و عمل - ۳) در لندن، بوجود آمدند. این سازمانها جمیعاً ۸۵۱ چتر فرود را در این مدت تهیه و از هواپرتاب کردند - که عدد آنها بدست مبارزان مخفی افتاد و این تعداد چتر شامل ۸۶۸ نفر مأمورین چتر باز ۸۵۴۶ تن وسائل مختلف بود.

« شبکه های نجات فراریان، خلبانهای را که در حین انجام « مأموریت هواپیمای آنها سقوط خود با چتر فرود می آمدند سریعاً از « راه دریا و گاهی بوسیله هواپیما و اغلب از راه کوههای پیر نه » « دو باره بکشور خود شان باز میکردندند. »

« یکی از این موارد در شهر (لاند - ۴) بود : کسانی »

۱ - **Lysander** - نوعی هواپیمای انگلیسی که مخصوصاً برای فرود آمدن بطور مخفی و کمک به سازمانهای مقاومت ساخته شده بود. *

Secret operations Executive - ۲

BCRA - ۳

۴ - **Landes** - منطقه ای در جنوب غربی فرانسه بین کوههای پیر نه واقیانوس اطلس و شهری هم بهمین نام وجود دارد.

جنبشهای مخفی -

۱۴۵

« را که میخواستند فرار دهند در داخل یک گاری سیاه رنگ »
 « متوفیات بشکل یک مرد (کرولا) میخواهند، راننده گاری »
 « که دلچک ورزیده‌ای بود با حالت غم انگیزی در محل خود »
 « قرار میگرفت، گاهی اتفاق میافتاد که این فراریان در اسپانیا »
 « گیر افتد و بجای رسیدن بوطن خود بد بختانه در راه جبل »
 « الطارق به بازداشتگاه (میراندا-۱) هدایت میشدند.

« قریب صد شبکه اطلاعاتی شب و روز بطور منظم کار کرده »
 « گزارش‌های لازم را درباره: موقعیت نقاط مورد نظر، اسلحه »
 « و استعداد واحدهای آلمانی، یامحل استقرار واحدهای هوابی، »
 « پایگاههای دریائی نقل و انتقال واحدها، استحکامات ساحلی، »
 « روحیه اشغالگران و مردم فرانسه را هر تبا مخابره هینمودند »
 « معمولا در یک زانیه بنا به اهمیت آن چندین شبکه مخابراتی »
 « تشکیل شده بود، که از وجود یک گردیگر بی اطلاع بودند، و نمی‌دانستند »
 « که: مطلبی را که یکی از آنها مخابره هبکند ممکن است از »
 « لحظ روابط، شبکه دیگر بخود نسبت دهد یا هیلا بتواند »
 « افتخار کشف اولین سکوب پرتاب بع پرنده ۱-۷ را برای »
 « خود کسب نماید. در ماه ژوئیه ۱۹۴۴ روزانه بیش از »
 « ۲۰ تلگرام فقط بنای هدایت عملیات نظامی بوسیله این شبکه ها »
 « مخابره میشد. بهمان نسبتی که ارتضی متفقین بطرف شرق بیش »
 « هیرفت، شبکه ها هم طوری تغییر مکان میدادند که بتوانند در »
 « پشت خطوط آلمانها قرار گرفته و کسب اطلاع نمایند »

شايد بتوان گفت که در نهضت مقاومت فرانسه مطبوعات
ذير زهيني بيش از هر چيز ديجني توانيستند استقامه و شهامت

خود را نشان داده، تحت هزار ان عنوان های مختلف منتشر گردند—۱۰ کشش و تمایل افکار عمومی در این موقع از لحاظ مبارزات مخفی بطرف عناصر دست چپ کمونیست و سوسیالیست بود. اکثر مخالف مختلف^۱ مخصوصاً از موافقیکه (جبهه ملی) سلسله مطبوعاتی را بعنوان تعاون و همکاری کار گران کارخانه ها و طبقات روشنفکر منتشر نمود، تحت تأثیر چپی ها قرار گرفتند . یکی از این روزنامه ها بنام (دفاع از فرانسه—۲) که آبتدا در ژانویه ۱۹۴۱ فقط بشکل یک تراکت پلی کپی شده منتشر میگردید در سال ۱۹۴۲ با ۲۰۰۰۰ نسخه در سال ۱۹۴۴ در ۴۰۰۰۰۰ نسخه پخش میشد و دارای شش کار گاه چاپخانه بود. جنگجویان پارتیزانی (ماکی) و (نیروهای داخلی فرانسه—FFI) برای خود روزنامه ها و شبکه های مخصوص اطلاعاتی داشتند که حتی پس از (نجات میهن) باز هم کوشیدند که بچاپ روزنامه های خود ادامه دهند.

اضافه بر روزنامه ها و تراکت های مختلف سازمانهای مبارزات مخفی، جزو های ادبی یا جزو های مخصوص بحث و بررسی سیاسی هم چاپ و منتشر مینمود .

یکی از مؤسسات مخفی و مهم نشر کتاب، سلسله انتشاراتی بنام (نشریات نیمه شب—۳) بود که مجموعه های جالبی را بطرز بسیار دقیق از نوشه های (موریاک—۴) و (اراگون—۵) وغیره را

۱ - همین مطبوعات در مناطق مختلف کشور نیز منتشر میشد .

Defense de la France — ۲ — Edition de minuit — ۳

۴ - فرانسو اموریاک نویسنده مشهور فرانسوی عضو آکادمی که آکنون در قید حیات است. ×

۵ - نویسنده دیگر فرانسوی Aragon —

چاپ و منتشر مینمود، که از میان آن‌ها کتاب (خاموشی دریا - ۱) که بنام مستعار (ورکور - ۲) انتشار یافت موفقیت قابل توجهی برای نویسنده اش کسب نموده بطوریکه در سال ۱۹۴۴ مجموع مطبوعات زیرزمینی بدوملیون نسخه در ماه رسید. بین این مطبوعات اتحاد و همبستگی کامل وجود داشته‌است مناظری را برای واگذاری و تغییر وضع کلیه مؤسسات خود برای روزهای پس از (نجات میهن) تهیه و تصویب نموده بودند.

مجموعه این نوشته‌های ادبی، افکار و نظرات را تحریک میکرد. این ادبیات شامل موضوعهای مختلف بوده، همه مسائل را در معرض افکار عمومی قرار میدادند. از لحظه‌ای که احساس شد (روز آزادی) تزدیک میگردد تهیه و بررسی طرحهای حکومت پارلمانی روبه از دیاد گذارد. مطبوعات زیرزمینی (که از لحاظ مسائل و نکات اختلاف داشتند) نقش بزرگی ایفا نمودند در این موقع افکار عمومی یکدل و یکنزن با مقاومت گردد، نسبت به دوگل ابراز و فاداری و اعتماد نموده تقاضای مجازات کسانی را که بادشمن اهمکاری گرده بودند، مینمودند. این مطبوعات برگشت بطور ساده به حکومت دمو کرآسی جمهوری

Silence de la mer - ۱

Vercors - ورکور نام مستعار یکی از مشهورترین مبارزان مخفی فرانسه بنام (زان برول) است که نوشته‌های او در زمان جنگ شهرت جهانی دارد و کتاب خاموشی دریای او وسیله مترجم دکتر شهید نورائی بنحو دلپذیری بفارسی ترجمه شده است. کتاب دیگری از او بنام اسلحه پنهانی بفارسی برگردانده شده است. ×

سومرا رد کرده خواستار یک رفورم اقتصادی و اجتماعی و مخصوصاً یک انقلاب سیاسی بودند.

* * *

باید دانستکه سهم کمونیست ها در تشدید وافزاریش مبارزات مخفی بیش از سایر مبارزان بود - آنها درحالی که سرپوشی روی کلیه هدفهای سیاسی خود گذارده بودند، دائماً وبطور یک نواخت لزوم یک اتحاد استوار و وسیعی را توصیه و تأکید مینمودند، و از این راه توجه توده مردم زادر حالی که مطالبه حقوق وزندگی مادی را با مسئله فعالیت مبارزان مخفی مخلوط مینمودند، بخود جلب میکردند . آنها اعمال مستقیم و یک پارچه مردم را بدين طریق میستودند که: «دھقان ممحصول خود را به اشغالگر نداده و پارتیزانهای (ماکی ها) را تدارک میکرد، کارگر برای جلو گیری از افزایش تولید، خرابکاری میکرد و از رفتن و کار کردن در آلمان خودداری نموده است . کارمند اداری مدارک قابل استفاده برای دشمن را از بین میبرد ، مدیر مؤسسه و بنگاه هر تباً از اشغالگر نان میخواست ، . کمونیست ها برای مطالبه حقوق طبقات مختلف ، اعتصابهای بزرگی برآ میانداختند که تبدیل به تظاهرات سیاسی و اجتماعی توده مردم میشد ، در این تظاهرات ابتدا قطعنامه های مربوط به کمبود مواد غذائی صادر و سپس تبدیل به غریو و فریاد مردم علیه اشغالگر میشد. گروههای ضربت کمونیست هادر شهرها ، نظامیان منفرد

دشمن را ترور میکردند و دشمن هم با بازداشت های دسته جمعی و تیر باران کردن گرو گانها باین عمل پاسخ میداد که این عمل بازهم موجب خشم و کینه بیشتر ملت میگردید . کمونیست ها به سیاست و تاکتیک احتیاط آمیزی که وسیله متفقین توصیه میشد شدیداً اعتراض و میگفتند که افراد غیرفعالی که روحیه خود را بر اساس این توصیه ها فاسد نموده و رزیدگی در پیکار را از دست دهند، در روز (آزادی) و روز (ر) لایق پاداش بزرگی نخواهند یود ، بدین نحو هر چند مقاومت - آشکا را تجزیه نشد ولی اختلاف و خصوصیت بین (حکومت الجزیره) و (مبادران مخفی) برای در دست گرفتن قدرت ظاهر گردید ، در سازمانها و اداراتی که در اشغال کمونیست ها بود بتدربیح اهرم فرمان بدهست کمیسیونهای مختلف (CNR-۱) افتاد (۲) . پارتیزانهای (ماکی) در اولین فرصت در معرض تصادم و ضربت دشمن قرار گرفتند ، بوساطه کمبود کارگر برای کارهای دستی ، آلمانها برای حفظ ظاهر سازمانی بنام (اداره کار اجباری) تشکیل دادند که کارگر اجباری جمع آوری ، میکرد این عمل جوانان و کارگران را در معرض تهدید و خطر قرارداده اکثر آنها از رفتن به آلمان خودداری و خود را در کوهستانها و دهات مخفی نمودند . این عمل گرچه موجب شد سازمانهای مقاومت در مقابل مسئله جدید و پیش بینی نشده ای قرار گیرند ، که عبارت از تهیه مدارک جعلی ، لباس ، غذا و اسلحه برای این اشخاص بود ، اما در عوض عده زیادی از مردان را به صفواف

۱ - کمیته های مقاومت ملی

۲ - پس از مرگ ژان مولن ریاست سازمان هزبور به G.Bidaut واگذار شد .

درا و پا

مقاؤمت مثبت ملحق نمود. این اشخاص ابتدا بیک پناهگاه احتیاج داشتند که بهتر از همه جنگل‌های کوهستانی بود و در مرحله بعد میباشند شجاعت و لیاقت خود را در بوته آزمایش (ارتشرنجات) بروزدهند. متفقین چندان راغب نبودند که برای این طبقه مبارزان، اسلحه بفرستند زیرا بیم از آن داشتند که بیک سلسله عملیات تصادفی و هم‌آهنگ نشده مباردت نموده و یا انقلاب و اغتشاشی بوجود آورند. ولی پارتبیز انها و (فرانک تیرورها) با استفاده از تاکتیک کمونیست‌ها مرتبأ ضرب شسته‌های بموضع بر آلمانها وارد میکردند، آلمانها هم‌جواب این اعمال را با آتش زدن مزارع و تیرباران کردن افراد میدادند.

بالاخره بتدبریع منطقه عمل پارتبیز انها (ماکی)، محدود به (ژورا - ۱)، آلب (ماسیف - ۲) گردید. در فوریه ۱۹۴۴ در دشت (گالییر - ۳) در (ساووا) رزم‌های نامساوی سختی بین آلمانها و آنها در گرفت که قریب ۲۰۰ نفر از افراد (ماکی) کشته یا اسیر شدند. از فوریه ۱۹۴۴ تا مارس همان سال آلمانها حملات زیادی علیه (ماکی) ها در (ان - ۴) نمودند، و بعد رزم های دیگری در (کورز - ۵) و (آریژ - ۶) و (گارد - ۷) عمل آمد پارتبیز انها

۱ - **Jura** - دشت‌های کوههای بین فرانسه و سوئیس ×

۲ - **Massif** - دشت مرکزی فرانسه که دارای ارتفاعات مختلف است ×

Galière - ۳

۴ - **Ain** - ظاهرآ در اثر اشغال شهر **Oyonnax** این حملات قبلاً کشف شده بود .

Correze - ۵

Ariegé - ۶

۷ - **Gard** - (برای بررسی بیشتر این نقاط باستی به نقشه فرانسه مراجعه شود) ×

با اطلاع از پیاده شدن متفقین در نرماندی هزاران نفر از افراد خود را از گوشه‌های مختلف فرآخوانده و با تصور اینکه دشمن در آنجا نیروهای مهمی دارد، دور (ورکور) و (مون‌موشه - ۱) جمع شدند. سروصدای این عمل در همه جا پیچید و لی طرز عمل منتهی به فرار و کشتار دسته‌جمعي پارتیزانهای (ماکی) گردید. در داخل حکومت موقعی فرانسه در الجزیره، وزرای کمونیست همکاران نظامی و سرویس‌های مخصوص را مذمت و ملامت می‌کردند که چرا نتوانستند باندازه کافی در حفظ و نگاهداری پارتیزانهای (ماکی) دقت و مراقبت نمایند، و دائمیاً یک دیگر را متمهم مینمودند، تا اینکه بالاخره قطع مذاکرات و بحث‌ها مسئله صحت یا عدم صحت اتهامات را متفقی نمود.

* * *

وقتی که روز (آزادی و نجات) تزدیک شد این دفعه سازمان مقاومت مبارزه را علیه متفقین آغاز نمود و حکومت موقع در الجزاير بصورت یک قدرت واقعی مورد قبول واقع گردید. دو ارش فرانسوی دردو مورد عملیات پیاده شدن متفقین، شرکت کرده، و از همه بالاتر در بهار ۱۹۴۴ کلیه واحدهای مبارزات مخفی بنام (نیروهای داخلی فرانسه FFI) تحت فرماندهی

زئنرال (کونیگ - ۱) قرار گرفتند، در حالی که زئنرال مزبور سرویس های مخصوص (اجراءایات عملیات سری - ۲) و اداره خدمات استراتژی - (۳) مأمور فرانسه رانیز در اختیار خودداشت . ضمناً نود گروه که هر گروه مرکب از ۳ افسر بود بنام (جادبارگ - ۴) برای تشکیل کادر سازمانهای مبارزات مخفی با چتر فرود آمدند. مقاومت فرانسه اذآن پس سهم خودرا در پیکارهای نجات مبهن بعده گرفت ولی از لحاظ سیاسی هنوز با پیدا کردن راه حل فاصله زیادی داشت .

« مقاومت فرانسه نشان داد که نمیتواند چیزی بالاتر از « یک « کمک » باشد . تشکیل یک گردان چتر باز فرانسوی » (در انگلستان باعث شد که گردان مزبور هنگام عملیات نفوذی) « امریکائی هادر (آورانش - ۵) یا یک لشکر یک آلمانی را که برای آنها » (اهمیت حیاتی داشت مجبور بفرار بطرف (برست) و بلا استفاده) « نماید ، و همین گردان با خرابکاری هائی که در راه آهن ایجاد » و مزاحمت هائی که در طول راهها برای ستونهای آلمانی فراهم » آورد ، موجب گردید که نیروهای تقویتی آلمان خیلی دین و « بسختی خود را به نرماندی برسانند . (نیروهای داخلی) »

۱ - Koenig - زئنرال فرانسوی که در بشار الحکیم شمال افریقا فتوحات درخشنانی نمود و فرماندهی نیروهای داخلی فرانسه FFT را بعده داشت

SoE - ۲

Oss - ۳

Jedburgh - ۴

۵ - Avranches - ناحیه ای در کنار دریای مانش که هنگام

پیاده شدن متفقین در نرماندی صحنه عملیات بود X

« فرانسه) در همه جا واحدهای متفقین را هدایت و برای آنها « وظیفه عملیات اکتشافی را انجام داده و بعضی اوقات مانند واحدهای « پیاده نظام کارمیگردند ، اسیران جنگی را نگاهداری در « عقبه قوای متفقین نظم و ترتیب را ایجاد و حفظ مینمودند، و گاهی « با اجرای عملیات جلو داری با پتکار خود بعضی از شهرها را زاد « میکرند. در پاریس اعتصاب کارکنان راه آهن و بدنیال آن قیام « پلیس مقدمه یک شورش مسلحه بود و این موضوع نگرانی حکومت « فرانسه را فراهم آورده بود زیرا میترسیدند که شورش پاریس بهانه « شودتا متفقین اداره شهر پاریس را بدست گیرند ولی (کمیته نجات « پاریس) که اکثریت اعضاء آن کمونیست ها بودند ، قبل از آنکه « از حکومت وقت اجازه بگیرند ، دستور وعلامت شروع قیام را « صادر کنند بودند در نتیجه امنیتکاری ها که برای تعقیب دشمن در صدد « دور زدن پاریس بودند ، صلاح را در این دیدند که به شورشیان « متکی گردند ».

« در جنوب غربی پاریس لشکر (داس رایش - ۱) مجبور بود « که ضمن عقب نشینی اقدام به حملات متقابل نماید ، « ستون ژنرال (الستر - ۲) که فوق العاده قوی و دارای بیش از ۲۰۰۰۰ نفر افراد بود ، ناجارشد در (ایسودون - ۳) تسليم گردد، و این « تسليم گرچه در مقابل (ارتش داخلی فرانسه) نبود اما در اثر « عملیات و فشار ارتش منبور انجام گردید . این (ارتش داخلی) « فرانسه) بود که شهرستانهای مرکز منطقه آلب و (ماسیف - ۴) را « نجات داده و آزادی بخشید و باز همین ارتش بود که قسمت عمده « آن در منز ایتالیا جنگی به هاموریت پاک کردن پیش رفتگی »

Das Reich - ۱

Elster - ۲

Issoudoun - ۳ - یکی از شهرهای مرکزی فرانسه

« آتلانتیک) را از وجود دشمن بخوبی انجام داد ، و بازده « زیادی از همین ارتش داخلی فرانسه بود که بارش یکم ژانویه (دولاتر) « دوتاسینی - ۱) مخلوط شده بود . این نهاد مجموعه کمک های را که بدین « ترتیب و سیله (ارتش داخلی فرانسه) بعمل آمده در حبوداری از عملیات » ۱۵ نسل بر آورده نموده است . از لحاظ سیاسی هیچیک از طریق های که « برای اداره کردن مستقیم فرانسه وجود داشت عملی نگردید ، » « حکومت موقت که سرانجام متوفیین آنرا بر سمیت شناختند » « پس از ورود بپاریس به سهولت توانست افراد شایسته ای را که « حکومت ویشی در پایه ای غیر حساس قرار داده بود در مشاغل مهم » « و حساس بگمارد . و گرچه بین سازمان مقاومت و حکومتی که از « «الجزیره آمدند بود در چند مورد تصادماتی حاصل شد ولی هیچیک به « وضع تاسف آوری منجر نگردید . در مورد برق اری نظم عمومی اگر « « چه (آزادی و نجات میهن) اغلب باسر کوبی مخالفین و گاهی با « « هرج و مر جه همراه بود مهueda از بعضی اعدام و کشتارهای انفرادی « « و انتقامهای شخصی هم صون نماند : تا اینکه در این ضمن اوضاع « سریعاً بحال عادی بر گشت . »

بدین ترتیب فرستاده بارزه مخفی ، با بحق شناختن
یک حکومت بطور ثابت و مداوم ، و با گماردن مردانی
از میان صفوی مبارزان خود در عائی ترین مشاغل ،
از تاریکی و اختفاء بیرون آمد و اداره کامل کشور
را برعهده گرفت .

فصل پنجم

جنبیش‌های مبارزات مخفی

در اروپای هرگزی و شرقی

« چون رایش سوم سر زمین‌های متصرفی اروپای شرقی »
 « را بچشم مستعمرات (آلمان بزرگ) نگاه میکرد، بنا بر این»
 « رفتاری فوق العاده سخت و خشن در آنجاها داشت (۱) »
 « که : جا بجا کردن ملت‌ها، منهدم کردن شهروها، انتقام‌های »
 « کورکورانه و اعدام‌های دسته‌جمعی، کشتار دسته‌جمعی ملت‌های »

۱ - در فرانسه اولین عمل گروگان گرفتن ۱۵ ماه پیش از اشغال انجام شد - در صورتیکه در لهستان از اول دسامبر ۱۹۳۹ بدنبال سوی عقصد بیک نفر آلمانی، صدها نفر را در (پالمری) نزدیک ورشو کشتنند - و در Kiev روسیه ادر فوامبر ۱۹۴۱ - ۸۰۰ نفر را اعدام نمودند.

« کامل در اردوگاههای اجباری وسیله اطاقهای گاز ثابت یا »
 « متحرک، از جمله آن اعمال بود. بهمین لحظه مبارزات مخفی
 « این مناطق، صورت یک عمل کفاره نا پذیر و نا بخشنده را
 « داشت، زیرا تمام مردم در معرض تهدید و خطر بودند و »
 « مقاومت خاصیت اصلی توده‌ای و همگانی خود را حفظ می‌کرد. »
 « بطوط بکلی در شرق اروپا با سطح زندگی خیلی پائین تر و فرهنگ
 « کمتر از اروپای غربی توسعه یافته بود ناچار مبارزات مخفی بیشتر »
 « بصورت جنگهای (ماکی‌ها) و جنگهای پارهیزان درآمد تا
 « بصورت جنگ روانی ». »
 « این نشانه‌ها و آثار مشخص، باعث شدن دکه مقاومت در »
 « تمام این کشورها خاطرات تلخ زننده‌ای توأم با یک روح ضد »
 « آلمانی شدید بر جای گذاشت. بطوط خلاصه مسئله بصورت ساده و صريحی »
 « تجلی می‌کرد که: برای زنده ماندن، بجز جنگیدن هیچ
 « نقش دو پهلوی دیگر ممکن نیست. مقاومت همچنین صورت »
 « یک موج عمیقی را پیدا کرده بود که می‌خواست شکل و حالت
 « قبلی همه چیز را بر هم زده یک رژیم سیاسی جدیدی را باه
 « زین بنای اجتماعی کاملاً نوین، حتی بیشتر از آنکه پس از نجات، »
 « این کشورها وسیله ارتضی سرخ عمل شد بوجود آورد، »

۱- در چکسلواکی

تاریخ شروع مبارزات مخفی چکسلواکی را میتوان از
 روز ۲۲ اکتبر ۱۹۳۸ که (بنش - ۱) رئیس جمهور اذکشور
 خارج شد شخص نمود از همین موقع مردان سیاسی و روشنفکران

کشور اقدام به ایجاد یک (مرکز سیاسی) که بطور منظم با بخش در ارتباط بود، نمودند. ورود آلمانها در مارس ۱۹۳۹ به پراک، موجد جنپیش‌های دیگری شد، در عین حال نهضت مقاومت جدیدی از نظامیان بنام (دفاع ملی-۱) تشکیل گردید. این سازمان‌های او لیه مبارزات مخفی، روابط خود را با کمونیست‌ها (که از مدتها قبل غیرقانونی شناخته شده بودند) مستحکم نمودند، بدین ترتیب از اول مارس ۱۹۳۹ مقاومت چک توانست روی کمک‌های موئزو مثبت دموکراسی غربی حساب کند، واذاول اوت ۱۹۳۹ تماس رادیوئی بین سازمان مبارزان مخفی و مهاجرین برقرار گردید.

- «اعلان جنگ عمومی امیدهای زیادی را برای چکوسلواکی»
- «بیار آورد، مردم از خود می‌پرسیدند آیا یک سیاه چک، با»
- «فرانسویها جنگ خواهد کرد؟ با وجود اینکه کشتایو از لحاظ»
- «پیش گیری، هزاران نفر را بازداشت نمود» معهذا در اول «سپتامبر ۱۹۳۹ تظاهرات ملی عظیمی بوقوع پیوست، و یا در»
- «روز ۳۰ سپتامبر که سالگرد موافقت نامه (مونیخ-۲) بود»
- «مردم پراک بمنظور اعتراض دست به (اعتراض تراکم‌های) زدند»
- «که در نتیجه تمام واگزهای قطارها خالی و بدون مسافر رفت»
- «و آمد هیکرند، یا روز ۲۸ اکتبر تمام کوچه‌ها با پرچم‌های»
- «رنگی چکوسلواکی مزین گردید، اعلانهای آلمانها را پاره»

Obrada naroda - ۱

Munich ۲ در ۱۹۳۸ کنفرانسی از نمایندگان آلمان، انگلیس، فرانسه و ایتالیا در شهر مزبور تشکیل و با واگذاری ناحیه سودت چکوسلواکی به آلمان موافقت نمودند - نتیجه این کنفرانس تشجیع آلمان در تجاوزات بعدی و شروع جنگ گردید ×

- «کرده درزیر پنجره‌های مقر حاکم آلمانی (فون نورات-۱)»
 «مواد محترقه منفجر نمودند، در نتیجه عده‌ای مجروح و یک»
 «نفر دانشجو کشته شد، تشییع چنان‌ز این قربانی مورد مناسبی»
 «برای تظاهرات عظیم محصلین گردید»
 «آلمانها هم برای مقابله با این تظاهرات از روز ۱۷»
 «نوامبر ۱۹۳۹ (کلیه مدارس بزرگ چکوسلواکی را تعطیل کردند»
 «و در تمام مدت جنگ هم این وضع ادامه داشت»
 «هر چند که عده‌ای توانستند خود را به خارج از کشور»
 «برسانندولی سازمان مبارزات مخفی تلاش‌های خود را تنظیم»
 «و از ژانویه ۱۹۴۰ سازمان (مرکز سیاسی) و (کمیته مرکزی)»
 «و یک گروه سندیکائی با هم ترکیب و (کمیته مرکزی مقاومت»
 «داخلی-۲) را بوجود آوردند، نظاهرات ملی مردم را بیش از»
 «پیش به شور و شوق آورد بطوریکه در بهار ۱۹۴۱ سازمان»
 «مقاومت، شرکت در جشن حمایت (ماتیاس-۳) مقدس را تحریر»
 «و دسته‌جات آلمانی در میدان‌های خالی از مردم، مشغول نمایش»
 «و بازی شدند، در ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۱ در جشن (ونسلاس»
 « المقدس-۴) نیز همین وضع تکرار و یک نفر خریدار برای»
 «مطبوعات وجود نداشت».

Von neurath- ۲

- ۲ - طبق حروف اول زبان چکوسلواکی این سازمان را
 U V O D مینامند که ما هم از این ببعد همین حروف را بکار
 خواهیم برد X
- ۳ - Mathias - یکی از حواریون مسیح که روز ۲۱ فوریه بنام
 و افتخار اوست X
- 4 - Saint wenceslas

کمیته مرکزی مقاومت داخلی (بنام اختصاری UVOD) یک روزنامه بنام (به پیش برای پیکار - ۱) چاپ و منتشر نمود و برای تبلیغات خود روزنامه های پلیسی دیگری تهیه مینمود که از حوادث کار آگاهی و پلیسی استفاده و اخبار و دستور العمل های لازم را منتشر میکرد. کمیته مزبور بر نامه های سیاسی خود را در یک جزو های تحت عنوان (برای آزادی جمهوری جدید چنکوسلواکی) منتشر نمود.

قسمت عمده فعالیت های این سازمان متوجه کسب و انتشار اطلاعات و اخبار بود. یک گروه مجهز به رادیو بنام (سپارتا - ۲) در سال ۱۹۴۰ موفق شد چند دین هزار پیام را به لندن مخابره نماید. اصل این اخبار از یک سر هنر آلمانی که رئیس یکی از شعب سازمان آبور - ۳) اروپای شرقی بود بدست می امداد. در اثر کسب این اخبار بود که کمیته مرکزی مقاومت داخلی (UVOD) موفق شد قبل از سرویس های مخصوص شوروی را از حمله عظیم هیتلری ها مطلع کرده حتی فرود گاه های را که قرار بود در سپیدهدم روز ۲۱ ژوئن ۱۹۴۱ بمبان گردد تعیین نماید، ولی روسها چندان توجهی به این گزارش ها ننمودند. سازمان UVOD همچنین موفق شد ترتیب انهدام یک شبکه جاسوسی آلمان را که در پشت کوه های اورال روسیه مشغول خرابکاری بود، فراهم نماید. افراد چک که در ارتش آلمان استخدام شده بودند ترتیب خرابکاری هارا حتی در داخله آلمان مانند انهدام راه آهن (انهالت - ۴)

Au combat - ۱

Sparta - ۲

Abvehr - ۳

Anhalt - ۴

در برلن نیز میدادند . حتی حادثه معروف گذاردن بمب در یک آبجو فروشی شهر هونیخ در روزی که قرار بود هیتلر در آنجا سخنرانی نماید به اقدامات این سازمان (UVOD) نسبت داده شده است.

« کلیه این اعمال مبارزان مخفی ، با وجود یاس و نامیدی »
 « مبهمنی که از شکست فرانسه بوجود آمد و با وجود اعدامها و »
 « بازداشت‌های متواالی گشتابی معهدهای ادامه داشت . ولی تا هنگامی »
 « که آلمان بروسیه اعلام جنگداد سازمان‌های مبارزان مخفی »
 « چکوسلواکی بدین شرح تقسیم و از هم جدا بودند : کمونیست‌ها »
 « که شدیداً به رئیس جمهور (بنش) حمله میکردند ، در یکی »
 « از تراکت‌های در اکتبر ۱۹۴۰ پخش شد در واقع او را متهشم »
 « میکردند که (سرمایه‌داران نیرومند ، استعمارگران انگلیسی را) »
 « در پیکارهای پلیدشان کمک میکنند) . در حالیکه حکومت موقتی »
 « چکوسلواکی هم در لیندن مشغول مذاکره با لهستان بود تا »
 « بتواند یک فدراسیون لهستان و چک ، بمنظور جلوگیری از »
 « توسعه نفوذشوری‌ها بطریق غرب در آینده تشکیل دهند . »

هجوم هیتلر به روسیه شوروی قبل از هرجای دیگر وضع چکوسلواکی را روشن کرد . از ۱۸ ژوئیه ۱۹۴۱ روسیه‌شوری حکومت تبعید شده چک را برسمیت شناخته خود را متعهد و ملزم به اعاده حقوق تمامیت ملت چک نمود . کمونیست‌ها در اوت ۱۹۴۱ در (بوهم - چک) (کمیته انتقالی) تشکیل دادند که اتحاد و همبستگی تمام ملت راعلیه اشغالگران توصیه و تأکید مینمود

۲ - Bohême مهمترین قسمت چکوسلواکی که پراک یا یاخت کشور در آن واقع است X

ولی بعدها مبارزه دردو جبهه برعليه اشغالگر آغاز شد: در غرب داوطلبان چك در نبردهای متفقین در اروپا و افریقا شرکت نمودند و مرتبأً مأمورین ازلندن با چتر در خاک چکوسلواکی فرود میآمدند. در تاریخ ۲۷ مه ۱۹۴۲ دونفر از این مأمورین، فرماندار آلمانی بنام (ر. هایدریک - ۱) را ظاهر برخلاف عقیده سازمان مبارزه مخفی کشتند، در نتیجه فشار و سختگیری اشغالگران و حشتناک شد، قصبه‌های (لیدیس - ۲) و (لزاکی - ۳) منهدم و ساکنین آنها قتل عام شدند، ده هزار نفر در (بوهم) بازداشت شدند که هزار نفر آنها جزو سازمان مبارزات مخفی بودند. سازمان (UVOD) با وجود این ضربه‌های شدید آشکارا قیام نکرد بلکه با صورت بندی‌های کوچک بدون اینکه زیاد باهم ارتباط داشته باشد و بدون داشتن اسلحه بیحیات خود داده داده طبق تاکتیک انگلوساکسونها از اقدام به اعمال پیش از همکن، و شاید قطعی بود در همان مرحله اول منجر به کشدار دسته جمعی مقاومت کنندگان گردد احتراز مینمود.

اما در شرق با حفظ ارتباط منطقی و صحیح به تناسب پیشرفت‌های ارتش سرخ بطرف غرب، سازمان مقاومت، ابتدا با اطاعت از کمونیست‌ها شروع به جنگهای پارهیزانی نمود. روسیه شوروی خود نیز یک واحد از افراد چک را تشکیل و مجهز نمود که از اوایل مارس ۱۹۴۳ دوش بدش ارتش سرخ و بعضی از آنها همراه

R. Heydrich - ۱

Lezaky - ۲

Lidice - ۳

واحدهای پارتیز ان رویی پیکار میکردند (۱). در صفو واحدهای چکوسلواکی که دولت دست نشانه آلمان برای شرکت در عملیات روسیه اقدام به بسیج کرده بود چندین مرتبه این واحدها از ادامه عملیات و اطاعت از حکومت دست برداشتند، بطوریکه حتی در اکتبر ۱۹۴۳ یک لشکر کامل چکوسلواکی سراز اطاعت باز نمود و بروسهها ملحق شد. هنگامی که ارتش سرخ به نزدیکی کوههای (کارپات - ۲) رسید، سپاه چکوسلواکی که دوش بدوش آنها میجنگید بسیار قوی و متجاوز از ۶۰۰۰۰ نفر بود.

از اوایل سال ۱۹۴۳ جنگ پارتیزانها در اسلواکی شرقی شروع شد (۱) و در سال ۱۹۴۴ کمک روسها بانان رو بازدید نهاد، بطوریکه در ماه ژوئیه همان سال ۲۴ گروه مخصوص برای تکمیل کادر بوسیله چتر نجات در میان پارتیزانها (ماکی‌ها) فرود آمدند، و در ماه اوت در سرتاسر اسلواکی یک قیام واقعی ظاهر شد. (کمیته‌های ملی) در دهکده‌ها و کارخانه‌ها املاک مالکان بزرگ را ملی کرده اموال کسانی را که با آلمانها همکاری نموده بودند ضبط و مصادر کردند. در ماه اکتبر آلمانها در جبهه جنگ اقدام بیک تعرض متقابل نمودند و این موضوع باعث شد که پارتیزانها به کو هستاناها پناه بردند. آلمانها در این عملیات

۱ - سروان Nalepka، دز نبردی که در شهر Ovroutch انجام شد کشته و عنوان قهرمان اتحاد شوروی را دریافت کرد.

۲ - Karpate - رشته جبال مهم در اروپای مرکزی X
 ۱ - صدھا نفر از فرانسویان اسین جنگی از زندانها فرار کرده خود را از هنگری بدانجا رسانده و دوش بدوش پارتیزانها تعقیت فرماده سروان Lannurien میجنگیدند.

۶۰ دهکده را آتش زده، هزاران نفر را قتل و عام نمودند. بالاخره در اوخر ۱۹۴۴ ارتش سرخ وارد اسلواکی شد.

امادر منطقه (بوهم) پیکار پارتیزانها تا بهار ۱۹۴۵ عمل آغاز نگردید. در ماه آوریل یک (شورای ملی چک) در بوهم برای هم آهنگ ساختن مبارزات بوجود آمد. در اوائل ماه مه در چندین شهر منجمله در برآک شورش و قیام ظاهر شد. در شب ۵ به ۶ ماه مه در شهر پراک هزاران سنگر برپا شد، ۳۰۰۰۰ نفر در جنگ شرکت نمودند و این پیکار تاریز ۹ ماه مه که ارتش سرخ وارد آنجاشد ادامه یافت. در این موقع یعنی از پنجم ماه مه، آمریکائی‌ها در (بوهم) غربی متوقف وطبق موافقت قبلی دیگر به پیشروی خود بطرف غرب ادامه نمیدادند.

« رئیس جمهور (بنش) با توجه کامل به سهم بزرگی که « روسیه شوروی در نجات چکوسلواکی داشت در دسامبر ۱۹۴۵ « بمسکو رفت تا یک قرارداد دوستی و کمک متقابله بین دو کشور» « امضاعنما ید، وی همچنین میکوشید که زمینه همکاری با کمونیست‌ها « را نیز فراهم نماید. طبق قراردادی که در ۸ ماه مه ۱۹۴۴ در « لندن امضاء شده موافقت شد بود که پس از ورود ارتش سرخ به « چکوسلواکی اداره امور کشور بعده مقامات داخلی کشور « واگذار گردد. در ماه مارس ۱۹۴۵ طبق یک موافقت دیگری « که در مسکو با اعضاء رسید سازمانهای (کمیته ملی اسلواک) و « سایر (کمیته‌های ملی) مانند ارگانهای اصلی دولت شناخته شده « تعدادی از کمونیست‌ها جزء اعضاء دولت جدید چکوسلواکی « گردیدند »

۳- دریونان

« مبارزات مخفی یونان در واقع کاملاً قبل از شروع جنگ »
 « یعنی از اول سال ۱۹۳۶ که حکومت دیکتاتوری (متاگزاس-۱) روی کار آمد، آغاز گردید. از آن‌ویه ۱۹۳۷ یک دسته از نهضت « طلبان موفق شدند نمایندگان تمام احزاب سیاسی منجمله سلطنت »
 « طلبان و کمونیست‌ها را تحت رهبری یک نفر لیبرال بنام »
 « (سوفولیس-۲) مجتمع نماید. دسته دیگری نمایندگان « جنبش‌های جوانان را متحده نمود و سومین سازمان از افسران جمهوری »
 « خواه تشکیل و توانست با کمیته ضد دیکتاتوری که در یاریس « تحت رهبری ژنرال پلاستیریس-۳) تشکیل شده بودار تباطب رقار »
 « نماید. از اول بهار ۱۹۳۸ بطور کلی کلمه (مقاومت) برای نشان « دادن مخالفت با حکومت دیکتاتوری بکار میرفت. »

« حمله موسولینی به یونان در یائیز ۱۹۴۰ وضع را »
 « عوض کرد، (متاگزاس) بجای آنکه در مقابل اتمام محاجت ایتالیا « مقابله شدیدی از خود نشان دهد، یک حالت عادی بخود گرفت، در نتیجه یک وضع بسیج عمومی ملی، توام با روح اتحادی مقدس، در میان « توده‌مندم خود بخود بوجود آمد که موقیت‌های غیرمنتظره ارتشی هادر »
 « جبهه‌های جنگ آن اتحاد را تثبیت و مستحکم تر نمود. »
 « ولی حمله آلمانها به یونان و پیشرفت سریع آنها تمام »
 « کشور را در یک بی‌نظمی و هرج و مرچ غوطه‌ور ساخت. از یک طرف »
 « شاه یونان و دولت وی که همیشه با دیکتاتوری حکومت کرده »
 « بود در ۲۳ آوریل ۱۹۴۱ یونان را بقصد قاهره ترک گفتند و »
 « هیچ‌گونه سازمانی برای حفظ اتحاد ملی در یونان باقی نگذارند »

Metaxas - ۱

Sofoulis - ۲

Plastiras - ۳

- « در شهر آتن از یک عدد ژنرال که معتقد بودند (محور، جنگ را)
- « خواهد برد) دولتی نشکیل داده شد ، و کشور مصیبت زده زین »
- « سلط و اشغال دولت های مختلفی در آمد که این خودزمینه تجزیه
- بعدی آن بود .

در این موقع مرکز مقاومت در کوهستانها ایجاد و بکار خودداده میداد . این مقاومت ها بواسطه نبودن راه در منطقه کوهستانی وضع مناسبی داشتند از سلاح ها و مهماتی که قبل از واحدهای نظامی مخفی کرده بودند استفاده میبرند و با ساختی و مشقت ، خوب یابد ، بدون اطلاع دولت آزاد ، بحیث خودداده میدادند ، دو سازمان جنبش مخفی شعباتی برای خود ایجاد کرده بودند (۱) یکی اتحاد احزاب دموکرات بنام (ELAS) که در آن کمونیست ها با وجود اینکه در اقلیت بودند ولی نقش اصلی اداره آنرا بعهده داشتند ، دیگری سازمان EDES که تحت فرماندهی ژنرال (زرواس - ۱) قرار داشت . اما هیچیک از این دو سازمان موفق نشدند تمام مقاومت ها و دهه دسته جات کوچکی را که وضع ناپایداری داشتند مانند دسته ژنرال (سارافیس - ۳) یا دسته سر هنگ (پساروس - ۴) بنام گروه (Ekka) در شهر (پارناس - ۵) وغیره را ، باهم متعدد وهم آهناک نمایند . اکثر این گروه ها نسبت بهم رقبای سخت و بی رحمی بودند . و در عین حال همگی نسبت

۱ - این دونهضت از سپتمبر ۱۹۴۱ وجود خود را ظاهر وعلیق نمودند .

Zervas - ۲

Saraphis - ۳

Psaros - ۴

Parnasse - ۵

به حکومت سلطنتی دارای احساسات خصمانه و قصد ایجاد یک حکومت جمهوری را در یونان ابراز مینمودند. در آتن یک سازمانی از افسران سلطنت طلب وجود داشت که گرچه با دولت یونان در قاهره مربوط بود ولی چندان فعالیتی نداشت.

قبل از آنکه واحدهای انگلیسی یونان را ترک و سوار کشتبشوند، سرویس‌های مخصوص آنها موفق شده بود چند پست فرستنده در یونان مستقر نماید که این پست‌ها بین سازمان ESO و قرارگاه متفقین در قاهره موفق با ایجاد ارتباط سریع گردیدند. همچنین انگلیس‌ها در اول اکتبر ۱۹۴۲ دوازده نفر چتر باز رادر یونان فرود آوردند که این ۱۲ نفر توانستند پارتیزانهای ELAS و EDES را متعدد نموده، در ۲۵ نوامبر ۱۹۴۵ پلی را که در روی دره (گور کوپوتاموز) آتن را به سالونیک وصل مینمود منفجر و در نتیجه قسمت مهی از نیروهای کمکی آلمان هارا که برای (سپاه افريقيائی آلمان DAK) فرستاده می‌شد متوقف و دچار وحشت سازند و در همین موقع بود که ارش سوم انگلیس توانست یک تعرض موقتی آمیز علیه آلمانها در لیبی اجرا نماید. اما مثل اینکه EDES و ELAS مقدار نبود دیگر چشین همکاری بین سازمان‌های تجدید گردد.

در تاپستان ۱۹۴۳ قبل از آنکه نیروهای متفقین در جزیره (سیسیل - ۲) پیاده شوند، مامورین انگلستان در یونان بنا به طرحی که داشتند وظایفی در مرور دخرباکاری راه آهن‌ها و پل‌ها به سازمان‌های

Gorgo-potamos - ۱

- Sicile - ۱ - حمله متفقین به این جزیره برای تهیه سریل

عظیمی بمنظور جنگ و تصرف آیتالیا بود ×

مقاآمت و اگذار کردند تا آلمانها تصویر کنند که متفقین قریبا دریونان پیاده خواهند شد: و این عملیات باعث شد یک لشکر زرهی آلمان مدتها در جزایر (پوله پونز-۲) بلاستفاده، عاطل و بی رحمانه‌ای رانیز در پی داشت چنانکه در اوایل ۱۹۴۳ سازمان ELAS به گروههای ژنرال (سارافیس) و سرهنگ (پساروس) حمله و آنها را متلاشی و سعی کرد که سازمان EDES را از بین بیرونی موفق نگردید. نمایندگان بریتانیا نسبت باین عمل سازمان مزبور عکس العمل شدیدی نشان دادند و در نتیجه آنرا مجبور و معهده نمودند که از فرماندهی قرارگاه کل متفقین در قاهره اطاعت نموده استقلال سایر گروههای مقاومت را محترم شمارد.

در ماه اوت ۱۹۴۳ حوادث تاسف انگیز جدیدی روی داد، قرارگاه کل نیروهای متفقین در قاهره که بعداً پی به اهمیت سازمان ELAS بود چند نفر از روسای سازمان مزبور را از یک فرودگاه موقتی در کوهستانها بوسیله هواپیما به قاهره آورد. درخواست های این عده عبارت از این بود که اولاً نمایندگان مقاومت در دولت پادشاه یونان (ژرژ) شرکت داشته، ثانیاً شاه معهده گردد که پس از آزاد شدن کشور به یونان باز نگردد مگر پس از مراجعت به آراء عمومی و تعیین سرنوشت حکومت سلطنتی از طرف ملت، سازمان EDES نسبت به این خواسته ها نظر مساعد داشت اما وزارت خارجه انگلستان و شخص چرچیل بشدت آنرا رد نمودند. در نتیجه رئوسای سازمان ELAS که سخت خشمگین شده بودند پس از مراجعت به یونان در سپتامبر ۱۹۴۳ شروع

به حملات جدیدی به سایر سازمانهای مقاومت نموده باستثنای سازمان سرهنگ (پساروس) که خیلی باحتیاط خود را طرفدار ELAS نشان میداد، سایر سازمانها را یکی پس از دیگری هتلابشی کردند و فقط سازمان EDES که تحت حمایت نمایندگی بریتانیا بود توانست بحیات خود ادامه دهد. نتیجه این حوادث دومین جنگ داخلی بین مبارزان مخفی خیلی واضح بود: از یک طرف انزجار و بی میل عمومی نسبت به این سازمانها افزایش یافته از طرف دیگر تشکیل (گردانهای امنیت) بوسیله دولت دست نشانده آلمان، برای جنگ علیه گریلاها تسهیل و اسان گردید.

تا چند ماه یک آشتی و صلح نیم بین سازمانهای مقاومت وجود داشت ولی در بهار ۱۹۴۴ ناگهان سازمان ELAS دو باره حملات خود را آغاز کرد. این دفعه سرهنگ (پساروس) کشته شد و با قیام نده افراد او به (گردانهای امنیت) دولتی پیوستند. در همان وقت سازمان ELAS در مناطقی کمدر دست داشت اقدام به تشکیل یک (کمیته ملی آزادی) نمود که اعضاء آن از شخصیت‌های مورد احترام عمومی، خارج از سازمان انتخاب شده بود. هم زمان با این جریان در میان افراد ناوگان یونان در قاهره شورشی پی‌آخواست و شاه یونان مجبور شد موضوع مراجعته به آراء عمومی در باره تعیین تکلیف حکومت سلطنتی پس از پایان جنگ را قبول نماید. در ماه ژوئن ۱۹۴۴ بنابه ابتکار انگلیس‌ها کنفرانسی در لبنان بمنظور تشکیل یک دولت آزاد ائتلافی یونانی برپا گردید که سران کلیه نهضت‌ها و احزاب غیر از کمونیست‌ها همه در آن شرکت داشتند و اگر چه (کمیته نجات ملی) ابتدا تایخ آن کنفرانس را رد می‌کرد ولی مسلمًا در اثر اقدام نماینده روسها

سازمان ELAS را ضي شدو يك دولت آئتلافی مرکب از نمايندگان و (کميته ملي آزاد) تشکيل گردید.

هنگامی که آلمانها شروع به تخلیه یونان نمودند پارتيزانهای یونانی حملات سختی به آنها کردند. بالاخره در ماه سپتامبر ۱۹۴۴ دولت جدید (پاپاندرو - ۱) در میان شور و شعف عمومی تشکيل گردید. وقتی که انگلیس با پشتیبانی اعضاء غیر کمونیست دولت جدید، در صدد برآمد گروههای مقاومت را خلع سلاح نماید سازمان EDES تسليم و خلع سلاح گشت ولی ELAS از انجام آن استنکاف نمود که بالنتیجه در دسامبر ۱۹۴۴ مجدداً جنگ داخلی آغاز شد.

کمونیستها با نزدیک شدن ارتش (توبولخین - ۱) به مرزهای یونان امیدوار شده و جان تازه گرفتند.

« هیچیک از مبارزان مخفی با اندازه سازمانهای مقاومت یونان به « دستجات مختلف و دشمن یکدیگر تقسیم نگردید . فرقی که « این وضع با یوگوسلاوی داشت آن بود که در اینجا کمونیستها « کاملاً سر کوبی شدند و باز هم علت آن بود که در هیچ کجا سازمان « مقاومت تشکيل شده در خارج از کشور، این اندازه نسبت به مقاومت « داخلی کشور ابراز خصوصت نکرد و این موضوع ناشی از پشتیبانی « شدید و بی دریغ چرچیل از دولت یونانی مقیم قاهره بود. حکومت « سلطنتی یونان ظاهراً فقط هدفش آن بود که مانع شود تا مقاومت « یونان در مورد طرحهای سیاسی خود بیشتر فتح حاصل نماید و مرأجعت «

Papandreou - ۱

Toboulkhine - ۲

در جبهه جنوبی روسیه +

« شاه را به یونان بدون مرأجعه به آراء عمومی جزو هدفهای نهائی »
 « پیروزی متفقین تأمین نماید . »

« اما چرچیل معتقد بود که مرأجع شاه به یونان شرط »
 « لازم نگاهداشتن یونان در داخل قلمرو نفوذ انگلستان میباشد »
 « دشاید هم تحت تأثیر اشتباهی که در یو گسلاوی هر تکب شده بود »
 « بمحض اینکه یونان (آزاد) شد تردیدی بخود راه نداد که »
 « با عناصر توریست یونان و همکاری کنندگان با آلمانها علیه »
 « کمونیست ها متعدد و متفق گردد . اما کمونیست ها هم گرچه »
 « احتمالاً قصد تشکیل حکومت جمهوری توده ای در یونان را »
 « داشتند . ولی به حال فاقد قدرت مقابله با عناصر مخالف »
 « بودند ، قدرتشان مخصوصاً وقتی بکلی سلب شد که استالن در »
 « بحرانی ترین لحظات طبق توافقی که با چرچیل نموده بود آنها »
 « را بحال خود گذاشت و رهایشان کرد » .

۳ - در یو گسلاوی

در کشور یو گسلاوی عصیان علیه اشغالگر بیش از همه جا توسعه یافته ، فوق العاده شدید و بیش حمانه بود و بصورت جبهه واقعی که حدود حاشیه آن دائمآ در تغییر مکان بود درآمد . در هیچ نجای اروپا غیر از یونان مبارزات داخلی عناصر مقاومت ، با اندازه یو گسلاوی شدید و غم انگیز نبود . وبالاخره ، هیچ کشوری مانند یو گسلاوی این اندازه ، ورزیده و در عین حال انقدر تغییر شکل داده ، از غرقاب جنگ بیرون نیامد . در حقیقت این پنجه خونین عفریت چهار سال جنگ بیش حمانه بود که نوزاد فعلی یو گسلاوی را از مادر متولد کرد .

«در آوریل سال ۱۹۴۱ کشور یوگسلاوی پس از بیک نبرد»
 «کوتاه با آلمان، مجبور شد اسلحه را بر زمین گذارد، و بلا فاصله»
 «تمام کشور و سیله آلمان اشغال و این اولین کشوری بود که تجزیه،
 دو تقسیم شد بدتر از همه آنکه ایتالیائی‌ها بیک (کرواسی هستقل - ۱) تحت
 «سلطان آنته پاولیچ - ۲) و سازمان تن و ریستی او بنام (اوستاشی‌ها - ۳)»
 «شکل داده شروع به قتل عام (سرب‌ها - ۴)، یهودیها و میهن»
 «برستان آزادیخواه نمودند. بنابراین با استی در یوگسلاوی»
 «جنگ ملت‌های داخلی را به جنگ و اشغال خارجی اضافه»

نمود»

«دولت یوگسلاوی تحت ریاست ژنرال (سیموویچ - ۵)»
 «و پادشاه جوان خود (پیر - ۶) به لندن فرار کرد. این»
 «این دولت من کب از نمایندگان تمام احزاب باستانی کمونیست‌ها»
 «بود، که گرچه بعموم افراد ملت قوت قلب و امید می‌بخشیداما»
 «دولتی بود که بدون قدرت، بدون ناگان، بدون سرزمین و عملاء»
 «بدون ارتش و کاملاً از وطن گستته، تحت تعییت کامل بریتانیا»
 «کبیر قرار داشت. در خود یوگسلاوی دیگر احزاب سیاسی»
 «اظهار وجود نمیکردند، مشهورترین سیاست مداران مانند»

Croatie - ۱
 قسمت قدیمی هنگری که پس از جنگ اول
 با صرب‌واسلووی تشکیل یوگسلاوی را دادند و امروز هم جزو
 فدرال یوگسلاوی است. ×

Ante Pavelitch - ۲

Oustachis - ۳

Serbes - ۴

Simovitch - ۵

Pierre - ۶

«ماچک - ۱) که رئیس حزب دهازان (کروات - ۲) بود، هر چند « آرزوی فتح متفقین را داشت ولی معتقد دود که در وضع موجود « نبایستی هیچگونه اقدامی در راه منافع ملت بعمل آورد . در» « شهر بلگراد یک دولتی که کاملاً آلت دست و مطیع اشغالگران بود، « تحت ریاست ژنرال (نیوچ - ۳) بوجود آمده بود.»

در میان ایق مصیبت های عمومی ابتکار عملیات مقاومت بدست دو مردم ناشناس افتاد: یکی از آنها سرنگ (میخائلویچ - ۴) بود که قبل از تسلیم اسلحه و اسیر شدن بدست آلمانها خود را به منطقه (راونا کورا - ۵) در قلب صربستان رسانید و به نهضت خود نام (چتنیک - ۶) هارا (که خاطره افتخار آمیز مبارزات شان در حنگ علیه ترکهان عثمانی مشهور بود) نهاد: طرح وی بنا به حرکه نظامی خود آن بود که او لا افسران و درجه داران ارتش را جمع آوری و با انتظار فرار سیدن آن روز فقط به اجرای پیشیج و آماده نماید، ثانیاً تارسیدن آن روز فقط به اجرای عملیات محدود و بی اثر که در مقابل فشار بی رحمانه اشغالگر هیچ نتیجه ای نداشت اکتفا و حالت انتظار بخود بگیرد. از طرف دیگر چون این افسرازنشاد صرب بود قصد آن را نداشت که یک کشور یو گوسلاوی بوجود آید، مگر اینکه صربها در آن مقدم بر دیگران باشند.

Matchek - ۱

Croates - ۲

Neditch - ۳

Mihailovitch - ۴

Ravna cora - ۵

Tchetniks - ۶

مرد دیگری که ابتکار عملیات را در دست گرفت دبیر کل حزب کمونیست یو گوسلاوی، (ژوپین پ بروز - ۱) نام داشت که به (تیتو - ۲) معروف بود . حزب وی در این موقع چندین هزار اعضاء خود را که بیشتر طبقه روشنفکران و کارگران بودند گرد آورد ولی این حزب در قدیم غیرقانونی شناخته شده بود ، و در میان افراد آن صدھا نفردا و طلبان قدیمی تیپ بین الملل وجود داشت که در جنگهای داخلی اسپانیا شرکت نموده بودند. تئوریسین های حزب تحت تأثیر شدید تئوریهای لینین منجمله تبدیل جنگ امپریالیستی بجنگ داخلی طبقه رنجبران علیه بورژوازی «قرار داشتند. روئای حزب کمونیست در تمام مناطق کشور برآهافتند و مأموریت داشتند که گروههای کوچک پارتیزانی فعال و مثبت را بوجود آورند . در روز ۱۳ ژوئیه ۱۹۴۱ در (مونتنگرو - ۳) شورشی علیه اشغالگران ایتالیائی بوقوع پیوست که کوتاه و کم دوام، ولی نوید بخش و امیدوار کننده بود. در عین حال برای اینکه تمام مردم باحسن نیت، گردهم آیند. (تیتو) تمام ملت یو گوسلاوی را به برادری و اتحاد دعوت کرده و با آنها وعده یک حکومت فدرال را پس از پایان جنگ میداد (۴).

Josip broz - ۱

Tito - ۲

Montenegro - ۳ یکی از استانهای یو گوسلاوی
۴ - سوء قصد و ترور در شهرها رو با فزایش نهاد، فقط در ماه ژوئیه ۱۹۴۱ - ۵۰ ترور در بلگراد واقع شد و ۳۰ سر باز آلمانی در Nitch کشته شدند و هواپیماهای اشغالگران در فرودگاه آتش زده شدند... و قس علھیدا . Yegodina

« این دو جنبش یو-گسلاوی با اینکه دارای اختلاف »
 « نظرهای اساسی بودند ولی در واقع طرح یک تفاهم دوچانبه را که »
 « از لحاظ موقیت پارتیزانها لازم بود ریخته بودند ، حتی »
 « پارتیزانهای صرب که در منطقه نفوذ میخائیلویچ بودندواز اول »
 « سپتامبر ۱۹۴۱ فرمانروائی یک منطقه (آزاد) کوچک را »
 « داشتند باین تفاهم دوچانبه محتاج بودند در همین موقع »
 « بود که میخائیلویچ اعلام کرد : تمام مؤسسات موجود که برای »
 « اشغالکران مفید واقع شده اند در حکومت بعدی حذف و رل »
 « اصلی رهبری فقط و فقط بهمده سلوی حزب کمونیست واگذار »
 « خواهد شد . هردو جنبش یو-گسلاوی بدون اینکه یکدیگر را »
 « فریب دهند ، ذر حالی که متقابلاً تصمیم داشتند در اولین فرصت »
 « مناسب تصفیه حساب نمایند در وضع حاضر فقط و منحصراً »
 « همکاری میکردند . قیتو که قسمت مهمی از صربستان غربی را »
 « از دست اشغالکران آزاد کرد . بود شهر (او زیس - ۱) را که »
 « دارای یک بازنگ ملی و یک کارخانه تفنگ سازی و یک چاپخانه »
 « بود برای استقرار خود انتخاب نمود . قسمتی از سلاحها بین »
 « هردو سازمان جنبش که در مناطق آزاد شده دارای فرماندهی »
 « مشترک بودند تقسیم گردید . اما آلمانها به پارتیزانها و بعضی »
 « از چربیک هائی که کم و بیش تحت تسلط میخائیلویچ بودند حمله »
 « و آنها را پراکنده کردند ، در نتیجه بعضی از چربیک ها به دسته »
 « پارتیزانها حمله ورشده (آخر اکتبر ۱۹۴۱) و پابه حکومت »
 « (ندیج) پیوستند »

متقین و حکومت صربستان در لندن ، از کلیه این حوادث بی اطلاع بودند تا هنگامی که در ماه سپتامبر ۱۹۴۱ پیامی از میخائیلویچ

از طریق جزیره مالت به لندن رسید. مثل اینگهاین پیام وحی آسمانی بود، بلا فاصله میخائیلویچ بدرجه نرالی ارتقاء وسپس عنوان وزیر دفاع ملی و سرفرا مندهی نیروها دریو گوسلاوی باو داده شد. همچنین باو دستور رسید که تمام پارتبیزانها را تحت امر خود بگیرد، در عین حال تبلیغات وسیعی بوسیله رادیو و مطبوعات در اطراف او شروع شد و اورا اولین مقام عالی در اروپا قلمداد کردند. حتی استالین هم در چنین موقعیتی از حمایت تیتو خود داری ویدو توصیه کرد که با دولت آزاد لندن تفاهم داشته، و از این که به جنبش خود یک قیافه و خاصیت خیلی صریح کمونیستی داده بود ملامتش نمود، زیرا این عمل خطر آنرا داشت که دشمن، طبقه بورژوازی میهن پرست را علیه تیتو بر انگیزاند، حتی روسیه شوروی به دولت یو گوسلاوی در لندن پیشنهاد کرد که هیئتی را نزد میخالویچ اعزام دارد ولی این دولت صرب بود که پیشنهاد ممن بوردارد کرد.

تیتو بجای تسليم به این پیشنهادها (که بعدها معتقد شد چیزی از دست نداده است) حالت تعرض بخود گرفت، در نوامبر ۱۹۴۱ نبردهایی بین پارتبیزانها بوقوع پیوست که (چیتنيک) ها موفق نشدند، طرفین اسراء جنگی و طرفداران دسته دیگر را تیرباران کردند. در این اثناء آلمانها اقدام بیک حمله مقابله نمودند، این حمله بواسطه تفرقه بین نهضت ها موفقیت آمیز بود بطوریکه آلمانها در مدت هشت روز تمام صربستان غربی را از وجود (چیتنيک ها) و پارتبیزانها پاک کردند. از آن بعد دو جنبش بزرگ یو گوسلاوی دیگر کوششی برای مصالحه و تفاهم بعمل نیاورده تا آخر همچنان مانند دو دشمن آشتبانی ناپذیر باقی ماندند.

* * *

اما تیتو و پارتیزانهای او در حالی که میدانستند اشغالگر دشمنی است که با او فقط باید جنگید، در عین حال فراموش هم نکرده بودند که (میخالوئیچ) و چند نفر معاونین بدتر از خودش تمایل و توجهشان بیشتر معطوف به مبارزات علیه پارتیزانها است، و بنابر همین تمایل در ۱۹۴۲ کرچه از متفقین اسلحه دریافت ننمودند ولی سلاحهای اهدای ایتالیا را قبول کردند.

اما تیتو حملات متواتری و پشت سر هم دشمن را تحمل میکرد که از این میان هفت حمله از همه جدیتر و سختتر بود. از ماه آوریل تاژوئن ۱۹۴۲ چهار تیپ (پرولتاریایی) او (۱) در اثر حملات آلمانها به (مونتنتگرو) و (هرزوگوین - ۲) عقب رانده شدند و از آنجا بواسطه فقر و مسکن مسدود بومی توانستند خودرا به قرار گاه کل برسانند، ناچار در صدد برآمدند راهی بطرف صربستان و شمال غربی (بوسنه - ۳) پیدا کنند، و بالاخره پس از یک ماه نبردهای مدام موفق شدند قرار گاه خود را در (بیهاک - ۴) مستقر نمایند. اما تعرض دیگر دشمن آنها را مجبور نمود که در خط سیر مخالف اولی برآه افتد، از ماه ژانویه تامارس ۱۹۴۳ پاره پیمانی در دره‌های سنگلاخ ایتالیا و در امتداد رودخانه (نرتوا - ۵) در هرز گوین

۱ - ایجاد تیپ‌های پرولتاریا بجای گروههای کوچک پارتیزانی که فقط قادر به عملیات در منطقه خود بودند، بدان معنی بود که یک جنگ طولانی و ثابت نهضت‌ها در پیش است و بایستی یک ارتش آماده جنگ در همه جا بوجود آید.

Herzegovine - ۲

Bosnie - ۳

Bihac - ۴

Neretva - ۵

تو نستند به (مونتنگرو) بازگردند. ازمه ژوئن تا اوت ۱۹۴۲ اشغالگران، ۱۲۰۰۰ آلمانی، ایتالیائی، بلغاری و (استاشی-۱) را برای جنگ با ۲۰۰۰۰ پارتیزان متمن کردند. در این عملیات ازتش تیمی موفق شد افراد خود را از محاصره نجات و به (بوسنه) برساند ولی این نجات ازمحاصره بقیمت ازدست دادن نیمی ازافراد رها کردند ۵۰۰۰ نفر مجرحی که همه بدست اشغالگران قتل عام شدند، تمام گردید. در این موقع بود که ایتالیا تسليم متفقین شد و دست پارتیزانهای یوگوسلاوی فوق العاده باز شد بطوريکه بایک ضربت قسمت مهمی از کرواسی ساحلی و جزایر (داماسی - ۲) را در دست گرفته يك قسمت از خود یوگوسلاوی را نیز ازدست اشغالگر نجات دادند. بدین ترتیب پارتیزانهای یوگوسلاوی وارث سلاحهای ایتالیا شدند و عده افراد آنها به ۲۵۰۰۰ نفر رسید.

« سازمان این ارتش نوین همکام با موفقیت‌هایی که « بدست میآورد پیش میرفت، علامت رسمی این ارتش ستاره‌سرخ » « انتخاب گردید، درجات افسران و درجه‌داران تعیین و مشخص » « شد، نشان و مدال‌های مخصوصی با عنوان قهرمانان ملی » « اختیار گردید. خود تیتو در نوامبر ۱۹۴۳ عنوان مارشال » « یوگوسلاوی پیدا کرد. در این موقع وی ستاد کل ارتش خود را » « از دفتر سیاسی حزب تفکیک و جدا نمود ولی تفوق و برتری »

۱ - Oustachis - اوستاشی‌ها افراد يك حزب انقلابی بودند که در سال ۱۹۳۰ در کرواسی ایجاد و در ۱۹۴۳ با کمک آلمانها استقلال کرواسی را اعلام نمودند.

2 - Dalmatie

« حزب همچنان محفوظماند . در هر یک از واحدهای نظامی هفتاهی »
 « دو جلسه آموزش سیاسی برای افراد در نظر گرفته شد، به اعضاء »
 « ستاد ارتش خاطر نشان گردید که آنها فقط باستی نظامی صرف باشند »
 « اما شخص قیقه در عین حال که فرماندهی عالی نیروهای »
 « مسلح را داشت و ریاست هیئت رئیسه (شورای ضد فاشیست) »
 « نیحات ملی) ، هیئت مؤسسان عالی ، و ریاست امور سیاسی و »
 « اداری جنبش را که برای اولین بار در نوامبر ۱۹۴۲ در شهر »
 « (بیهک - ۱) گردآمده بودند بعده که گرفته بود . »

تمام این فعالیت‌های پارتیزانها باشکستن دیوار سکوت پایان یافت . در جریان سال ۱۹۴۲ استالین یک پست فرستنده نیرومند تحت عنوان (یو گوسلاو آزاد) در شهر تفلیس ایجاد نمود که دائماً از فتوحات و اعمال بر جسته پارتیزانها تحلیل میکرد . همین رادیو در اوایل ۱۹۴۲ توجه متفقین انگلستانگوون را به بدناهی و ساز شکاری میخانیلویچ جلب نمود ، چند روز بعد رئیس هیئت بریتانیا صحبت این اطلاعات را تایید کرد . حکومت یو گوسلاوی در لندن پس از آنکه فهمیده بود میخانیلویچ سیاست خود را در آینده تغییر خواهد داد با کمک انگلیس‌ها کوشش بی‌نتیجه‌ای بکار برداشت این را بتواند روایت جنبش هارا نسبت بهم تعدیل نماید ، بنابراین در بهار ۱۹۴۳ هیئتی را بر ریاست سرتیپ (ماک لین - ۲) نزد تیتو اعزام داشتند . در پایان ۱۹۴۳ عدم فعالیت میخانیلویچ آشکار و چاره ناپذیر مینمود ، ناچار انگلیس‌ها تصمیم گرفتند کمک خود را بوی قطع کنند .

« اصل اين تصميم را چرچيل با اهميتي که برای سر نوشت »
 « يوگسلاوي قائل بود اتخاذ کرد . وی با اينکه هیچ »
 « گونه اطلاعی از احساساتی که به پارتيزانهای يوگسلاوي نيز و »
 « میداد نداشت معهد زاين تصميم را گرفت، زیرا او و (مالکين) »
 « تصور میکردن که ناسيونالیسم قادر است بر کمونیسم غلبه »
 « کند » و میکفند چيزی که فعلابرای ما اهمیت دارد آنست که بدانیم کی »
 « هیتواند بيشتر به آلمانه اضر بزند ؟ . در وضع حاضر چيزی که »
 « مهم است عبارت از استحکام بخشیدن بیک جبهه جدید با حداقل »
 « مخارج و سبک کردن بارغرب میباشد و برای آینده دور، چرچيل »
 « معتقد بود که اين عملیات وسیعی که توسط (شکم نرم اروپا - ۱) »
 « با کمک انگلستان انجام میگیرد بوی امكان خواهد داد تا با »
 « میانجیگری وارد عمل شده ضمناً بتواند جلوی پیشرفت شوروی را »
 « بطرف اروپای مرکزي بگیرد، عصالتاً کمک بریتانیا به تینو »
 « آنچنان توسعه یافته که در تمام دوران تاریخ مبارزات مخفی »
 « اروپا بسابقه بوده است . »

جزيره (ویس - ۲) تبدیل بیک پایگاه دریائی و هوائی . بمقصد
 يوگسلاوي شد . يك ناوگان رزمی مرکب از ۲۷ فروند کشتی
 در آنجا پهلو گرفتند ، يك گردنان هوائي (از هوایپماهای نوع
 هاريکن) بطور دائم در جزيره مستقر شد . آنها پارتيزانهای مجرح
 رابه ایتالیا حمل میکردند ، يك مدرسه توپخانه برای افراد
 يوگسلاوي تأسیس گردید . خلبانان هوایپماها ، خدمه تانکها
 در منص آموختند یافته اولین دسته آنها برای شرکت در عملیات
 آماده شدند و روی هوایپماهای که علامت ستاره سرخ داشت

پرواز کرده، آماده نبردنهاei میشدند. در همین موقع از زندانیان چنگی یو گوسلاوی هم که در ایتالیا بودند یک قسمت نظامی (لژیون) تشکیل گردید. (نیروی هوایی بالکان) متفقین که در شهر (باری - ۱) مستقر بود مأموریت های پرتاب افراد وسائیل را برای پارتیزانها بچندین برابر رسانید. در سال ۱۹۴۴ مقدار وسائلی که بوسیله پرتاب با چتر یا از راه دریا حمل و در اختیار یو گوسلاوی گذارده شد عبارت بود از ۱۰۰۰۰۰ تفنگ، ۵۰۰۰۰ مسلسل سبک و سنگین، ۱۳۸۰ خمپاره انداز، ۶۳۰۰۰ نارنجک و ۷۰۰ دستگاه فرستنده رادیو، ۱۷۵۰۰ دست لباس او نیفورم و ۲۶۰۰۰ جفت کفش بود.

پشتیبانی هوایی عملیات قیمت و سیله هوایی های متفقین انجام میشد، چنانکه در ماه مه ۱۹۴۴ هنگامی که چتر بازان آلمانی میکوشیدند بر نیروی تیتو غلبه نمایندهزار پرواز پشتیبانی بنفع پارتیزانها تیتو انجام شد. بعدها بتدریج بمبارانها تاکتیکی نیز بنا باطلاءاتی که واحد های پارتیزان میدادند انجام گردید. در ماه سپتامبر ۱۹۴۴ یک عملیات وسیع هم آهنگ شده بوسیله نیروهای تیتو و متفقین علیه خطوط موصلاتی دشمن در یو گوسلاوی انجام شد، بطوریکه آلمانها در زیر بمباران مداوم هواپیماهاتوأم با عملیات و حملات ایذائی پارتیزانها، مجبور به عقب نشینی گردیدند.

« در این موقع از لحاظ سیاسی پیکره یو گوسلاوی جدید نمودار گردید، » در تمام سرزمین های آزاد شده، (کمیته توده ای) کاملاً شبیه «

«شوروی، کلیه امور اجتماعی و اداری را در دست گرفت، در نواحی»
 «بزرگتر (شورای ضد فاشیست استان) تشکیل گردید که «
 «افراد غیر کمونیست هم در آن عضویت داشتند، ولی در نقاطی که «
 «کمونیست‌ها مشغله کرده بودند، فرمانروائی و اداره آن نقاط».
 «در دست کمونیست‌ها بود . در نوامبر ۱۹۴۳ برای دومین بار»
 «(شورای ضد فاشیست) در شهر (یازده - ۱) واقع در بوسپی «
 «اجتماع نموده تصمیم گرفته بکومنیست یوگسلاوی را در آینده بر»
 «مبنای حکومت فدرال دموکراتیک سازمان بدنه، و پادشاه»
 «یوگسلاوی (پیر) حق نداشته باشد قبل از آنکه ملت درباره اش تصمیم»
 «بگیرد بکشور من اجمع کنند! میخانیلویچ هم میخواست همین روش»
 «را تعقیب کنند، بنا بر این در ژانویه ۱۹۴۴ یک اتحادیه»
 «(دموکراتیک یوگسلاوی) تشکیل داد، اوهم برای آینده یوگسلاوی»
 «یک نوع حکومت فدرال پیش‌بینی میکرد ولی اتحادیه وی آینده‌ای»
 «در بر نداشت .

اما ، کفه ترازو بطور صریح و آشکار بنفع تیتو سنگین شده بود . (پیر) پادشاه کشور که از افرادی ها گریزان بود تحت فشار و بنا با صرار چرچیل ازلندن به قاهره عزیمت و در آنجا مستقر گردید . روز ۲۲ فوریه ۱۹۴۴ چرچیل کمکهای عظیمی را که به تیتو شده بود آشکارا اعلام نمود . در ماه زوئن ۱۹۴۴ رئیس جدید شورای یوگسلاوی بنام (چوباشیچ - ۲) رسماً قانون اساسی نوین یوگسلاوی را اعلام کرد . در ۲۵ اوت (پیش) پادشاه یوگسلاوی میخانیلویچ را از کلیه مشاغل و

فرماندهی عالی بر کنار نموده در ۱۲ سپتامبر از (چینیک‌ها) خواست که خود را تحت فرماندهی مارشال تیتو قرار دهد. در این موقع یاریز انهای تیتو وارد صربستان شده قرارگاه ستاد میخائیلوبیچ را اشغال و بنز کلیه مدارک و آرشیو ها دست یافته بودند. میخائیلوبیچ که از پناهگاهش بیرون رانده شده بود ضمناً هیچگونه پاسخی به درخواست استمداد او از طرف متفقین نرسیده بود، ناچار در صدد آن برآمد که بارئیس (اوستاشی‌ها - ۱) یعنی سرهنگ (پاولیچ) وارد مذاکره و گفتگو گردد. (۱)

ارتش سرخ به یوگوسلاوی نزدیک میشد، بلغارستان تسلیم گردیده بود، تا این موقع کمک روسها به یاریز انهای ناچیز ولی محبوبیت آنها بین مردم زیاد بود. تمام اعلامیه‌ها به جملاتی مانند «زنده باد اتحاده‌نمای اسلام» - زنده باد ارتش سرخ قهرمان» ویا «زنده باد آزادی ما و مادرما رویسیه» ختم میشد.

هیئت دولتی وارتباط روسیه در ماه فوریه ۱۹۴۴ به یوگوسلاوی رسید ولی برای اینکه در آموزش یاریز انهای نقشی را بعده بگیرد دیگر خیلی دیر شده بود. شروع به ارسال وسائل هم از روسیه تا اول آوریل به تأخیر افتاد.

۱ .. Oustachis - دسته انقلابی طرفدار آلمانها ×
۲ .. در ماه مارس ۱۹۴۵ او را در داخل غاری در صربستان بحال کرده و در مانده یافتند، سپس در بلگراد تسلیم داد که از نظامی شده پس از محاکمه در ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۶ تیرباران گردید.

«اما نزدیک شدن ارتش‌های (توبولخین -۱) وضع «سیاسی و نظامی را کاملاً تغییر داد. در ۲۱ سپتامبر بدون اطلاع» و پیش‌بینی انگلوساکسونها تیتو به مسکو پرواز کرد، و با «وعده پشتیبانی (تأمین وسائل و سلاح) یک سیاه زرهی، مناجعت» کرد. در واقع همان وقتی که مرتباً تقاضاً می‌شد، فقط یک واحد» نمونه از نیروهای انگلیسی به یوگسلاوی اعزام گردد؛ این «دارتش‌شوری بود که صربستان و (ویوودین-۲) وبالآخر بلکن ادراء» «با اعزام و پیشرفت سریع دوپیاه پارتیزان که از تمام مناطق برای «این عملیات سریع راه‌انداخته بود، آزادی بخشیده»

«سپس دوباره پارتیزانها بحال خود رهاشدند تا بمنطقه‌ای «که آلمانها (اوستاشی)‌های کرواسی در (سلوونی-۳) و (بوسنی-۴) در» دست داشتند حمله‌ور شوند. و این کار بتدریج انجام گردیده»

«در فوریه ۱۹۴۵ شورای سلطنتی باحضور (پیر) پادشاه» «یوگسلاوی به تیتو مأموریت داد که اولین دولت یوگسلاوی آزاد» «بشده را تشکیل دهد. در ۳۰ آوریل ۱۹۴۵ پارتیزانها تیتو» «وارد بندر (تریست-۴) شدند ولی ژنرال (الکساندر-۵) فرمانده ارتش» «پانزدهم امریکا به آنها اولتیماً تومداد که با استی قسمتی از تریست را «تخليه نمایند. از این لحظه بود که رابطه تیتو با متفقین غربی» «وی کاملاً قطع گردیده»

Toboulkhine -۱

Voivodine -۲

Slovénie -۳

Trieste -۴

Alexander -۵ فرمانده گروه ارتش‌های متفقین در حمله

به ایتالیا ×

در یو گوسلاوی بحران جنگ به اوج شدت و بی رحمی خود رسید. هیتلر در ۱۶ دسامبر ۱۹۴۲ فرمانی علیه پارتیزانها بوحدت خود صادر کرد که: «واحدها وظیفه دارند از کلیه وسائل حتی علیه زنها و بچه‌ها استفاده کنند، کمترین رعایت و ملاحظه نسبت به پارتیزانها جنایت علیه ملت آلمان تلقی می‌گردد» اما پارتیزانها هم آرام نه نشسته بودند، در یک دستور العمل صادره در (سلوونی) تصریح شده بود که: «جاسوس هارا بکشید، انتقام را با انتقام پاسخ دهید» یک رئیس پارتیزان در گزارش خود قید کرد که: «تعداد اعدامهای امروز ما به ۵۰ نفر عضو رسید»، پارتیزان دیگری اظهار تأسف کرد که بود که: «افراد ماقنده نفر از متفقین ما را بعلت اینکه از منابع صنعتی و قریب منطقه خود هیچ چیز پر زبان نیاوردهند تیرباران کردنده» (۱).

بدین ترتیب وقتی جنگ پایان یافت، سرتاسر کشور یو گوسلاوی را خرابی و ویرانی فرا گرفته بود. (۲) ده درصد جمعیت کشور یعنی ۱۶۰۰۰۰۰ نفر بی‌هوده در این راه جان ذاقه بودند.

- (۱) سربازان آلمانی در براین این نوع جنگ کاملاً خود را گم کرده بودند. زنرال آلمانی Rendulic در صفحه ۲۱۰ (خاطرات نبرد خود) مینویسد «که چند هفته پس از ورود من بیش از هزار درخواست از کلیه افسران و درجه‌داران و سربازان رسید که همه آنها تقاضا کرده بودند تا به جیوه روسيه منتقل شوند».
- ۲ - ۹۰ درصد راه آهن‌ها و ۸۰۰۰۰ خانه و دو سوم دامنهای اهلی از بین رفته و منهدم شده بودند.

طبق برآورده که (سر جمس گریک - ۱) در ژانویه ۱۹۴۴ نموده بود، پانزده لشگر آلمانی با پارتیزانها میجنگیدند. درحالیکه ارش اتش یو گوسلاوی فقط یک منطقه از فضای استراتژی را از دردست گرفته و راه نفوذ آلمانها را به آن منطقه بسته بود.

بطور خلاصه، پیروزی تیتو و پارتیزانهای او، از تماه پیروزیهای که مقاومت های ملت ها بdst آوردند کامل تر بود در نتیجه یک یو گوسلاوی جدید که از آتش و خون آبستن شده بود، پابعرصه وجود نهاد. مسلم است که پارتیزانهای یو گوسلاوی کمکهای انبوهی از انگلیس ها دریافت کردند ولی باید بخاطر داشت که این کمکها هنگامی داده شد که پارتیزانها قدرت خود را قبل اثابت کرده و انگلیس ها تشخیص دادند که آنها لیاقت دریافت این کمکها زا دارند، آنها تو انتند مقاصد و نظرات خود را به متفقین ... و بهم متفقین خود ... تحمیل نمایند. آنها میدانستند که چگونه سر نوش خود را بdst گرفته و آنرا مشخص نمایند.

۴- در لهستان

«در هیچیک از کشورهای اروپا، اشغال آلمان سخت‌تر و «خشون‌تر از لهستان نبوده است. در سرزمین‌های غربی لهستان «که بسیار و بطور قطع جزو آلمان شده بود بتدریج کلیه «داماں منقول وغیر منقول لهستانی‌ها را ضبط کرده، دسته آنها را «از کشور خارج و تبعید می‌کردند» در قسمت مرکزی دولتی بنام «(حکومت اصلی) بوجود آمده بود که اهالی از یک حقوق «محدود و ناپایداری برخوردار بودند. هر نوع تظاهرات مخالفت «آمیز نه تنها با عکس العمل کلی و مترافق موافجه و دعکده‌هائی» «یکجا قربانی آن‌می‌گردیدند (۱) بلکه ممکن بود بیک کشتار تدریجی «تمام مردم منجر گردد، یعنی با اقداماتی از قبیل: تقلیل مواد «غذایی، تغییر شرایط کار و تعیین مقررات سخت ازدواج، بندحوی «که بطور منظم باعث تقلیل جمعیت گردد، تمام مردم را ازبین «می‌برندند. در روز ۲ اکتبر ۱۹۴۰ هیتلر ضمن کنفرانسی اعلام «نمود که «ارباب و رئیس لهستانی وجود ندارد. آلمانها «دارباب و آقای طبیعی لهستانی‌ها هستند و بهتر است تمام افرادی» «که نماینده محافل روشنفکر لهستانی هستند قتل عام شوند. «این قانون حیات و زندگی است..» اگر طرح کشتار تدریجی «۳۵۰۰۰ مسلول و ۷۰۰۰۰ افراد مسن بمورد اجراء در نیامد بای آن» «بود که در (طرح کلی شرق-۲) در پائیز ۱۹۴۱ توسط اداره مرکزی «(رایش) پیش‌بینی شده بود پس از خاتمه جنگ ۱۶ تا ۲۰ میلیون «لهستانی را بسیاریه منتقل و تبعید نمایند.

۱- در Palmyri ۲۲ کیلو متری ورشو با نفایم یک سوء

قصد چندین هزار نفر را کشتند.

Generalplan Ost-۲

در هیچ جا، باندازه لهستان، مردم تا این حد در نهضت مقاومت یکدل و یک جان نبودند، و این تنها کشوری بود که (کیسلینک - ۱) نداشت.

مردم لهستان برای مبارزات مخفی از یک تجربیات طولانی و تاریخی برخوردار بودند. هنوز طرق مقابله و مخالفت با دشمن از زمان سلط (تزارها) در خاطر هازنده بود، معاونین مارشال (پیلسودسکی - ۲) که در جنگ بین المللی اول شرکت داشتند هنوز در قید حیات بودند. ولی تحولات جنگ، مبارزات مخفی مردم لهستان را بیک سرنوشت غمانگیزی محکوم نمود.

«پس از شکست ۱۹۳۹ از آلمان، دولت لهستان تحت ریاست «شخصی که مودت احتمام اکثریت ملت بود بنام زنرا (سیکورسکی - ۳)» در فرانسه تشکیل گردید. در ماه مه ۱۹۴۰ ارتش لهستان با «استخدام و تجهیز لهستانهای گه در فرانسه زندگی هی گردند شامل» ۸۰۰۰۰ نفر تشکیل گردید. دو لشکر آزادی ارتش در خط «(مازینو - ۴) میجنگید، یک لشکر خود را به سوی رسانده و دو» «نشگر دیگر آن خود را به انگلستان رساندند، در حالی که تیپ»

Quisling - نام سیاستمدار نروژی بعلت همکاری مخفی که با آلمانها علیه ملت خود نمود پس از جنگ در اسلو تیرباران شد. از آن بعد نام گسلینک به کسانی که با دشمن کشور خود همکاری کنند بطور استعاره اطلاق میگردید.

piIsudsky - ۲ مارشال و سیاستمدار لهستانی که باعث قیام و استقلال لهستان پس از جنگ اول گردید.

Sikorsky - ۳

Maginot - ۴ خطوط دفاعی معروف فرانسه در جنگ دوم که وسیله آلمانها دور زده شد.

« (نارویک - ۱) لهستانی هم وارد انگلستان شده بوده افسانه»
 « لهستانی که در فرانسه باقی ماندند ، اسم مهمنترین شبکه»
 « اطلاعاتی فرانسه را بنام (F۲) وجود آوردنده لهستان در»
 « تمام مدت جنک با نیروی قابل توجهی که داشت وظیفه خود را
 د در راه و روشی که مورد قبول بلاشرط نهضت مقاومت داخلی »
 « بود انجام داد »

« با این حال و با وجود توده ای از مردم خشمگین »
 « گاهی بنای دولت لهستان امکان فراهم کردن کمک وزارتی کامل »
 « مبارزات مخفی مشکل و سخت میگردید . از ماه سپتامبر ۱۹۳۹ »
 « مخابرات رادیوئی بین لهستان BBC و از ۳۰ سپتامبر همان سال »
 « ارتباط با رادیوی فرانسه برقرار شد و پس از شکست فرانسه ارتباط »
 « با لندن و دورتر هم ادامه یافت (۱). یک پست فرستنده با نام »
 « مستعار مبارزه مخفی که ظاهراً فرض میشد ازورشو مشغول پخش »
 « اخبار است در اختیار دولت لهستان آزاد بود . این فرستنده »
 « نقش بسیار مهمی را در پخش دستورالعمل ها ، اخطار به اشغال - »
 « گران و گزارش اخبار را بعده داشت ، حکومت لهستان استفاده »
 « زیادی از این فرستنده در مخابرات دیگری که بسوی BBC میشد »
 « بعمل می آورد . اما برذ این فرستنده در اثیر اقدامات »
 « پیش گیری و معاونتی آلمانها و منطبق کردن گیرنده ها روی »
 « امواج آن ، محدود شده بود . با این اقدامات دیگر رادیو نتوانست »

۱- از اوخر سال ۱۹۴۲ پخش رادیو آمریکا نیز شروع
 شد ولی ظاهراً با مقاصد حکومت لهستان چندان منطبق نبود و
 به سازمانهای روسها نزدیک تر بود چنانکه حکومت مزبور در
 اینمورد یاد داشت اعتراض آمیزی به (وزارت خارجه) آمریکا
 ارسال داشت

«دل اساسی را در مبارزه مخفی مردم اروپای غربی بعده داشته»
 «باید و این جهت گفتارها و پخش مطالب فقط بوسیله تهیه»
 «و توزیع جزوها و چاپ و توزیع مکرر آنها عملی نمیشد.»
 «ازطرف دیگر برای هدایت و آماده کردن مقاومت داخلی»
 «در ستاد ارتش لهستان در لندن، از سال ۱۹۴۱ یک رکن ششم»
 «بوجود آمد که همراه شعبه لهستانی SOE فعالیت میکرد و وقتی»
 «خواستند یک هوایپیماروی لهستان اعزام دارند، بواسطه زیادی مسافت»
 «تامانطقه (حکومت اصلی)، و کم بود شعاع عمل هوایپیماها»
 «این کار ممکن نگردید. از فوریه ۱۹۴۲ تا آوریل ۱۹۴۳ لهستانی‌ها»
 «۱۰۴ پرواز پشتیبانی هوایی در خواست نمودند که فقط ۱۲»
 «پرواز آن انجام دار ۹ پرواز آن موفق شد ۸۴ نفر چتر باز و دو»
 «تن وسائل رادر لهستان فرو رینند. پس از آنکه هوایپیماهای»
 «جدید (لانکاستر - ۱) و (لیبراتور - ۲) با شعاع عمل زیادتری»
 «وارد عمل شدند اوضاع رو به بهبودی نهاد ولی باز باید منتظر»
 «سال ۱۹۴۴ میشدن تا پایگاههای پرواز هوایپیماها در ایتالیا فراهم»
 «گردد زیرا از آن ببعد دیگر عملیات صورت روزانه پیدا کرده»
 «بود ولی، باز هم تعداد هوایپیماها افزایش قابل توجهی نداشت»
 «و مناطق شرقی لهستان هیچگونه کمکی دریافت نمیکرد.»
 «از جمیع ۱۳۰۰ پروازی که در خواست شده بود ۸۵۸ پرواز»
 «اجرا گردید که از این تعداد فقط ۸۳۴ مأموریت به نتیجه رسیده»
 «و توانست ۳۴۵ نفر چتر باز و در حدود ۶۰۰ تن وسائل و یک»

«کمک مالی معادل ۴۰ میلیون (زلوتوی - ۱) را به لهستان»
«بر ساختند.»

در چنین شرایطی ادامه حیات نهضت مبارزه مخفی لهستان، هم آهنگی و انطباق آن نسبت به دولت خود در لندن بسیار قابل توجه بود. ابتدا گروههای کوچکی با اسمی پرمعنایی مانند (انتقام جویان)، (مشیت الهی) و (دست خونین) وغیره بوجود آمدند. این گروهها در اوایل سال ۱۹۴۰ باهم متحد شده، عنوان (اتحاد برای مبارزه مسلحانه) وسپس عنوان (ارتشر داخلی-AK) را برای خود انتخاب نمودند که در حقیقت یک ارتشر واقعی باکادری از افسران عالی رتبه و درجه داران و رزیده بود.

از طرف دیگر چهار حزب اصلی لهستان بنام، سلوسیا لیست، دهقان، کارگران مسیحی و حزب ملی در تاریخ ۱۵ اوست ۱۹۴۳ در روزنامه (جمهوری لهستان) وابسته به مبارزه مخفی حکومت لهستان، صریحاً اعلام و تأیید نمودند که ملت لهستان تصمیم دارد، با آنها رفتاری متساوی الحقوق باملل متفق، شده تمامیت ارضی آنها محفوظ و در غرب دسترسی وسیعی بدريای داشته باشند بدون اينكه يك وجب از خاک خود را در شرق از دست بدهند. در ۹ ژانویه ۱۹۴۴ اين چهار حزب تشکيل (شورای اتحاد ملی) را داده و در ۱۵ مارس رسماً اعلام نمودند که منطقه (گدانسک-۲) (واقع در سیلزی - ۳) قسمت (اوپول)

-۱ واحد پول لهستان Zlotys

-۲ Gdansk

-۳ Silezie

-۱) وناحیه بین (ادر-۲) و (نوتر-۳) با یستی به مادر میهن پر گشته بعلاوه لهستان با یستی قسمت وسیعی از آلمان شکست خورده را اشغال نماید.

در سرزمین هائی که به آلمان ضمیمه شده بود، اخراج و تبعید لهستانی ها امکان هر نوع عمل دامنه داری را غیر ممکن پاخته بود ولی در منطقه (حکومت اصلی) ادارات لهستان باقی مانده و بقدرتی که میتوانستند مقاومت میکردند. و باید گفت این دولت، یک دولت مبارزه مخفی بود که در سرزمین های اشغالی طبق دستور العمل دولت آزاد در لندن مبارزه را ادامه میداد.

«شبکه های اولیه اطلاعاتی بواسطه کمبود افسران متخصص» جی تجریبکی زیادی از خود نشان میدادند ولی بعداً سیستم فنی این «شبکه ها» با رسیدن ۳۳ نفر مأمور از لندن به بود زیادی یافت. «این شبکه ها بخصوص با مرآقبت و دید بانی کلیه حرکات واحد» «های آلمانی و مخابره نتایج این مرآقبت ها به لندن طبق علائم خاص» «با عث شدند که چرچیل استالین را از حمله قربانی و قوعارتش» «آلمان مطلع نماید. ولی این اعلام خطر بی فایده و بی اثر بود» «واستالین توجهی بدان نکرد. همین مأمورین شبکه ها تو اشتند» «بعداً در سازمان غیر نظامی (تودت - ۴) نفوذ کرده بدنبال واحد» «های آلمانی تاولکا و فرقان پیش بر وند در حالی که در خود آلمان» «هم در فعالیت های اقتصادی رایش سوم مخصوصاً در دریای بالتیک»

Opule - ۱

Noter - ۳

Oder - ۲

Todt - ۴

«جاسوسی میکردند . در این فعالیت این شبکه‌ها در سه مورد »
 «شاهکارهای بر جسته‌ای بوقوع پیوست: یکی در بهار ۱۹۴۳ که »
 «فعالیت آلمانها را در مورد ساختمال بمبهای موشکی در(بنی این)»
 «مونده - ۱) کشف و اطلاع دادند..

«دیگری در زانویه ۱۹۴۴ هنگامی که در (بلیزنا - ۲) »
 «نژدیک (کراکوی - ۳) تجربیاتی در روحی موشک هامیشد، موقعیتی»
 «پیش آمد تا قطعات مختلفی را که تحت آزمایش گروهی از »
 «مهندسين لهستانی قرار داده شده بود مورد مطالعه قرار داده »
 «نتایج بررسی را به لندن ارسال دارند، در نتیجه انکلیس‌ها »
 «اطلاعات ذیقیمتی از سلاحی که آنها را مورد تهدید و خطر قرار »
 «میدادند آوردن. سوهین شاهکار این شبکه عبارت از ارتباطی »
 «بود که تو انسنند بین نهضت مقاومت لهستان و بازداشگاههای »
 «آلمانی ایجاد کرده بدین ترتیب محل اردوگاههای کشتار دسته »
 «جمعی انسانها مانند: (آشویتس - ۴) و (پیرکناو - ۵) را به »
 «متفقین اطلاع دهند. از سال ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۳ بطور متوسط ماهانه »
 «۳۰۰ گزارش بوسیله این شبکه‌ها ارسال میشد که از این تعداد »
 «آنچه فوری بود وسیله رادیو، و بقیه توسط پیکهای رابط از راه »
 «برن، بوداپست، و استکلهلم ارسال میشد.

در روز ۷ دسامبر ۱۹۳۹ دولت لهستان آزاد در فرانسه
 (دستور کار شماره - ۱) خود را که بعداً در ۱۹ مارس ۱۹۴۰

Blisnoa - ۲ - Feenemunde - ۱

یکی از شهرهای لهستان در کنار رود Cracovie - ۳

ویستول است ×

Birkenau - ۵

Auschwitz - ۴

تبديل به دستورالعمل های مخصوص فرماندهی نواحی (AK-1) گردید، منتشر نمود. در این دستورالعمل ها اقدام بهر نوع خرابکاری انفرادی منع شده در عوض میباشد. فقط خرابکاری های کلی بموردمجا در میاند. اولین طرح خرابکاری با تعرض آلمانها بطرف غرب منطبق شده بود که در این موقع نهضت مقاومت لهستان بایکدین امید با رعایت احتیاط و سکوت خودرا نشان میداد. تا اینکه در روز ۱۸ زوئن ۱۹۴۰ ژئرال (سیکورسکی) دستور داد عملیات رامتوقف نمایند. مرحله دوم عملیات بمنظور کند کردن جریان حمل و نقل تدارکات روسیه به آلمان که طبق پیمان روس و آلمان انجام میشد، اجرا گردید.

« پس از بهم خوردن پیمان روس و آلمان یک طرح وسیع، « و در عین حال مشکلی تهیه گردید که طبق آن میباشد سازمان « عقبه ارتش های آلمان را حتی در سرزمینهای روسیه، اوکرانی» « و روسیه سفید مغلوش و متلاشی نمایند. اما اشکالاتی از « قبیل جازدن و اغذیه مأمورین، کمبود مواد منفجره و « مخصوصا عدم هم آهنگی با پارتیزانهای شوروی، موجب شدند که « نتایج حاصله متناسب با فعالیت ها و تلاشهای نباشد. با این وصف، « سازمان مقاومت لهستان تنها در سال ۱۹۴۱ موفق شد ۱۹۳۰ « لوکوموتیو را خراب کرده، ۹۰ قطار را از خط خارج و ۲۳۷ « حریق در وسائل حمل و نقل ایجاد نماید. » اعمال متقابل و انتقام جویانه آلمانها بطوری شدت یافت که لازم بود نهضت مقاومت از سال ۱۹۴۲ کاملا مراقبت

و نظارت نماید . در ۱۸ اکتبر ۱۹۴۲ نهضت مقاومت برای ارائه قدرت، عملیات خود را در اطراف ورسو با قطع هشت رشته راه آهن در آن واحد شروع و در ۱۶ نوامبر پنج قطار را از خط خارج و بهمین نحو بکار خود ادامه داد . ازاول سال ۱۹۴۴ طرح (ژولیا - ۱) عملیات خرابکاری را بین رود (ویستول - ۲) و رود (سان - ۳) گسترش داد و اگر طرح (او - ۴) که در آن پیش بینی شده بود تا در موقع پیاده شدن متفقین در نزماندی برای جلوگیری از نقل و انتقال نیروها از شرق به غرب اقدام بخرا بکاری گردد بمورد اجر گذارده نشد ، مربوط به اشتباه یا خبط سازمان مبارزه مخفی لهستان نبود بلکه علل دیگری موجب آن گردیدند .

جنیش مقاومت وابسته به دولت لهستان آزاد در لندن جمماً تعداد اقداماتی را که از طریق مبارزه مخفی بعمل آورد چنین ثبت نموده است : ۷۰۰۰ لوکوموتیو و ۱۹۰۰۰ واگن منهدم و یا خراب گردید - ۷۳۲ مورد قطارها از خارج و ۴۴۳ حریق در قطارها ایجاد نمودند - ۳۸ پل رامنفجر و ۶۰۰۰ آلمانی را ترور و ۲۵۰۰۰ خرابکاری های متفرق دیدیگر انجام داده اند .

یک نوع مقاومت دیگری که فقط مخصوص لهستانی ها بود عبارت از آموزش و تعلیمات عالیه جوانان و سیله سازمان های مبارزات مخفی میبود : پس از آنکه آلمانها استادان دانشگاه

Julia - ۱

Vistule - ۲

San - ۳

Eva - ۴

(کراکوی) را توقیف و تبعید کرده، دانشگاه ورشو را بستند
دیگر کلیه تعلیمات عالیه از ماه سپتامبر ۱۹۴۱ ممنوع فقط
اجازه دادند که تعلیمات ابتدائی و متوسطه و فنی بمقدار بسیار
کمی باقی بماند...

این دیگر آینده لهستان بود که نیازی گرفته
بودند.

بنابراین سازمان جنبش های مخفی فوراً دوره های مخصوصی را
برای کلیه رشته های تخصصی با ۲۵۰۰ داشجو در (کراکوی)
(ورشو) و (پزان) تشکیل دادند. امتحانات این داشجویان
وسیله استادان انجام و دیپلم های مخصوصی که با بیان مناسب
نوشته شده، با مضاعع مستعار استادان رسیده، هو قیمت داشجو را
تأثیید و تصویب مینمود. بدین ترتیب ۱۵۰ جزو دوره های علمی وسیله
استادان تهیه، چاپ و توزیع گردید.

«نهضت مقاومت لهستان در سال ۱۹۴۰ در سرزمین های
شرقی کشور که تحت اشغال روسها بود تشکیل و به روسها هم بهمان»
«چشم نگاه میکردند که به رایش سوم، اما پس از حمله آلمان به»
«روسیه با واسطه انگلیسها مذاکراتی بین لهستان و روسیه انجام»
«و منتهی به موافقت نامه ۳۰ زوئیه ۱۹۴۱ (سیکورسکی - مایسکی - ۲
گردید».

«در نتیجه روابط سیاسی ب لهستان ایجاد و روسیه متعهد»
«شد زندانیان لهستانی را آزاد کرده یک ارتش جدید لهستانی»
«از آنها در روسیه تشکیل بدهد».

۱ - Poznane - شهر معروف لهستان مولد هندنبورک X

2 - Maisky - Sikorsky

«در عین حال سازمان رادیوی روسیه یک فرستنده مخصوصی، «برای لهستانی‌ها در (کوی بیچف - ۱) ایجاد واداره آنرا به، «روزنامه نگاران کمو نیست سپرد. موافقت نامه دیگری بمنظور» «مبادله اطلاعات تهیه وطبق آن یک اداره لهستانی در نزدیکی» «مسکو تشکیل گردید که مأموریت داشت در مدت چند ماه با، «فرستنده های نهضت مبارزات مخفی لهستان تماس و ارتباط حاصل، «نماید. ولی در این همکاری روس و لهستان بزودی یک اشکال، «بزرگ بوجود آمد زین استالین قبول تمامیت ارضی لهستان را طبق» «وضع موجود قبل از جنگ مطلقاً رد نمود. همچنین مسئله خط، «مرزی حدود شرقی لهستان و روسیه لایتحل هاند. در این این، «عدم موافقت‌ها بود که حوادث واتفاقاتی بوقوع بیوست که روز، «بروز شدیدتر میشد؛ اسراء جنگی و لهستانی‌ها باز داشت شده» «با احساسات ضدروسی اظهار میداشتند که قرباً آزاد میشوند و، «جز ترک فوری کشور روسیه اشتیاق دیگری ندارند. طبق تصویب، «دولت لهستان یک سپاه تحت فرماندهی ژنرال (آندرسن - ۲)، «من کب از ۴۰۰۰۰۴ نظامی و ۲۵۰۰۰ غیر نظامی که بن حمت جمع، «آوری شده بودند از روسیه بایران منتقل و در آنجا از ماه اوت، «۱۹۴۲ تحت اختیار انگلیس‌ها قرار گرفتند (۳) در صورتی که، «(سیکورسکی) با این عمل مخالف و معتقد بود که سپاه مزبور»

Kouïlicheu - ۱

Anders - ۲

-۳- افراد سپاه منبور در سال ۱۹۴۴ در جنگهای ایتالیا دوش بدش متفقین جنگیده و کوه کاسینو را تصرف و شهر Ancône را اشغال کردند.

«دوش بدوش روسها جنگیده و پیر وزمندانه وارد کشور خود یعنی لهستان»
«گردند»

پس از آن دینگر راه سیاست روسیه نسبت به لهستان روش
وقطعی شد : در دسامبر ۱۹۴۱ استالین سازمان (اتحادیه میهن
پرستان لهستانی) را تحت ریاست (وانداوالیسوسکا - ۱) بانوی
ادیب لهستانی وسنهنگ ارتشن سرخ تشکیل داد، سپس کمونیست
های لهستانی که وسیله روسها در خاک کشور خود با چتر فرود
آمدند (حزب کار گر لهستانی) را بشکل یک سازمان نظامی
و بنام (گارد توده‌ای) بوجود آورند . این سازمان از ترس
اینکه مباداً تو اند نصیح گرفته و توسعه یا بدراوا ائل سال ۱۹۴۳ به ارتشن
داخلی لهستان (AK) پیشنهاد کرد که خود را از لحاظ تاکتیکی
تحت اختیار آنها قرار دهد ولی ارتشن داخلی پیشنهاد آنها را
رد نمود، درنتیجه شبکه های اطلاعاتی که وسیلهمام مردمین چتر باز
کمونیست در اروپای شرقی تشکیل شده بودند گزارش‌های
خود را فقط به مسکو مخابره نمی‌کردند . یک پست فرستنده جدید
با نام مستعار نهضت مبارزه (کوسیوزکو - ۲) در نزدیکی
مسکو ایجاد شد که با فرستنده لنن بنام (سویت - ۳) رقابت کرده
بحث‌ها و بررسی‌های سیاسی را مستقیماً خطاب به مردم لهستان پخش
مینمود . در این موقعیت مخصوص، کمک و پشتیبانی روسها در
چارچوب کمکهایی که به پارتبیز آنهاشای شوروی می‌شد فقط به
گروههای لهستانی واقع بین رود ویستول و رود زبوگ - ۳)
انجام شده از ساحل چپ ویستول با نظر فیچگونه کمکی
دریافت نمی‌کردند .

ناگهان در ماه اوریل ۱۹۴۳ رادیو آلمان صریحاً اعلامیه‌ای صادر نمود مبنی بر آنکه در جنگل (کاتین - ۱) روسیه، جسد هزاران سرباز لهستانی مقتول وجود دارد. حکومت لهستان در لندن از سازمان صلیب سرخ بین‌المللی تقاضای تحقیق در این مورد را نمود ولی روسیه شوروی بجای پاسخ در ۲۵ آوریل روابط سیاسی خود را با دولت مذبور قطع کرد و بعد از احادث دیگری بسرعت پشت سر هم واقع شدند.

یک (جمعیت میهن پرستان لهستان) در روسیه مأموریت یافته‌ند که یک ارتش لهستانی تحت فرماندهی ژنرال (برلینگ ۲) تشکیل و همین جمعیت در ژانویه ۱۹۴۴ (کمیته‌های لهستانی) را در مسکو ایجاد نمودند. از طرف دیگر ارتش داخلی KA هم اقدام به تأسیس یک کمیته ضد کمونیستی نموده پس از آنکه متفقین را از خطر حکومت دیکتاتوری توده‌ای منجمله حکومت شوروی آگاه نمود، چهار حزب غیر کمونیست لهستان هم اعلامیه‌ای دائر به منع هر گونه بحث و مذاکره در مورد مزهای شرقی را با روسیه و یا هر نوع اقدامی را بمنظور تحمیل (آن نوع حکومتی که از شرق بیاید) صادر کرد. در نهضت مبارزات مخفی مردم لهستان، هیچ چیز جز اتفاق رأی و اتحاد کلمه وجود نداشت بدتر از همه آنکه لهستان اولین ملتی بود که مورد هجوم هیتلر قرار گرفت و در عین حال به مبارزه علنی با یکی از سه متفق بزرگ که ارتشهای اوپری و زمدانه به سرزمین هایش نزدیک میشدند، پیا خاست.

« با پیش بینی ورود ارتش سرخ به لهستان ، زنرال ،
 « (بور-کوموروفسکی - ۱) فرمانده ارتش داخلی K ، در اول
 « نوامبر ۱۹۴۳ دستورالعملی خطاب بواسطه ای از این ارتشار خود صادر نمود »
 « که : آلمانها را که در حال عقب نشینی هستند با عملیات ایدائی »
 « خود تعاقب کنید ، در هیچ موردی به سربازان شوروی حمله نکنید »
 « از اقدام به نوع عمل خصم‌مانه نسبت به پارتیزان‌های روسی »
 « احتراز نمائید و در صورت لزوم واحدهای پارتیزان خود را »
 « بدین منظور تغییر مکان دهید . ولی در عین حال به چوجه پیشنهاد »
 « داخل شدن در ارتش شوروی را هم نباید بذیر اسازمانهای مقاومت »
 « کنندگان با یستی خود را نمایند کان صالح اداره لهستانی معرفی کنند »
 « در (ولهینی - ۲) آنجائی که اولین تماس با روشهای حاصل شد . »
 « روشهای مقاومت کنندگان لهستانی در مواقعي که صالح نظامی
 « و تاکتیکی ایجاب میکردمانند واحدهای منظمی از ارتش لهستان »
 « در فتار نموده خیلی از آنها را هم داخل سیاه (برلینک) نمودند . »
 « اما ارتش داخلی لهستان (AK) خشونت خاصی از خود نشان داد . »
 « زنرال (بور-۳) در یک دستور عملیاتی دیگر که در بهار ۱۹۴۴
 « صادر کرد تصریح کرد که : شهرهای مهم را پس از خروج »
 « آلمانها و قبل از رسیدن روشهای اشتغال کنید . در دستورالعمل »
 « دیگری بناریخ ۱۲ زوئیه ۱۹۴۴ توصیه شده بود : در صورت »
 « بر روز مخاصمه ای با روشهای واحدهای خود را منحل کنید ولی « اگر »
 « در مورد خاصی وضع متفاوت با اتفاق نا مطلوبی شد و روشهای اقدام »
 « و پیش دستی به حمله کردن ... باید از خود دفاع کنید » . در »

Bor - Komorovsky - ۱

Volhynie - ۲

Bor - ۳

«اینموقع (شورای اتحاد ملی) مجتمعی از چهار حزب غیر »
 «کمونیست تشکیل واعلام داشت که : «برای اینکه آزادی لهستان»
 «را که در عین حال آزادی اروپاست حفظ نمائیم جداً مصمم به »
 « مقاومت در برای حمله جدید روسها هستیم » .
 «نژدیک شدن ارتش شوروی باعث شد که نیروی کمونیست‌ها »
 «روبا فزايش نهد. چنانکه (گارد توده‌ای) که در ۱۹۴۲ فقط »
 «در صدد آن بود تا تأسیسات کشاورزی را که برای اشغالگران »
 «مفید باشد خراب کند، در ۱۹۴۳ دوست و هفده نبرد با آلمانها »
 «نموده، و در ۱۹۴۴ موفق شد که ۹۰۰ نبرد با آلمانها انجام ، »
 «۳۰۰ قطار را از خط خارج و تعداد افراد خود را به ۵۵ ها هزار بساند.»
 «اما در مورد سپاهی که در روسیه تشکیل شده پس از آنکه ارتش »
 «داخلی A K هم جزو آن گردید و در سرزمین‌های آزاد شده وسیله »
 «دارتش سرخ نیز عده استفاده جزو آن شدند، ذرماه اوت ۱۹۴۴ »
 «جمع تعداد آن به ۹۰۰.۰۰۰ نفر رسید .

«بین (ارتش توده‌ای) و (ارتش داخلی A K) تمام‌های »
 «مختص و کوتاهی حاصل شد ولی بی‌اعتمادی همچنان ادامه داشت .»
 «بین حکومت لندن و (کمیته نجات ملی لهستان) که مشهور به »
 «کمیته (لوبلن-۱) بود چگونه تماسی حاصل نشد. ولی بهر حال »
 «از هرجا که ارتش سرخ می‌گذشت کمیته (لوبلن) با موافقت روسیه »
 «شوری، قدرت را در دست می‌گرفت و احکام و تصویب نامه‌هائی »
 «صادر و بسرعت اقدام به رفورم‌های کشاورزی مینمود، (استان‌های اسلامی »
 «میکولا زیک - ۲) رئیس دولت لهستان آزاد در لندن طرفدار »

« تسلیم شدن در برابر کمونیست‌ها و تشکیل یات حکومت ائتلافی »
 « با آنها بود، بنابراین در اول ماه اوت ۱۹۴۴ مسافرتی به
 « مسکو نموده پس از مراجعت نظرات او مورد تصویب اکثربت »
 « احزاب حکومت وی واقع نشده و مذاکرات قطع گردید.

دریک چنین محیط بی‌اعتمادی بود که ارش شوروی به رود
 ویستول نزدیک شد، خواستی که قبل واقع شده بود بهیچوجه
 امیدبخش و تشویق کننده نبودند : مثلاً واحدهای ارش داخلی
 در (کوول - ۱) بدون اینکه کوچکترین کمکی ازو عده‌های
 روسیه دریافت کنند به تنها ای با آلمانها جنگیده بودند - در
 (ویلن-۲) با اینکه روسها وله ستاینها در تصرف شهر مزبور همکاری
 کرده بودند رؤسای واحدهای ارش داخلی AK بازداشت و
 زندانی گردیده بودند - در (لووو - ۳) ژنرال (کونیف - ۴)
 فرمانده روسی رسماً به فرمانده ارش داخلی اعلام کرد که
 ولایات ساحل راست ویستول تحت نظر روسها درآمد و واحدهای
 AK در آنجاها منحل و رؤسای آنها زندانی گردیده‌اند - در شهر
 ورشو نیز با اینکه نیروهای ارش داخلی مأموریت جلوگیری
 از رورود و عبور آلمانها را در شهر داشتند معهذا در ۱۶ اوت منحل
 گردیدند.

در برابر این اوضاع دولت لهستان در لندن تصمیم بسیار
 مهمی گرفت : قیام و شورش ورشو علیه آلمانها.

۱ - Kowel

۲ - Wilno

۳ - Lwow

۴ - Koniev

این تصمیم بیشتر جنبه سیاسی داشت تاناطامی، زیرا میخواستند روسها رادر مقابل یک عمل انجام شده «یعنی نجات پایتخت بوسیله مقاومت، کنندگان، بدون دخالت روسها» قرار داده، بدین ترتیب قانونی بودن دولت لهستان را در لندن بر آنها تحمیل نمایند.

این قیام شبیه شورش مردم پاریس نبود و وضعی کامل متفاوت با آن داشت زیرا تمام پلهایی که ارتش میتوانست از آنجا پایتخت نزدیک شود توسط روسها منهدم شده بود و چون دولت لهستان آزاد در لندن قبل انگلوساکسونها رامطلع نکرده بود، در نتیجه قیام مبارزین مخفی بدون انتظار هیچگونه کمکی از خارج در معرض حمله و هجوم با آلمانها قرار گرفت والبته در چنین شرایطی ممکن نبود که اوضاع بیک فاجعه وحشتناکی منتهی نگردد.^(۱)

شورش در اول اوت برپا شد، ۲۰۰۰۰ نفر مسلح به تفنگ و مسلسل و با مهمات هفت روزه که بیشتر در کارگاههای کوچک زیر زمینی ساخته شده بود در مقابل ۴۰۰۰۰ نفر آلمانی سربه طغیان برداشتند. شورشیان دارای یک پست فرستنده بنام (آذرخش - ۲) بودند که از ۸ اوت تا ۴ اکتبر مرتباً بزبان

۱ علت این تصمیم کاملاً روشن نیست - ژنرال اندرس مینویسد که وی، و ژنرالیسم Sonkowsky مخالف این شورش بودند - میکولا یوشک در این موقع بروسیه پرواز کرد - اما بهتر ترتیب این فرمان طبق تصمیم هیئت وزراء و تصویب رئیس جمهور صادر گردید.

لهستانی و انگلیسی مطالبی را پخش میکرد . عکس العمل آنگلو ساکسونها چندان توانم باعلاقمندی نبود . حکومت لهستان در لندن در مدت چندین روز موفق شد حتی یک پیام بوسیله BBC برای اهالی ورشو بفرستد . لیکن بعداً انگلیس‌ها اقدام به تجهیز شورشیان کردند ۲۹۶۵ هواپیما که اکثر آنها آمریکائی بود مورد استفاده قرار گرفت و با ۱۹۰ فروند آنها تو انتند ۲۳۳ تن مواد مختلف را با چتر شهر ورشو فرو ریزند .

در داخل شهر در روز اوت پارتیزانهای کمونیست به شورشیان پیوسته در تحت فرماندهی ارتش AK قرار گرفتند . ولی ارتش‌های شوروی بفرماندهی (روکوسوفسکی - ۱) ، و هواپیماهای روسی تاروز ۱۰ سپتامبر در ساحل راست رودخانه ویستول همچنان بی حرکت ماندند . در عین حال استالین با جنایت کاران مسئول (حادثه ورشو) شروع به مذاکره نمود . — خلاصه، شورشیان در مقابل حملات تانک‌ها و توپهای هجومی ، و بمباران هواپیماهای آلمانی جنگیدند و سنگرهای آنها یکی پس از دیگری سقوط کرد . در چهل و یکمین روز قیام ورشو، ارتش سرخ برای حمله به حومه شهر پراکن بحرکت درآمده و پس از چهار روز آنرا تصرف و در همین موقع بود که اقدام به گذشتن از رود ویستول و تصرف چند سرپل در آن طرف رودخانه نمودند . چندین گردن از ارتش (برلینگ - ۱) سعی کردند در چند مورد با

۱ - Rokossovsky فرمانده گروه ارتشهای یکم روس

سفید ×

Berling - ۲

شورشیان تماس حاصل نمایند ولی در ۲۳ سپتامبر دوباره به ساحل راست ویستول مراجعت کردند. از اول سپتامبر روسها شروع به فروریختن چتر باز نمودند که تعداد واقعی آنها هم بین روسها و لهستانی‌ها مورد بحث است. در ۲۸ سپتامبر پس از اینکه ژنرال (بور - کوموروفسکی - ۱) آخرین دعوت خود را خطاب به (روکوسوفسکی) فرستاده به جنگ با آلمانها پایان داد. ارتش داخلی AK در این شورش ۱۰۰۰۰ کشته و ۷۰۰۰ مجروح داشت. تلفات مردم غیر نظامی بسیار زیاد بود، خرابه‌ها روی هم انباشته شد - و بدنبال آن آلمانها ویران کردن شهر ورشو را تکمیل نمودند.

از آن پس حوادث پشت سرهم و بسربعت اتفاق افتادند.

عرض زمستانی روسها در ۱۲ ژانویه ۱۹۴۵ آغاز و برق آسا از خاک لهستان گذشتند. ارتش داخلی K تحت امر آخرین فرمانده خود ژنرال (اوکولیکی - ۲) منحل و هزاران افسر و سرباز آن وسیله روسها بازداشت شدند. هیئت انگلیسی تحت ریاست ژنرال (هودسن - ۳) که در آخر دسامبر ۱۹۴۴ به لهستان آمده بود برای اینکه بازداشت نشوند، خود را مخفی کرده سپس به کشور خود باز گشتند. رئیس حکومت لهستان در لندن (میکولاژزیک - ۴) که در راضی کردن همکاران خود بیک نوع

Bor - komorovsky - ۱

Okulicki - ۲

Hudson - ۳

Mickolayczyk - ۴

قرار مصالحه و توافق با روسها شکست خورده بود، استعفا داد. و بعداً امکان هیچگونه رابطه‌ای بین دولت لهستان در لندن و مسکو بوجود نیامد. روسیه شوروی در ژانویه ۱۹۴۵ (کمیته لوبلن - ۱) را بجای حکومت موقتی لهستان بر سمت شناخت. با وجود ابراز خشمی که توسط افکار عمومی غرب نسبت به روسها، و ابراز علاوه و محبتی که نسیت به مردم لهستان در تمام دنیا میشد، معهذا: رئیسی متفقین در کنفرانس یالتا طبق یک فرمول کلی موافقت نمودند که لهستان عملادر تحت نفوذ سیاست فائقه روسها قرار گرفته هر زهای شرقی آن در (خط کرزون - ۱) تثبیت گردد.

۵ - در روسیه

در روسیه شوروی مبارزات مخفی با نبردهای که در میدانهای جنگی بادشمن انجام میگرفت از آغاز ماه ژوئن ۱۹۴۱ توأم و مخلوط شده بود. برای مبارزات مخفی روسیه، دولتی ذر خارج وجود نداشت تامشکلات ایجاد رابطه با آن دولت مطرح باشد، هیچگونه دوستگی وجود نداشت تا ادراک واستنباط مسائل

۱ - Lublin

Curzon - ۲ - لرد کرزن سیاستمدار انگلیسی که نایب السلطنه

هند و وزیر خارجه بود، و در ۱۹۲۳ ریاست کمیسیون تعیین مرزهای شرقی لهستان را داشت. ×

یاداره و ریاست قسمت‌ها موجب ابهاماتی گردد.

پیکاری که نهضت مبارزه مخفی در قسمتی از سرزمین‌های اشغالی انجام میداد، جزوی از همان نبرد عظیم و سختی بود که تمام نیروهای کشور در گیر آن بوده در استراتژی ارتش موقعیت خاص خود را اشغال کرده بود. جنبش مبارزه مخفی روسیه جانشین یک دولت از هم پاشیده و یا یک ارتش شکست‌خورده نبود. در آنجا مسئله رژیم و یا تهیه طرحی که در آینده مبنای تعیین رژیم یا جایگزین نمودن آن باشد، وجود نداشت. بلکه جنبش مبارزه مخفی، رکن مهمی از (جنگ بزرگ میهنی) بود که اوضاع و احوال و مقتضیات تحمیل کرده بود. خاطرات جنگ‌های داخلی هنوز وجود داشت و کمونیست‌های مسن و پیر هنوز میتوانستند تجربیات قبلی خود را در جنگ‌های پارتیزانی بیاد آورده از آن بهره بر گیرند.

علاوه کمی قبل از شروع جنگ در منورهای ارتش سرخ بخصوص در عملیات چتر بازی مرتبأ موضوع شرکت گریلاها بطور توده‌ای و زیاد در عملیات و جنگ‌های کلاسیک مورد بررسی قرار میگرفت.

وبدين ترتیب روسها در این مورد نسبت به کشورهای دیگر پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای از لحاظ علمی و فنی نموده بودند. در چنین موقعی بود که ناگهان حمله غافلگیرانه آلمانها سرعت پیشروی ارتش (ورماخت - ۱) تمام سازمانهای منظم را در هم فرویخت

ومسلمانیک عکس العمل میهند پرستانه بلا فاصله در مردم بروز کرد بطوریکه توده های عظیم انسانی در ساختن فوری استحکامات شهرهای (کیف - ۱)؛ (لینگراد) و یا (اوتسا - ۲) شروع بکار کردند، این عکس العمل میهند از لحظه‌ای که جنگ صورت خاصیت توده‌ای یافت، ظاهر شد و در تمام مدت جنگ ادامه داشت.

ولی برهمن خوردن و متلاشی شدن سازمانها واضح و هویدا بود، استالین در ۳ ژوئیه ۱۹۴۱ یعنی چند روز پس از تشکیل کمیته های مرکزی حزب کمونیست در تمام جمهوری ها، پیامی برای ملت شوروی فرستاد واجرای تاکتیک : قطع امید و منهدم کردن کامل مناطق رها شده را بنام (سرزمین های سوخته) توصیه و تأکید نمود. ملیت هائی که تحت اشغال آلمانها درآمدند عملابحال خود رها شدند. چون سرعت پیشوی آلمانها طوری بود که در واقع واحد های ارتش سرخ را دور زده و از آنها میگذشتند این واحد ها ناچار سلاحها را مخفی کرده بدون داشتن طرح یا دستور العمل خاصی، دستجات پاره تیز ای را در محل تشکیل میدادند.

اشغالگران طبق نقشه خاصی نظامیان و جنگجویان کمونیست را قتل عام میکردند، حتی وضع طوری شد که رهبران کمیته ها مجبور شدند خود را مخفی نمایند. در نتیجه اغلب اوقات ابتکار

بدهست کسانی که (جزء حزب نبودند) مینقاد و این اشخاص درست در راهی که رؤسای آنها میخواستند ابراز وجود میکردند. اکثر ساکنین شهرهایی که در جریان جنگ خانه‌های آنها منهدم شده بود و حتی مردم شهرهایی مانند (ویتبسک-۱) که بدهست ارش سرخ منهدم گردید به جنگل هافرار کردند. این دسته جات سرگردان ناچار یک سازمان حداقلی برای خود ایجاد واجباراً همه احتیاجات خود را بنحو ممکن تهیه میکردند؛ اولین حملات را علیه کسانی که با دشمن همکاری نموده یا در مقابله مصادره اموال مقاومت مینمودند اجراء کرده اعلامیه‌های دفتر اطلاعات شوروی را نیز پخش میکردند. مدت یکسال تمام تنها رابطه بین این میهن پرستان خود ساخته، و مقامات شوروی گوش‌کردن به رادیو مسکوبود. در نتیجه وقایه اولین طرح‌های مبارزه مستقیم را شروع با جرا کردن دچار اشتباهات بزرگی شدند؛ مثلاً در سپتامبر ۱۹۴۱ که یک دسته ۷۰۰ نفری در سرچشمۀ های رود (دنیپر-۲) حتی بدون داشتن یک پناهگاه طبیعی و بدون وسائل تحرک، تشکیلاتی دادند همگی وسیله آلمانها قتل عام شدند. اولین مسئله ای که باید بدانیم آنست که، آیا اشغالگران میتوانستند یک شورش عمومی علیه رژیم شوروی بوجود آورده، نژاد های مختلف را قادر به مبارزه مسلحانه نمایند یا خیر؟. عملیاً در تمام دوران اشغال آلمان اجرای این چنین طرحی موافق با شکست قطعی گردیده در طرح

Vitebsk - ۱

Dniepr - ۲

(باربروس - ۱) آلمانها، پيش بيماني يك (تصفيه بير حمانه پار تيزانها) شد بود. كه طبق آن طرح گشتاپو فوراً روش اعدام ها و تبعيدهاي دسته جمعي، و منهدم كردن همه چيز را بكار مي بيرد و برای اين منظور مي بايستي ارش آلمان فوراً وارد عمل شده با تشکيل واحدهاي مخصوص منتخب يك سپاه در كريمه بوجود آورده قسمت مهمی از پار تيزانها را قلع و قمع نماید. بعضی از فرماندهان آلساني تصميم به اقدامات دیگری گرفته بودند، مثلا در (بيريانسك - ۲) ژنرال (شمیت - ۲) در نظر داشت که يك نفر غير نظامي روتی را به حکمرانی تعیین و اختیاراتی درمورد انتساب کارمندان، شهردارها، کدخدادها و از بین بردن مزارع اشتراکی و تقسیم انبیارها را بدون دخالت آلمانها بدو واگذار نماید، و اين حکمران همچنین اختیار داشته باشد واحدهاي چریک مرکب از هزاران نفر را استخدام و عليه پار تيزانها بكار آئد آزاد . اما وسعت کشور، مانع از اجرای اين طرح گردیده وی مجبور شد میدان عمل خود را فوق العاده محدود و فقط نقاط مستحکمی در دهکده هائي که در پناه او بودند بوجود آورده، واحد هاي کوچکي بنام (يا گد کوماندوس - ۴) بوجود آورد، که گاهي برای مجازات پار تيزانها آنهارا اعزام ميداشت.

۱ - Barberousse - نام دو برادر معروف و شجاع الجزيره ای است که همین نام به فرد يك كبيير آلمان نيز داده شده بود و آلمانهاي نازی نام منبور را روی اين طرح لعنتی نيز گذارده بودند

Briansk - ۲

Schmitt - ۳

Jagdkommandos - ۴

در ماه مارس ۱۹۴۴ آئین نامه‌ای که نتیجه سه‌ماه تجربه بود تحت عنوان (آئین نامه جنک علیه پارتیزانها) شامل دستورالعمل‌ها و خصائص دفاعی آنها منتشر شدند، و این خود اقتداری بر شکست در مقابله پارتیزانها بود، و حشت و ترس از پارتیزانها در همه جا رسخ کرده بود.

در جریان سال ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ مجموعه عملیات مبارزات مخفی بتدریج بدست کمونیست‌ها افتاد. فقط در اوکراین چندین هزار افراد مطمئن به عقبه ارتش‌های دشمن اعزام شدند و دوریا است مبارزات پارتیزانها بیک نفر متخصص ورزیده و مجرب‌جنگ‌های داخلی بنام (کوروچنگو - ۱) سپرده شده بود. در ماه مه ۱۹۴۳ حزب کمونیست یک کنگره واقعی از تمام کمیته‌ها در شهر (زیتوونیر - ۲) تشکیل داده بدبناک آن هزاران میتینگ‌های محلی و اجتماعات برقرار شد که در آن میتینگ‌ها دستور های تاکنیکی با مسائل تبلیغاتی توأم و مخلوط شده بود. بالاخره حزب، بتدریج کنترل و اداره گروههای پارتیزانی را در تمام رده‌ها بوسیله کمیسر های سیاسی تأمین نمود. البته واضح است که توجه و جلب افکار عمومی بیشتر متکی بر حفظ و نجات میهن بود تادفع از دژیم، ولی در این مورد هم کمیسرها مراقبت و توجه خاصی نسبت به وضع مردمی پارتیزانها داشتند.

در سال ۱۹۴۲ استالین رئیسی مهم پارتیزانها را به مسکو احضار نمود.

در عین حال در عقبه آلمانها یک (ستاد عملیات انحرافی)

بوجود آمد. در 'مسکو'، لینین‌گراد و استالینگراد مدارسی بمنظور آموزش خرابکاری، خدمه رادیو، و تهیه معلمین جنگ های پارتیزانی تشکیل گردید. رادیوها هفته‌ای دوروز دروس آموزشی جنگ پارتیزانی و گریلا را پخش میکردند. دستور های مزبور بسیار جدی و محکم بود مثلًا میگفت: «با تمام وسائل ممکنه دشمن را بکشید، از اشغالگران با آن چنان خشنوتی انتقام بگیرید که نفرت و کینه اهالی و مردم بیشتر تقوبیت شود، کسانی را که با دشمن همکاری میکنند حتی افراد (بی تفاوت و محافظه کار) را هم اعدام کنید». از اول سال ۱۹۴۲ با ایجاد چند پست فرستنده ارتباط بین طرفین را تأمین و امکان فروریختن چتر باز هاهم فراهم گردید.

ژنرال (پونومارنگو - ۱) مأموریت تنظیم کلیه فعالیت‌ها و سازمان دادن هارا بعده داشت. وی موفق شد چندین عملیات بزرگ‌گرای هماهنگ نموده، گروههای پارتیزانی را که مستقیماً تابع او بودند مسلح و آماده نماید. ولی عملاً ابتکار عملیات در دست پایگاههای پارتیزانی بود، و گروههای محلی از استقلال عمل وسیعی برخوردار بودند، زیرا فقط خود آنها بودند که میتوانستند نقاط ضعف دشمن را تشخیص و اقدام به عملیاتی نمایند که شانس موافقت داشته باشد. پارتیزانهای روسی در همه جا ظاهر میشدند. در مناطق شمالی بواسطه سخت بودن وضعیت اقلیمی تعداد آنها بسیار کم بود. حتی با وجود خاطراتی که از (استنک رازین - ۲) و (پو گاچف - ۳) در استپ‌های اوکرائین بنایی

بود و طبیعت کمترین امکان عملیات را نمیداد باز هم پاره تیز انها وارد عمل میشدند... اما در مناطق مرکزی بر عکس، بواسطه وجود جنگل‌ها و مردابها یاد رکوهستانهای کریمه و قفقاز، پناهگاههای طبیعی زیادی وجود داشت که نه هوای پیماها میتوانستند افراد را کشف و نه تانکها قادر بودند با آن حمله نمایند.

وظائف و نقش پاره تیز انها بنابراین محل استقرار آنان تغییر مییافت اگر از جبهه دور و بیرون از شهرها بودند وظیفه آنها شامل تبلیغات بوسیله پیش تراکت‌ها، خرابکاری در تأسیسات قابل استفاده دشمن، و تشکیل گروههای علاقه‌مند بود که بتوانند محل های اختفای تهیه کرده، تدارکات و تغذیه افراد مخفی را فراهم نمایند. یکی از خصوصیات گریلاهای شوروی عبارت از تنظیم اجرای عملیات حمله و تاخت از فوacial بسیار دور بوسیله واحدهای مصمم و نیز و مند بود مثلًا وضع جنگل (بریانسک - ۱) طوری بود که میشد از آنجا عده‌هایی را آماده و در سمت های متفاوت برای مأموریت های مختلف اعزام داشت.

یکی از این واحدها بطرف جنوب رفت، از رو خانه‌های (اسنو - ۲) (دننا - ۳)، (دنپر - ۴) و (پریپت - ۵) گذشت و بمخصوص برخورد به آلمانها، آنها را قتل عام نمود، از هر دهکده‌ای که میگذشت در مدت چند ساعت (قانون جنگ مخفی) در آنجا

Briansk - ۱

Snov - ۲

Desna - ۳

Dnierp - ۴

Pripet - ۵

اجرا نمیشد. یکی دیگر از این عملیات تاختنی که بوسیله ستون دیگری بعمل آمد پارتیزانها از او سر این حرکت و بهمین ترتیب با اجرای عملیات تا قلب کوههای کارپات پیش رفتند. وظیفه پارتیزانها در آن موقع عبارت از برهم زدن تأمین خطوط دفاعی دشمن، خراب کردن روحیه اشغالگران با حملات و شبیخون غافلگیرانه و در دست گرفتن روحیه مردم بوسیله شبکه های پیچیده ای بود که تا هر لحظه بتوانند آنها را تهییج و وارد عمل نمایند. چنانکه در اول فوریه ۱۹۴۳ مردم بهمین ترتیب قیام کرده قبل از رسیدن ارتش شهر (پاو او گراد - ۱) را نجات دادند.

ولی در مناطق مجاور جبهه، وظیفه و نقش پارتیزانها که معرف اصول طرز عمل آنها است، عبارت از این بود که خود را بصورت پیش قراولان واقعی از سرخ درآورند. آنها بطور کلی تابع ارتش نبودند بلکه سازمانهای مبارزه مخفی و جنگ منظم هر دو بطور یکنواخت از (کمیته دولتی دفاع) دستور میگرفتند. ولی اتفاق میفتاد که ارتش سرخ در مناطق خاص و برای منظورهای خاصی از پارتیزانها استفاده نمیمود، در چنین مواقعي سلاحهای سنگین، مسلسل، خمپاره انداز وغیره از طرف ارتش با آنها داده میشد ولی طرز توزیع را بخود آنها واگذار میکردند. وجود این هماهنگی بین جنگ منظم و پارتیزانها در ماه ژوئن ۱۹۴۴ نتایج موقت آمیزی بیار آورد، مثلا در منطقه (ویتبسک- بوبروسک - ۲)، مخصوصاً دزنبرد

(کورسک - ۱) که نتایج قطعی برای نجات او کراین بوجود آورد، پیش روی ارتش سرخ با عملیات این پیش قرار اولان که راه آهن هارا خراب، و بطور متوسط ۲۵ خرابکاری در روز انجام داده، در موقع لزوم پل بر روی رودخانه هامیساختند باعث شد که عملیات آنها منتهی به خالی شدن یک دلان وسیعی در طول (دنی پر) تأمغرب (بورگ - ۱) گردد و واحد های منظم برای حمله به جناح دشمن خود را در این دلان مخفی نمودند.

به حض اینکه سرزمین ها آزاد می شد ، واحد های پارتیزان منحل می گردیدند، افراد آنها سرشماری شده در تحت اختیار ارتش قرار می گرفتند ، جمعی از آنها جزء واحد های پاک کردن منطقه، و تأمین عقبه گمارده شده عده ای بطور ساده جز عاحد های ارتش می گردیدند و افسران آنها هم برای طی دوره های آموزش تکمیلی اعزام می شدند .

اهمیت واقعی گریلا ها در روسیه شوروی بدین ترتیب سنجیده و مورد بحث قرار گرفت، مسلماً فعالیت آنها مختص و کوچک نبود. فقط در منطقه روسیه سفید ۳۰۰۰ خرابکاری در راه آهن انجام و همانقدر کامیون منهدم نمودند، بطور یکه ۱۶ گردان آلمانی (هر گردان ۲۰۰۰ نفر) بدون وسیله نقلیه و بی حرکت ماندند، با وجود اینکه گریلا های شوروی از کمک های روز افزون و هم دستی اکثریت مردم روسیه برخوردار بودند معداً لک تعداد افراد آنها زیاد نبوده و نمیتوانست هم باشد چنانکه برای او کراین ۲۰۰۰ نفر (حساب شده) بود که سهم آنها فقط میتوانست بصورت کمک باشد. وقتی که در ۶ ژوئیه ۱۹۴۳ ژنرال آلمانی

بنام (دیتمارک - ۱) اعلام نمود که: «خساراتی که پارتیزانها به ارتش آلمان وارد ساخته‌اند بیش از هر نوع مخاصمات و جنگهای دیگر بوده است» مسلم‌آراه مبنای لغنه نه پیموده بود.

تاریخ نویسی شوروی هر چند که شکل تبلیغاتی دارد معهذا سهم واقعی دو وظیفه اصلی نجات و پیروزی وطن را بدون بحث به ارتش سرخ و حزب کمونیست تخصیص داده است.

نتیجه

چگونه میتوان اهمیت جنبش‌های مخفی را خلاصه کرد و از آن نتیجه گرفت؟ یکی از تناقض تحقیقی ثابت میکند که: جنبشهای مخفی بستگی به تمام لحظات و دقایق مخاصمات دارد، بطوری که نه تنها در اروپا بلکه در اغلب جاهای، حتی به اوضاع قبل از جنگ نیز بستگی داشته است. بررسی مبارزات مخفی از بررسی ومطالعه جنگ دوم جهانی جدا نیست، بلکه برای درک آن، مطالعه این یکی لازم و ضروری است، بنحوی که مقاومت، تجسم‌ثانوی سرشت جنگ بصورت رقابت بین قدرت‌ها، و جنگ داخلی بین ملت‌ها میباشد.

اهمیت (سیاسی - استراتژی) مقاومت، هنگام پیاده شدن متفقین در اروپا و یا هنگام تعریض روسها، و هنگامی که تمام نیروهای خود را در اختیار فرماندهی متفقین گذاردهند بخوبی آشکار و معلوم گردید. این عمل تنها بمنظور

هدایت واداره جنگ نپود، بلکه بیشتر برای تاییج سیاسی آن در دوران بعد از جنگ بود... سرنوشت تمام اروپای نجات یافته انگیزه اصلی آن بود؛ کمک‌هایی که از لندن، واشنگتن، یا مسکو میرسید، اهمیت تاییج جنگ را در آینده بیشتر آشکار میکرد. این‌منظره (استراتژی - سیاسی) مبارزات مخفی بود که با وجود اینکه متفقین آنها را خیلی دیر شناختند، ولی در عرض هر گز خود را از این مبارزان مخفی کنار نکشیدند، برای متفقین، مقاومت، عین جنگ بود، زیرا مفهوم و نتیجه آن به سر نوشت میهان مقاومت کنندگان و میهان هر یک از متفقین و به انگیزهای اصلی جنگ بستگی داشت.

تعیین میزان سهم مقاومت در مجموعه پیکارها بهر-حال مشکل است، - زیرا در مبارزات مخفی معیار و اندازه‌های معمولی اعتباری ندارد. تصور ذهنی پیروزی‌هاهم، که از لحاظ شرح نبردها ضروری است، همچون بخاری محو و فراموش میگردد. پیروزی مقاومت، هر گز با علائم معموله مانند فرار دشمن، حفظ میدان عملیات یا تصرف زمین‌ها مشخص نمیگردد. اگر مقاومت در شهری قدم میگذاشت مسلم بود که دشمن هر اجعات میکرد و مقاومت را از آنجا میزاند. و خود از آن شهر میگذست در حالی که فقط یک پنجم عده‌های مقاومت زنده میمانند. و همین خود برای ارش آزادی، بخشی‌مانندیو گوسلاوی موقیتی ... بود. اگر عملیات (ورکور) به شکست غم انگیزی هنچی میگشت در عوض ارزش آنرا داشت که توانسته بودند در یک موقعیت حساس، یک لشگر کامل دشمن را بخود مشغول دارند. و امثال اینها ...

از نظر اقدامات روانی، مقاومت، تمام ظرفیت قدرت خودرا بکار انداخت، حتی بصورت تیراژ روزنامه‌ها کاهمیت آن تنها بتعاد نسخه‌ها نبود، بلکه متوط به کوششی بود که در راه توزیع و چندین برابر نمودن خوانندگان، بکار میرفت.

حتی گاهی اوقات تصویر یک مقاومت گفته شد، و تجسم وضع آن بسی مشکل است. جمعی تیرباران شده، تبعید گردیده، یا بعنوان گروگان بازداشت میشدند... بازهم مأمور خرابکاری مؤثرتر و محکم‌تر، در پست خود باقی‌میماند. مقاومت گفته شد که در ۱۹۴۱ زندانی شده بود و بنا بشغل خود مأموریت‌هایی به ترتیب الف. ب. وج داشت معهذا در ۱۹۴۴ با وجود اینکه اجرای آن مأموریت‌ها بی‌فائده بود بازهم آنرا آنجام میداد.

بطوریکه مشاهده شد فعالیت نهضت‌های مخفی از لحاظ طرز عمل بنا بوضع کشورها متفاوت بود.

برای اینکه عکس العمل ملت‌های اسلامی را نسبت به اشغالگران بدانیم، چندان لزومی ندارد که از تاریخ و احساسات آنها نسبت بالمانها اطلاع داشته باشیم، زیرا اغلب دیده میشد که اثر خشونت و ضربه روحی که در همان اول شکست، و اشغال بر ملت‌ها وارد شد، بحدی بود که عقاید و نظرات قبلی هیچ‌گونه تأثیری در وضعی که افراد بعداً بخود گرفته بقای نگذاشت: این موضوع در بین فرانسویان بیشتر به چشم می‌خورد که جمعیت‌ها و احزاب اعم از اینکه قبل از نزدیک تن یا مخالف هم بودند، ولی کمتر دیده شد که پس از اشغال هم عقاید آنها حاکی از نظرات و عقاید قبلی‌شان باشد.

باین دلیل است که میتوان (مبارزات مخفی اروپا) را بدون اینکه تعصی بخراج دهیم در یک جهت و منظور دقیق، خلاصه نمائیم: مبارزات مخفی اروپا عبارت از در کنار هم قرار دادن مقاوومت های ملی بود، که بطور متفاوت توجیه شده ولی همه آنها در یک مبارزه مشترک و باوسائل مشابه و نامساوی، شرکت داشته‌اند.

همین مبارزات بود که بدون شک و تردید پیروزی متفقین را به بهاء ارزانی یاری نمودند ولی اینکه گاهی اوقات مانند قیام پاریس و ورشو از لحاظ تاکتیکی برای آنها تولید زحمت کرده باشد.

مسلمان پیروزی مقاوومت‌هم، بدون کمک متفقین و به تنهایی بدست نیامد. شاید سرشت پیکارهای مقاوومت این باشد که هر گز نتواند مستقل از پیروزی مستقل گردد، دشمن هم، هر گز مطمئن نمی‌شود که آنها را شکست داده باشد. با کوشش و تلاشی که مقاوومت گنند گمان کرده، و خطراتی که مواجه می‌شوند، سرعت پیشوی متفقین آنقدر بنظرشان بی‌اهمیت جلوه گر می‌شود که حتی از یک ثانیه‌ای هم که برایشان تکلیف و وظیفه‌ای ایجاد نمی‌مود غفلت نمی‌کرند. در مقابل همیشه بیدار و آگاه بودند. صرف‌نظر از روح برتری جوئی که در اثر جنگهای که کرده بودند در آنها بوجود آمده و حق هم داشتند، معهدها توانستند در درجه‌اول بر خود و بسر شرایط سختی که وجود داشت بخوبی مسلط گردند. شاید کمی مبالغه آمیز باشد، اگر بگوئیم که مبارزات مخفی نه تنها تکان دهنده ترین منظره جنگ دوم جهانی را، از نظر، بزرگترین فداکاری‌ها، دربر داشت، بلکه چیزی بود

که پس از پایان جنگ هم از رواج نیفتاد و کنه نشد.
 اعم از جنگ خارجی، جنگ داخلی، جنگ روانی و یا
 جنگ مردمی، مبارزات مقاومت همیشه از یک روح تنفر از
 بیگانه، تعصب و میهن پرستی ... واز شرافتمدارانه ترین شور و
 شوق، یعنی از آزادی انسان، و ملت‌ها و ترقی اجتماع،
 سرچشمہ مینگیرد: و همین روح است که دریک مقاومت کننده
 بصورت عقده پرشوری ظاهر کرده، به افراد بیرحمانه و منع
 هر نوع سازش و مصالحه منجر مینگردد. مبارزات مخفی برای
 دشمن سخت و طولانی بود، برای خود مقاومت هم سخت... زیرا
 شهدایی که با یک مرتبه فداکاری جان خود را از دست میدادند
 فقدان آنها برای مقاومت بسی کران تمام میشدو برای کشورشان
 کران تر ... با وجود این، لاینقطع مردان جدیدی به مقاومت
 ایمان آورده آماده خدمت میشندند. هنوز هم دستور العمل ها و
 استعاره‌های آنها ها هیچکس فراموش نکرده است. اگر چه
 مقایسه بین سلط استعماری و اشغال هیتلری کاری مبالغه آمیز
 است، معذالت تردیدی نیست که امروز ملت‌های استعمار زده
 هم مبارزات مخفی را آغاز کرده، شکل و حالت مقاومت را
 بخود گرفته یا آنرا تقليدي ميگينند: «در مقابل دشمن قويتر از خود،
 باحملات همزمان ورو بافزايش به خطوط ارتباطی، سازمان
 منطقه عقبه اورا برهم زده و آنرافلج کنيد، بوحده های کوچک،
 افراد مجزا، و کاروانهای دشمن حمله نمائيد. انبارها را منهدم
 نمائيد. هر گز با واحد های مأمور سرکوبی در گير و گلاویز
 نشويid - به عناصر کوچکی تقسيم و پخش شده در نقطه تجمع مقرره
 دوباره بهم ملحق گردید - انضباط لازم را بدون ملاحظه و

گاهی اوقات بازور تحمیل نمائید... بکوشید که مردم را در اعمال خود شریک نمائید تا بدین ترتیب از همدمتی و سکوت آنها مطمئن گردید... بمحض اینکه تعداد افراد شما بحد لازم رسید استخدام را متوقف کنید.. زیرا وقتی که موقوفیت شما مسلم شد افراد علاقه مند؛ داوطلبانه بشما خواهند پیوست».

تصور نکنید، این دستور العمل‌ها از نعش‌یک و یتمامی یا یک مائوماً تو و یک رئیس قبیله (ولایا-۱) بدست آمده است... خیر! این دستورها را فرمانده ارتش سری فرانسه در تابستان ۱۹۴۳ صادر کرده بود... .

خلاصه باید گفت، در میان این بیم و امیدی که زائیده آغاز، مداومت، و سر انجام مبارزات مخفی بود... مقاومت آنقدر عظمت پیدا کرد که قسمت مهمی از عصر ما... شاید هم پر معنی ترین قسمت آنرا، در بر گرفت.

پایان

۱۳۴۳ ربیع ۱۵

فهرست مندرجات

مقدمه

فصل یکم - خصائص عمومی

پیکار پنهانی - رشد و توسعه مبارزات مخفی -
تحولات سیاسی

فصل دوم - متفقین و جنبش‌های مخفی

بریتانیا کبیر - روسیه شوروی - ممالک
متحده امریکا

فصل سوم - مقاومت مبارزان مخفی در رژیم‌های دیکتاتوری مطلق

ایتالیا موسولینی - مخالفت مقابل در آلمان
هیتلری

فصل چهارم - جنبش‌های مخفی در اروپای غربی.

در دانمارک - در نروژ - در هلند
در بلژیک - در فرانسه

فصل پنجم - جنبش‌های مبارزات مخفی در اروپای شرقی و مرکزی

در چکوسلواکی - در یونان -
در یوگوسلاوی - در لهستان - در روسیه

نتیجه . . .

قابل توجه

چون بعضی از اغلاط چاپی این کتاب طوری است که احتمال دارد معنی جمله را نا مفهوم و یا تغییر دهد خواهشمند است قبل از خواندن، غلطهای زیر را تصحیح فرمائید:

صفحه	سطر	غلط	صحيح
۸	۱۴	مخالفت	مخالف
۱۴	۱	بنفتح	به نفع
۱۵	۱۱	که این نوع مقاومت	این نوع مقاومت
۱۶	۲۰	محاکمه و تیرباران	محاکمه، تیرباران
۱۸	۵	گردیده است	گردیده‌اند
۲۱	۲۱	می‌شمردند	میدانستند
۲۲	۲۱	می‌شود	میشد
۲۶	۵	در صد	در صدد
۲۶	۲۴	ینشی	نیشی
۲۷	۹	بیاورند	می‌اوردند
۳۱	۷	اگر ظاهر	اگرچه ظاهر
۳۴	۲	دوران اشغال	دوران اشغالی
۴۳	۱۴	اروپا شغالی	اروپای اشغالی
۴۴	۱۷	مادره	صادره
۵۹	۱۵	باین بد	به این بدی
۶۵	۱۱	چندان روی	چندان

صفحه	سطر	غلط	صحيح
۷۰	۱۱	رفقن فاشیسم	رفقن فاشیسم
۷۱	۳	پایدار	پایدار
۷۳	۱۷	معاونین (اولونگو)	معاونین او (لونگو)
۷۵	۷	از طرف	از طرفی
۷۸	۶	۱۹۶۴	۱۹۴۴
۹۶	۶	و ترتیب	و ترتیب
۹۷	۱۸-۱۷	که و متفقین	که و متفقین که
۱۰۰	۱۴-۱۳	برده و نمایند	برده و نمایند
۱۰۵	۸	زمان جنگ را	زمان جنگ را
۱۱۹	۱۳	گردید	گردد
۱۲۷	۶	پاشیده پروتوكل های	پاشیده پروتکل های
۱۲۷	۷	دارلان در	در دارلان
۱۴۴	۵	لشگر برآورد	نسل برآورده
۱۵۴	۷	نمایند	نماید
۱۷۵	۴	را در دست	را از دردست
۲۰۱	۱۱	گردید	گردند
۲۰۸	۸	یاری نمودند	یاری نمود

آنچه که چاپ شده

۱ نشريه	تاریخ شوروی
۲ »	انارشیسم
۳ »	استراتژی تراستها
۴ »	نفت
۵ »	تعاون
۶ »	اشعه کیهانی
۷ »	کسوف خسوف
۸ »	تاریخ کار
۹ «	فحشا و واسطگی

بیهاء ۳۰ ریال